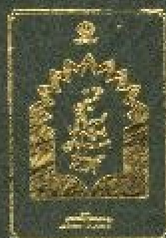
آموزش
زبان
فارسی
در
جمهوری آذربایجان

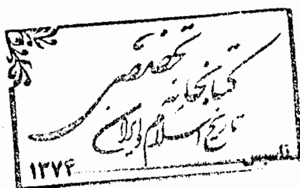
علی اصغر شعردوست



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی

آموزش زبان فارسی در جمهوری آذربایجان

علی‌اصغر شعردوست



شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
نخستین مجمع بین‌المللی استادان زبان فارسی
۱۳۷۴



شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
تهران، میدان بهارستان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نام کتاب: *آموزش زبان فارسی در جمهوری آذربایجان*
نویسنده: *علی‌اصغر شعردوست*
نوبت چاپ: ۱۳۷۴
تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
قیمت: ۴۰۰۰ *ریال*
چاپ و صحافی: شرکت نیرو چاپ

فهرست

فصل چهارم

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مقدمه

زبان فارسی از دیرباز چه به عنوان زبان شعر و ادب و چه به عنوان پیوند افزار سیاحان سیاس، چونان امواج توفنده مرزها را درنوریده و تا آفاق دور رسیده است. دلیل نفوذ و گسترش زبان فارسی در میان اقوام و ملل دیگر هرچه باشد، سرانجام این پریچهره با طنازیها و دلربایهای بی‌مثالش ارباب ذوق را شیفته و آشفتهٔ خویش ساخته و از زبان، در دل مردمان نشسته است. اهل دل، همدلی را از همزبانی خوش داشته‌اند، پارسی امّا به راستی زبان همدلی است و اقوام و ملل گونه‌گون را به هم پیوسته است. مقارنت و مؤانست با اسلام را باید مهمترین دلیل فرخنده پی بودن پارسی به شمار آورد. بر این راست نیز نتوان دیده فروبست که درخت زبان و ادب پارسی پس از طلوع خورشید اسلام چتر پیروزه‌فام خود بر فراز گیتی بگشوده و شاخه بر گنبد نیلگون سوده است. از این روی قرنهاست که آموزش و پژوهش زبان و ادبیات فارسی در همهٔ کشورهای اسلامی مطمح نظر پژوهشگران و دانشوران می‌باشد. زبان فارسی در دیگر کشورهای گیتی نیز همواره مورد توجه بوده و در دانشگاههای معتبر اروپا و آمریکا کرسیهای ویژهٔ این زبان دایر شده است.

با توجه به پیشینهٔ پیوستگی قفقاز با ایران زمین، این خطه از مراکز مهم آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی می‌باشد و در این میان جمهوری آذربایجان از موقعیتی چشمگیرتر برخوردار است. فارسی پژوهی و ایرانشناسی در جمهوری آذربایجان بر روی اُستنهای تاریخی محکم استوار است. می‌دانیم که در روزگار پیوستگی با ایران، فارسی به عنوان زبان رسمی و ادبی در شمال آذربایجان (جمهوری آذربایجان کنونی) نیز متداول بود و تا اوایل قرن بیستم همچنان به عنوان زبان شعر و ادب مورد توجه بود. از آن پس، زبان و ادبیات فارسی به سبب تأثیری که بر زبان و ادبیات معاصر آذربایجان نهاده، نظر نقادان و پژوهشگران را به خود معطوف داشته است. اگر جمهوری آذربایجان را گرانیگاه فارسی پژوهی نوین بنامیم، سخن به گزافه نرانده‌ایم. و انگیزهٔ پدیداری این کتاب، چیزی جز بایستگی شناخت سیر تاریخی آموزش و گسترشِ زبان و ادب فارسی در آن دیار نیست.

کتاب حاضر که همگاه با برگزاری نخستین مجمع بین‌المللی استادان زبان فارسی منتشر می‌شود، مدخلی است بر فارسی پژوهی در جمهوری آذربایجان امیدوارم این دفتر آشفته با نقد و نظر استادان ادب فارسی و فارسی پژوهان فرهیخته در نشرهای پسین ذره‌ای به کمال راه یابد.

علی اصغر شعردوست

زمستان ۱۳۷۴

فصل اول

گسترش شعر و ادب فارسی در جمهوری آذربایجان

به قدرت رسیدن سامانیان در رواج و گسترش زبان فارسی تأثیری عظیم نهاد. بعد از اسلام، زبان عربی تا قرنها زبان دولتی ایران به شمار می‌رفت. لیکن در عهد سامانی، به سعی این خاندان ایرانی زبان فارسی نیز درکنار زبان عربی به عنوان زبان دولتی و رسمی پذیرفته شد. به تدریج حوزه نفوذ فارسی وسعت یافت، تا جایی که در آثار ادبی و علمی هم جای زبان عربی را گرفت. نخستین آثار منثور فارسی که از دورهٔ بعد از ورود اسلام به ایران در دست است، به سدهٔ چهارم هجری مربوط می‌شود. مقدمهٔ شاهنامهٔ ابومنصور معمری در صدر آثار منثور فارسی قرار دارد. این اثر بعدها اساس کار حکیم توس در نظم شاهنامه قرارگرفت.

اگرچه تذکره‌نویسان با ذکر ابیاتی منسوب به ابوحفص سغدی، حنظله بادغیسی، فیروز مشرقی و ابوسلیک گرگانی از اینان به عنوان طلایه‌داران شعر پارسی یاد می‌کنند. لیکن اطلاعات چندانی درباره صحت و سقم این

روایت در دست نیست. آنچه روشن است رشد و شکوفایی شعر دری نیز همچون نثر از قرن چهارم با ظهور شاعرانی چون رودکی، شهید بلخی، ابوشکور، دقیقی، کسایی و... آغاز می‌شود.

سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر فارسی می‌نویسد: «در آذربایجان محمدبن بعیث‌بن جلیس که در سال ۲۳۵ رحلت کرده اول شعر فارسی گفته است.»[۱]

و در ادامه می‌افزاید که از اشعار وی تاکنون چیزی به دست نیامده است. می‌دانیم که اغلب نمایندگان برجسته شعر پارسی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم از مشرق ایران چهره نموده‌اند. بخارا در آن دوره قطب اصلی ادب پارسی بود. «کمتر دوره‌ای از ادوار ادبی است که این همه شاعر استاد و بزرگ، آن هم از یک ناحیه محدود، در آن زندگی کرده باشند... علت اساسی این توسعه و رواج روزافزون شعر، تشویق بی‌سابقهٔ شاهان از شاعران و نویسندگان بود.»[۲]

علاوه بر امرای سامانی، صفاریان و آل‌زیار نیز شاعران را تکریم می‌نمودند. در میان شاعران دربار آل‌زیار از کفایی گنجه‌ای نام برده شده[۳]، اما متأسفانه معلوماتی درباره حیات وی و نمونه‌هایی از آثارش در دست نیست.

در قرن سوم حاکمیت برخی سلسله‌های ایرانی بر نواحی مختلف آذربایجان باعث شد، تسلط اعراب بر آن منطقه بتدریج روی به ضعف

---

۱. نفیسی، س. ***تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی***. تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ص ۱۹.

۲. صفا، ذ. ***تاریخ ادبیات ایران***. تهران: ققنوس، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۹۴.

۳. نفیسی، س. ***تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی***. (مذکور)

نهد. از اوایل قرن پنجم زبان و ادب فارسی در شمال غربی کشور ـ به ویژه آذربایجان ـ نفوذ و گسترش یافت. امیران و حاکمان ایرانی در ترویج زبان و ادب پارسی از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. با تسلط سلاجقه بر آذربایجان این تلاشها دوچندان شد. اکثر رجال دربار سلجوقی از دانشمندان خراسان بودند، از این روی ترویج ادب پارسی دری در مرکز توجه سلجوقیان قرار داشت. به تدریج شاعران در دربار امرای آذربایجان گرد آمدند. اسدی توسی مؤلف گرشاسب‌نامه و قطران تبریزی از آن جمله‌اند.

قطران را می‌توان نخستین چهرهٔ برجسته پارسی‌گوی آذربایجان به حساب آورد. در تذکرهٔ لباب‌الالباب می‌خوانیم:

«قطران که همه شعرا قطره بودند و او بحر و جمله فضلا در بودند و او خور. اشعار او در کمال صنعت و استادی و لطایف او محض اکرام ورادی، از اهل تبریز است و بر اقران سبقت کرد و قصاید او همه لطیف و اغلب رعایت جانب تجنیس کرده‌ست...»[1]

علاوه بر دیوان اشعار، کتابی موسوم به «تفاسیر فی لغةالفرس» بدو منسوب است. این کتاب و نیز «لغت فرس» اسدی توسی را می‌توان دیرینه‌ترین آثاری شمرد که به منظور آشنایی مردم آذربایجان با فارسی دری ـ که خاستگاه آن خراسان بود ـ تألیف شده است. از اشاراتی که ناصرخسرو در سفرنامه خود، دربارهٔ قطران تبریزی آورده، بایستگی و ضرورت تألیف چنین کتابهایی نیک روشن است. دکتر ذبیحا... صفا در این‌باره می‌نویسد:

«غیر از رساله‌ای در لغت که به قطران شاعر نسبت می‌دهند و حاج

---

۱. عوفی، م. ***لباب‌الالباب*** (به سعی ادوارد براون). تهران: فخر رازی، ۱۳۶۱، ص ۳۱۴.

خلیفه آن را «*تفاسیر فی لغةالفرس*» نامیده است، کتاب معتبری در لغت فارسی دری از همان داریم به نام ***لغت فرس*** از ابومنصور علی‌بن احمد اسدی توسی که وفات او را در سال ۴۶۵ هجری (۱۰۷۲ میلادی) نوشته‌اند. این کتاب را اسدی برای آن نوشت تا شاعران معاصر او در ایران و آذربایجان بتوانند مشکلات خود را در لغات پارسی دری به وسیله آن مرتفع سازند.»[۱]

بعدها شمس‌الدین محمدبن هندوشاه‌بن سنجر نخجوانی مؤلف کتاب «دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب» بر اساس لغت فرس اسدی توسی، کتاب «صحاح‌الفرس» را ترتیب داد. نخجوانی همچنین با افزایه‌هایی به تکمیل کتاب پرداخته است.

قرن ششم نیز از ادوار درخشان ادب پارسی است، همانگونه که در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری، خراسان خاستگاه شاعران برجسته‌ای بود. سدهٔ ششم امواج ادب پارسی تا کوههای سر به فلک کشیدهٔ آذربایجان رسید، به گونه‌ای که بزرگترین شاعران پارسی‌گوی آذربایجان در این قرن ظهور کردند.

شروانشاهان آذربایجان که خود را از سلسلهٔ ساسانیان می‌دانستند، بر شروان، دربند و شماخی حکومت می‌کردند. شاعران برجسته‌ای چون مجیرالدین بیلقانی، ابوالعلاء گنجه‌ای، خاقانی شروانی، نظامی گنجه‌ای، فلکی شروانی و قوامی گنجه‌ای هر یک به گونه‌ای از تشویق و حمایت شروانشاهان برخوردار بودند. حاکمیت این خاندان ایرانی تا تشکیل سلسلهٔ صفوی ادامه داشت. در برخی نواحی آذربایجان حکومتهای محلی کوچکی مانند شدادیان، روادیان و احمدیلیان تسلط داشت.

---

۱. صفا، ذ. **گنجینهٔ سخن**. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۱.

به شهادت تاریخ، این حکومتها نیز مشوق شاعران و نویسندگان پارسی‌گوی آذربایجان بوده‌اند. چنانکه معروض افتاد قرن ششم درخشانترین دورهٔ ادب پارسی در آذربایجان است. از میان شاعران این دوره خاقانی شروانی و نظامی‌گنجه‌ای در عداد بزرگترین نمایندگان شعر پارسی جای دارند. شعر پارسی در قرون چهارم و پنجم در خراسان نخستین مرحله از مراحل رشد و کمال را پشت سر می‌گذارد و در قرن ششم دومین مرحله را در آذربایجان سپری می‌کند. فارس و هند را باید بستر دو مرحله بعدی تکامل و شکوفایی شعر پارسی ملحوظ داشت.

شاعران آذربایجان مبدع سبک و طراز تازه بودند که برخی منتقدان آن را سبک آذربایجانی نام نهاده‌اند. با توجه به اینکه فارسی دری لهجه متداول همه نقاط ایران نبود، در نواحی مختلف ـ از جمله آذربایجان ـ به لهجه‌های محلی تکلم می‌شد، واژه‌ها و اصطلاحات بسیاری از زبان آذری در فارسی دری راه یافت و آن را زیر تأثیر قرار داد. از سوی دیگر آذربایجان به مناطق و ولایات عرب‌نشین نزدیکتر بود، آخرین نشانه‌های تسلط اعراب بر ایران همچنان در آذربایجان برجای بود. برای همین در شعر شاعران آذربایجان نسبت به مناطق شرقی کشور لغات تازی بسیاری راه یافت. و از نظر سبک شناختی این خود موجد طرزی دیگر شد که قرون بعدی ادب پارسی را زیر نفوذ خود گرفت. بدینسان زبان پارسی دیگرگونه هیأتی یافت و گنجینه واژگانی آن گسترده‌تر شد. اگرچه در قرون بعدی افراط در ادخال واژگان عربی خود سبکی مغلق و متکلف در نظم ونثر پارسی ایجاد کرد.

محققی دلایل تمایز سبک شاعران آذربایجان از آنچه در دیگر نواحی ایران و یا پیش از آنان بوده است را، چنین برمی‌شمارد:

«اول به آن سبّب که تا موقع ظهور آنان شعر فارسی مراحلی از تحول

را پیموده و به سبکهای نوی منجر شده بود، و این شاعران می‌توانستند بر اثر کسانی از قبیل انوری و سنایی و نظایر ایشان گام نهند. دوم از آن جهت که زمان ظهور این شاعران مقارن بود با عهد ظهور شاعرانی در عراق که سبک آنان با سبک شاعران خراسان متفاوت بود و از حیث لفظ و معنی در طریقی دیگر سیر می‌کرد و طبعاً ارتباط با این شاعران در دور ساختن شاعران آذربایجان از گویندگان خراسان اثر آشکار داشت. سوم از آن باب که این گویندگان از محیطی کاملاً تازه که با محیط ادبی خراسان فاصله و اختلاف داشت پدید آمدند. این محیط یعنی آذربایجان به چند علت از محیط ادبی خراسان و ماوراءالنهر متمایز بود. نخست از آن روی که در این محیط لهجهٔ آذری که با لهجهٔ دری مغایرتهایی داشت، متداول بود. دوم آنکه آذربایجان بر اثر ارتباط با برخی از محیطهای غیرایرانی اطراف خود که غالباً فرهنگی متمایز از فرهنگ ایرانی داشته‌اند، از سایر محیطهای اجتماعی ایران از نظر معنا ممتاز بود و آمیختگی بیشتری حاصل کرده بود و پیداست که وجود لغتها و ترکیبهای عربی در لهجهٔ آذری لحن سخن شاعران آذربایجان را با شاعران مشرق متفاوت می‌ساخت. خاصه که ظهور شاعران آذربایجان مقارن بود با نفوذ و سیطرهٔ ادب عربی در میان ادیبان و شاعران ایران و مجاز بودن آنان در استعمال بی‌حد و حساب کلمات و ترکیبات عربی.»[1]

در میان شاعران قرن ششم آذربایجان، ابوالعلاء گنجه‌ای به عنوان استادی پیشکسوت جای دارد. او که نخست به عنوان برترین شاعر دربار شروانشاهان شناخته می‌شد، استاد خاقانی بود. خاقانی با معرفی و حمایت وی، به دربار شروانشاهان راه یافت. فلکی شروانی نیز از

---

۱. صفا، ذ. *تاریخ ادبیات ایران* (مذکور)، ج ۱، ص ۲۰۷.

شاگردان ابوالعلاء بوده است.

افضل‌الدین بدیل‌بن علی‌بن عثمان خاقانی شروانی یکی از بزرگترین شعرای ایران است وی را می‌توان زبده‌ترین چامه‌سرای تاریخ ادبیات پارسی شمرد. او نخست در شعر حقایقی تخلص می‌کرد، اما بعد از راه یافتن به دربار خاقان اکبر، فخرالدین منوچهربن فریدون شروانشاه به خاقانی متخلص و مشهور شد.

خاقانی در شعر پارسی از چنان مرتبتی برخوردار است که وی را «حسان عجم» نامیده‌اند. گویا نخستین بار عمویش وی را به این لقب خوانده است. خود گوید:

چون دید که در سخن تمامم　　　حسان عجم نهاد نامم

خاقانی در ابداع ترکیبات و معانی تازه ید بیضا نموده است. تسلط وی بر زبان پارسی از وسعت گنجینه لغات و ترکیباتش به نیکی پیداست. خاقانی لطیف‌ترین معانی و مضامین را به زبانی ستوار و فخیم به نظم کشیده است. وی در دیوانش به توان شاعری خویش اشاره می‌کند:

منصفان استاد دانندم که معنی و لفظ　　شیوهٔ تازه نه رسم باستان آورده‌ام

تأثیر خاقانی بر نسلهای بعدی، به ویژه در قصیده‌سرایان به حدی است که تا عصر ما نیز ادامه دارد. نتیجهٔ تتبع قصاید خاقانی، جز تقلید و تکرار نبوده است. و هیچ یک از پیروان وی نتوانسته‌اند به مرتبت او نایل شوند. استاد بزرگ شروان خود نیز چنین تقلیدهایی را بی‌نتیجه می‌دانست.

خاقانیا خسان که طریق تو می‌روند

زاغند و زاغ را صفت بلبل آرزوست

بس طفل کآرزوی ترازوی زر کند

نارنج از آن کند که ترازو کند ز پوست

گیرم که مارچوبه کند تن به شبه مار

کو زهر بهر دشمن وکو مهره بهر دوست[۱]

خاقانی شعر پارسی را اُستُنی است بی‌بدیل. خاصه اینکه از بنیادگذاران شعر و ادب فارسی در آذربایجان است. این شاعر افسونگر در قطعه‌ای می‌گوید:

آسمان داند که گاه نظم و نثر — *بر زمین چون مبرز کس ندید*

در بیانم آب و در فکر آتش است — *آبی از آتش مطرّز کس ندید*

ز آتش موسی بر آرم آب خضر — *ز آدمی این سحر و معجز کس ندید*

در دو دیوانم به تازی و دری — *یک هجای فحش هرگز کس ندید*[※]

بنا به نوشته تذکره‌نویسان، بعضی از شاعران آذربایجان تحصیلات ادبی خود را نزد خاقانی گذرانده‌اند. مجیرالدین بیلقانی از آن دسته است. وی اکثر قصائدش را به اقتضای خاقانی سروده است و تأثیر خاقانی در سروده‌های وی نمودی انکارناپذیر دارد. اما مجیر هرگز نمی‌تواند در خلق معانی دقیق و بدیع ـحتی در تقلید ـ به پای استادش برسد، او به مفردات و ترکیبات پارسی چیرگی چندانی ندارد و اشعارش نسبت به خاقانی زبانی ساده‌تر دارد. سادگی زبان شعرهای مجیر را نمی‌توان با سادگی و روانی زبان فلکی شروانی همسان شمرد. چه اینکه فلکی از طبعی نکته‌سنج و خیالی لطیف و ظریف مایه‌ور بود و گرایش وی به شعری شیوا و روان نه از روی ضعف و ناتوانی، بلکه نتیجهٔ انس و الفت خاص او با شعر غنایی و تغزلی بود. دیگر شاعر بزرگ این دوره حکیم

---

۱. *گزیده اشعار خاقانی شروانی* (به کوشش دکتر سجادی). تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۷۰، ص ۳۸۰.

※. *گزیدهٔ اشعار خاقانی شروانی* (مذکور)، ص ۳۸۴.

نظامی گنجه‌ای است، که منتقدان وی را از ارکان شعر فارسی دانسته‌اند. وی علاوه بر دیوان اشعار، «خمسه» که از گرانبهاترین آثار ادبی جهان است را، آفریده، خمسه نظامی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ داستانسرایی فارسی شمرد.

محمد عوفی درباره خمسه نظامی چنین می‌نگارد: «نظامی گنجه‌ای که گنج فضایل را به دست بیان بر پاشید و خزانه لطایف را بر فرق جهانیان نثار کرد. ابکار لطایفی که وراء استار مخزن‌اسرار و متواری‌اند اگر رخ بنمایند دلهای عشاق بربایند و تنگ چشمان معانی که در ترکستان نظم مجنون و لیلی‌اند اگر پرده از رخ براندازند عقول عقلاء روزگار را شکار کنند. چون در شیرین سخنی بر سریر فضل خسرو بود قصهٔ خسرو و شیرین چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد و چون مالک ممالک بلاغت بود قصهٔ سکندر چون آینه در چشم سامعان نمود. خطبه و سکه فضایلش به نام او ختم شده»[1]

حکیم نظامی گنجه‌ای گوهرهایی بی‌تا برگنجینه زبان و ادب پارسی افزود. وی از شاعرانی است که در تحول و تطور شعر فارسی نقشی عظیم داشت. اگرچه منظومه‌سرایی پیش از نظامی نیز مسبوق به سابقه است. لیکن این نوع ادبی با آثار نظامی تشخص می‌یابد و مطمح نظر شاعران بزرگ آن روزگار و ادوار پسین قرار می‌گیرد.

«مهارتی که نظامی در تنظیم و ترتیب منظومه‌های خود به کار برده است، باعث شد که به زودی آثار او مورد تقلید شاعران قرار گیرد و این تقلید از قرن هفتم به بعد آغاز شد و در تمام دوره‌های ادبی زبان فارسی ادامه یافت. شمارهٔ کسانی که آثار او را تقلید کرده‌اند، بسیاراند. نخستین و

---

۱. عوفی، م. ***لباب‌الالباب*** (مذکور)، صص ۳۹۷ ـ ۳۹۶.

بزرگترین شاعری که به تقلید از نظامی در نظم پنج گنج همت گماشت امیرخسرو دهلوی است. و بعد از او از میان مقلدان بزرگ وی می‌توان خواجو، جامی، هاتفی، قاسمی، وحشی، عرفی، مکتبی، فیضی فیاضی، اشرف مراغی و آذربیگدلی را نام برد که هر یک همه یا بعضی از مثنویهای او را تقلید کرده‌اند.»[۱]

همانطوری که خاقانی بزرگترین شاعر قصیده‌سرای ایران است، نظامی را هم می‌توان در کنار حکیم توس مثنوی‌سرای توانایی به حساب آورد. در سدهٔ ششم همچنین شاعران دیگری در آذربایجان به سخن‌سرایی می‌پرداختند. از جمله فخرالدین قوامی گنجوی، از شاعران دربار اتابک قزل ارسلان، امیرالدین مسعود مهندس نخجوانی از شاعران دربار محمدبن ایلدگز، مغیثی گنجوی، محمد خلیل، کمال‌الدین مراغی، عزالدین شروانی، خطیب گنجوی، اقطع‌الدین بیلقانی و...

همچنین در میان شاعرانی که تحت حمایت سلاجقه بوده‌اند، به نام مهستی گنجه‌ای نیز برمی‌خوریم. وی بعد از رابعه بلخی (شاعرهٔ نامی عهد سامانی) تا عصر خود مشهورترین شاعرهٔ پارسی‌گوی است. مهستی نیز از شاعران سدهٔ ششم گنجه بود. از وی رباعیات و قطعاتی چند در دست است. در قرن ششم شاعران دیگری هم که آذری‌تبار نبودند در آذربایجان می‌زیستند. نام ظهیرالدین فاریابی، اثیرالدین اخسیکتی در این میان درخشش بیشتری دارد.

در قرن هفتم به دلیل توجه مغولان به تاریخ نویسی - به منظور ثبت وقایع مربوط به فتوحات آنها - آثار منثور بسیاری بوجود آمد؛ البته همهٔ این آثار کتب تاریخی نیستند. اما آنچه قابل ذکر است جریان نیرومند

---

۱. صفا، ذ. ***تاریخ ادبیات ایران*** (مذکور)، ج ۱، ص ۳۱۹.

نثرنویسی در این دوره، بیشتر معطوف به تشویق تاریخ‌نویسی توسط مغولان است.

از آذربایجان نویسندگانی چون سعدالدین وراوینی (برگرداننده «مرزبان‌نامه» از لهجهٔ طبری)، صفی‌الدین عبدالمؤمن ارموی (مؤلف رسالهٔ «شرفیه» در موسیقی)، اسماعیل‌بن محمد تبریزی (نویسندهٔ کتابهای «حیوةالنفس» و رساله «نصیریه») و ... ظهور کردند.

وراوینی مرزبان‌نامه را به نثر مصنوع مزین برگردانده است. صاحب ـ نظران، این برگردان زیبا را سرآمد همهٔ شاهکارهای ادب فارسی تا اوایل قرن هفتم دانسته‌اند. البته وراوینی ضمن ترجمه، اشعار و امثال و ... بسیاری بر مرزبان‌نامه افزوده است. همام تبریزی از برجسته‌ترین شاعران آذربایجان در قرن هفتم است. همچنین شاعرانی که میراث‌داران شعرای قرن ششم آذربایجان بودند، در نواحی شمالی آن دیار به سخن‌سرایی مشغول بودند. سید قوام‌الدین حسین‌بن صدرالدین علی ذوالفقار شروانی از آنان است که دیوان اشعار وی در دست می‌باشد. ذوالفقار شروانی قصایدی به سبک خاقانی سروده است. جمال‌الدین خلیل شروانی، از شاعران توانای شروان، نیز در این سده می‌زیسته است. وی جُنگ نزهةالمجالس را به نام شروانشاه علاءالدین فریبرز تمام کرده است.

در این کتاب آثاری از حدود ۲۷۰ شاعر آذربایجانی گرد آمده، که اکثر آنان از شمال آذربایجان (به ویژه گنجه) می‌باشند. گرچه دربارهٔ این شاعران اطلاعات زیادی در دست نیست و آثار چندانی از آنها تا امروز نرسیده است و گرچه در میان این حدود ۲۷۰ شاعر هیچ چهرهٔ برجسته‌ای به چشم نمی‌آید، اما کثرت تعداد آنها نشان می‌دهد که بعد از قرن ششم (دورهٔ ظهور شاعران بزرگ آذربایجان) زبان و ادب پارسی در آذربایجان بطور چشمگیری گسترش یافته است. اغلب این شاعران از

اهالی گنجه، شروان و تفلیس بوده‌اند. با توجه به اینکه خاستگاه شاعران سرآمد آذربایجان، نواحی شمالی این سرزمین بوده، در ادوار بعد نیز شعر و ادب فارسی در مناطقی چون شروان و گنجه نسبت به نقاط دیگر آذربایجان از توسعه بیشتری برخوردار گردید.

برجسته‌ترین شاعر نواحی شمالی آذربایجان در قرن هشتم و اوایل قرن نهم سیدعمادالدین نسیمی است. نسیمی، در شماخی به دنیا آمده و به سه زبان پارسی، ترکی آذری و عربی دواوینی دارد. وی از مبلغان نهضت حروفیه بود و سرانجام جان خویش را در این راه باخت.

شیخ ابراهیم گلشنی بردعی (= بردعه) (۱۵۳۳ - ۱۴۲۷ م.) از شاعران هم دوره نسیمی است. گلشنی در بردع (= بردعه) قره‌باغ می‌زیسته است و اشعار بسیاری به فارسی و ترکی دارد. نویسندگان آذربایجان در سدهٔ هشتم آثار گرانبهائی به خزانهٔ بی خزان زبان پارسی افزودند. هندوشاه‌بن سنجربن عبدالله صاحبی نخجوانی از نویسندگان برجسته این دوره است. او کتاب تجارب‌السلف را در تاریخ خلفا و وزرای اسلام تألیف کرده است. محمدبن هندوشاه معروف به شمس منشی نیز از نویسندگان توانای قرن هشتم می‌باشد. کتاب صحاح‌الفرس وی در لغت مشهور است. این کتاب یک فرهنگ فارسی - ترکی است و در آشنایی بیشتر مردم آذربایجان - به ویژه اهل شعر و ادب - با زبان پارسی نقش فراموش ناشدنی داشته است. کتاب صفوة‌الصفا در شرح مقامهای شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اثر ابن‌بزاز اردبیلی نیز از آثار ارزشمند سدهٔ هشتم هجری است، که در حوزهٔ ادبی آذربایجان نوشته شده است. در قرن نهم شعر و ادب پارسی در شمال آذربایجان از رونق بایسته برخوردار نبوده است. شاعرانی چون کمال‌الدین مسعود شروانی، محمودبن پیرکردبن امیر شروانی و مولانا

شمس‌الدین بردعی متخلص به حمدی* (از بردعه قره‌باغ آذربایجان) ناگزیر ترک یار و دیار گفته‌اند و به کشورهای همسایه پناه برده‌اند.

کمال‌الدین مسعود، در هرات زیسته و به سال ۹۰۵ هجری وفات یافته است. او علاوه بر اشعار شیوای فارسی‌اش، در تحشیه بعضی شروح مشهور نیز کوشیده است. حاشیه بر شرح مواقف، حاشیه بر شرح طوابع و حاشیه بر شرح حکمة‌العین از رشحات خامهٔ اوست.

محمودبن پیرکردبن امیر شروانی سرایندهٔ منظومهٔ کیمیاءالقلوب و مولانا شمس‌الدین بردعی هر دو از شاعران دربار عثمانی بوده‌اند.

در قرن دهم با تشکیل حکومت سلسلهٔ صفوی، ادب ترکی بیش از ادب پارسی مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجایی که پادشاهان صفوی از مردم آذربایجان بودند، اغلب شاعران این دیار در دربار صفوی گرد آمدند. از حبیبی شاعر معروف آذربایجان، متولد برگشاد (اکنون جزو جمهوری آذربایجان می‌باشد)، که ملک‌الشعرای دربار صفوی بوده است، شعری به فارسی در دست نیست. در میان شاعران قرن دهم از نطقی شروانی اشعاری به پارسی به یادگار مانده است.

مولانا محمدبن سلیمان فضولی بزرگترین شاعر قرن دهم، اگرچه آذری‌تبار بود، اما در عراق عرب می‌زیسته است. وی به سه زبان فارسی، ترکی و عربی آثاری بی‌بدیل آفریده است. با مطالعه در تذکره‌هایی که به شاعران عصر صفوی پرداخته‌اند درمی‌یابیم که در این دوره دربارهای عثمانی و هند محل تجمع شاعران پارسی‌گوی بوده و به ویژه در نواحی شمال آذربایجان از رونق گذشته شعر و ادب پارسی کاسته شده است.

«معروفترین شاعر سدهٔ یازدهم نواحی شمال آذربایجان شاکر

---

*. نفیسی، س. ***تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی***. صص ۳۳۲، ۳۳۷ و ۳۴۰.

شروانی است. وی در شروان به دنیا آمده و در همانجا تحصیل علوم و معارف کرده است. شاکر از شاعران مکتب فضولی به شمار می‌رود.»[۱] وی به فارسی و ترکی غزلیات شیوایی دارد.

در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری شعر و ادب پارسی در شمال آذربایجان دیگرباره رواج می‌یابد. اغلب شاعران این دوره به دو زبان فارسی و ترکی سخن‌سرایی کرده‌اند. اما به دلیل آنکه در پی معاهده‌های ننگین ترکمانچای و گلستان که در زمان سلطنت محمدشاه انجام گرفتند نواحی شمال ارس، از ایران جدا می‌شود و زیر سلطه روسیه تزاری قرار می‌گیرد؛ آثار فارسی بسیاری از شاعران و نویسندگان قرن دوازدهم از بین می‌رود و نسخ خطی بعضی از دواوین و کتب نیز در انستیتوی کتب خطی و یا آرشیوهای خانوادگی، گرد و خاک می‌خورد. چهره اکثر شاعران و نویسندگان آذری سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، در کشور ما تاکنون ناشناخته مانده است و در کتابهای تاریخ ادبیات نیز هیچ نام و نشانی از آنها دیده نمی‌شود. در شرایط کنونی که امکان مطالعه و تحقیق درباره آثار ادبی دورهٔ مذکور فراهم است، باید محققان برای شناساندن این چهره‌های غبارگرفتهٔ تاریخ ادبیات فارسی و نشر آثار آنها درکشورمان کمر همت بربندند. در اینجا اطلاعاتی بسیار فشرده دربارهٔ بعضی از شاعران این دوره می‌آید.

مهوشی شروانی ـ مهوشی از شاعران اواخر قرن هجدهم میلادی است. از وی اشعار عرفانی فارسی به یادگار مانده است.

---

1. АЗәрбајчаН Гәзәлләри.Бак ı: АЗәрНәшр, 1991, Сәh. 117.

نشاط شروانی ـ اوایل قرن هجدهم در شماخی متولد شده، عمر خویش را در شروان سپری کرده است. نشاط اشعار بسیاری به ترکی و فارسی دارد. او مؤلف کتاب «خیریه» می‌باشد. نشاط شروانی به سال ۱۷۱۲ م. از دنیا رفت.

آقا مسیح شروانی آقا مسیح اوایل سدهٔ هجدهم در روستای دده‌گونش شماخی متولد شد. وی از معاصران نشاط و واقف می‌باشد. در قالبهای مختلف سنتی از جمله غزل، اشعاری به فارسی و ترکی دارد.

صالح شروانی دربارهٔ حیات وی اطلاعات چندانی در دست نیست. از شاعران برجسته قرن هجدهم بوده است. در بعضی مجموعه‌های انستیتوی کتب خطی آذربایجان، اشعاری از وی آمده است.

ملاپناه واقف (۹۷ ـ ۱۷۱۷) در روستای صلاحلی قازاخ متولد شد. نزد شفیع افندی از علمای بنام عصر خود تحصیل دانش و ادب کرد. واقف مدتی وزارت حاکم قره‌باغ را بر عهده داشت. بیت مشهور زیر از اوست:

گر نگهدار من آن است که من می‌دانم

شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد[1]

شمس قره‌باغی (۱۹۰۲ ـ ؟) در شوشا متولد شد. تحصیلاتش را در شهرهای تبریز و نجف اشرف به پایان رساند. اشعاری شیوا به فارسی و ترکی دارد.

مهجور شروانی مهجور نیز از شاعران قرن هجدهم می‌باشد و اطلاعات

---

۱. هیأت، ج. ***سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی***. تهران: نشر نو، ۱۳۶۶، ص ۲۳۱.

چندانی از زندگیش در دست نداریم. وی منظومه‌ای عاشقانه با عنوان «قصه شیرزاد» دارد.[1]

زین‌العابدین ساغری (۱۸۲۶ ـ ؟) وی از شاعران شوشاست. از طریق معلمی امرار معاش می‌کرد. دواوین فارسی و ترکی دارد.

صفی قلی قره‌باغی (۱۸۳۵ ـ ۱۷۷۶) در روستای گُلابلی قره‌باغ به دنیا آمد. صاحب اشعار غنایی و طنز، همچنین مکاتیب منظوم می‌باشد.

کاظم سالک (۱۸۴۲ ـ ۱۷۸۱) سالک متولد روستای شیخلی قازاخ است. بیشتر اشعار او به فارسی است.

کریم فاتح (۱۸۵۷ـ ۱۷۸۲) کریم‌آقا فاتح از شاعران شکی است و همچون شاعر همعصر خویش سالک، بیشتر سرودهایش به پارسی می‌باشد.

قاسم بیگ ذاکر (۱۸۵۷ ـ ۱۷۸۴) ذاکر به یکی از خانواده‌های بیگی شوشا منسوب است. وی در دانش و ادب از سرآمدان عصر بود.

میرزانصرا... دیده (؟ ـ ۱۷۹۲) وی در شروان متولد شده، به زبان و ادبیات فارسی و عربی احاطه داشته و خود نیز به فارسی و عربی اشعاری سروده است. کتاب اخلاقی ـ حکمی نصیحة‌الاطفال از آثار اوست.

---

1. Азәрбајҹан Гәзәлләри.Сәh. 124.

عباسقلی آقا قدسی (۱۸۴۷ ـ ۱۷۹۴) عباسقلی آقا باکیخانوف قدسی، از خاندان خوانین باکوست. وی به زبانهای فارسی و عربی تسلط داشت. قدسی علاوه بر دیوان، دو کتاب فارسی دیگر به نامهای «قانون قدسی» در (دستور زبان فارسی) و گلستان ارم (در تاریخ قفقاز) دارد.

میرزا شفیع واضح (۱۸۵۲ ـ ۱۷۹۴) در شهر گنجه متولد شده، تحصیلاتش را در همانجا به پایان رسانده است. مدتی معلم مکتبخانه‌های گنجه بود. از سال ۱۸۴۰ میلادی به تفلیس مهاجرت کرد. وی اشعار بسیاری به فارسی و ترکی آذری دارد، «هزار و یک روز در شرق» از آثار اوست.

میرحمزه‌نگاری (۷۵ ـ ۱۸۱۵) در روستای جیجیملی از توابع زنگه‌زور (این ناحیه به خاک ارمنستان الحاق شده است) به دنیا آمد. بیشتر سروده‌هایش به زبان فارسی است. آثار نگاری به سال ۱۹۰۸ در تفلیس انتشار یافته است.

محمدتقی قمری (۹۱ ـ ۱۸۱۹) از شاعران دربند و پیروان مکتب ادبی فضولی است. دیوان ترکی او در کشورمان نیز منتشر شده است. قمری مرثیه‌سرایی تواناست.

محمدعلی مخفی (۹۱ ـ ۱۸۲۱) مخفی از شاعران قره‌باغ است. تحصیلاتش را در شوشا به پایان برده است. وی به فارسی، عربی و روسی مسلط بود. مخفی از اعضای محفل ادبی بیت خاموشان بود.

میرزا ابوالحسن شهید (۸۴ ـ ۱۸۱۹) از شاعران قره‌باغ است. در قوالب

مختلف شعر فارسی و ترکی سروده‌هایی دارد.

میرزا محمدعلی بینوا (۹۲ ـ ۱۸۲۲) بینوا در باکو چشم به جهان گشود. علاوه بر شعر ترکی آذری، در شعر فارسی نیز متبحّر بوده است.

میرزا محسن خیالی (۱۹۰۴ ـ ۱۸۲۴)در قوبا (قوبه) متولد شد. به معلمی اشتغال داشت. بعدها به باکو مهاجرت کرد. عضو مجلس ادبی گلستان بود. دیوانش در انستیتوی کتب خطی جمهوری آذربایجان نگهداری می‌شود.

مصطفی‌آقا ناصر (۷۳ ـ ۱۸۲۴) در روستای داغ‌کسمن قازاخ به دنیا آمد. به السنهٔ مختلف شرقی و غربی آشنایی داشت. وی به فارسی و ترکی آذری اشعاری شیوا سروده است.

حسین قلی شوری (۱۸۹۴ ـ ۱۸۲۶) شوری در لنکران به دنیا آمد. به کفشدوزی اشتغال داشت. مجلس فوج‌الفصحا معمولاً در خانه او تشکیل می‌شد.

حسن قره‌هادی (۱۹۰۰ ـ ۱۸۲۶) قره‌هادی از شاعران شوشا بود. اشعار بسیاری به زبان فارسی دارد.

ملاعباس شعله (۹۹ ـ ۱۸۲۹) شعله در اصفهان به دنیا آمد. در جوانی به گنجه مهاجرت کرد و در آنجا متوطّن شد. صاحب اشعار بسیاری به

فارسی و ترکی است.

میرمحسن نواب (۱۹۱۹ ـ ۱۸۳۳) وی در خانواده‌ای هنرمند در شوشا چشم به جهان گشود. به زبانهای فارسی، عربی و روسی تسلط داشت. علاوه بر دیوان، آثاری با عناوین «مجلس نواب»، «شاعران قره‌باغ»، «نصیحت‌نامه» و «نظیره‌ای بر فردوسی» دارد.

هدایت خاکی (۱۹۰۳ ـ ۱۸۳۳) از شاعران گنجه است. به فارسی، روسی و ترکی استانبولی نیک آشنا بود و به مترجمی اشتغال داشت. با دو تخلص هدایت و خاکی شعر می‌سرود.

میرزانصرا... بهار شروانی (۸۳ ـ ۱۸۳۴) بهار در شماخی متولد شد. تحصیلات حوزوی و مدرسه‌ای را همانجا گذراند. بعدها به ایران و هندوستان مهاجرت کرد. به زبانهای فارسی، عربی و اردو آشنایی داشت. وی مدتی در ایران اقامت گزید. بهار شروانی در تبریز وفات یافت.

میرزا حسین سالار (۱۸۷۹ ـ ؟) وی در گنجه و شوشا می‌زیسته است. بیشتر اشعارش به فارسی است.

سیدعظیم شروانی (۸۸ ـ ۱۸۳۵) او در خانواده‌ای روحانی در شماخی چشم به جهان گشود. تحصیلات حوزوی‌اش در سطح عالی بود. از بنیادگذاران انجمن بیت‌الصفای شماخی و سرپرست آن بود. علاوه بر آثار ترکی، صاحب دیوانی کامل به فارسی است. سیدعظیم شروانی مراثی سوزناکی در رثای اهل‌بیت(ع) دارد.

میرزاعلی‌اصغر نورس (۱۹۱۱ ـ ۱۸۳۶) در شوشا به دنیا آمد. کتاب «پند اطفال» وی در تفلیس منتشر شده است. در قالبهای سنتی اشعاری دارد. عضو فعال انجمنهای ادبی مختلف روزگار خود بود.

فقیر اردوبادی (۱۸۸۶ ـ ۱۸۳۶) در خانوادهٔ یکی از تجار اردوباد متولد شد. تحصیلاتش را در شیراز به پایان رساند. زبانهای فارسی و عربی را بطور کامل آموخت. از اعضای فعال انجمن شعرای اردوباد نخجوان بود. وی در قالبهای مختلف شعر ترکی و فارسی، اشعاری دارد.

خورشید بانو ناتوان (۹۷ ـ ۱۸۳۷) خورشیدبانو ناتوان در یکی از خانواده‌های خانی شوشا به دنیا آمد. او اشعاری به فارسی و ترکی دارد. پسرانش مهدی قلی‌خان و میرحسن (متخلص به میر) هر دو صاحب دواوین فارسی‌اند.

میرزااسماعیل ناکام (۱۹۰۶ ـ ۱۸۳۹) ناکام در شکی چشم به جهان گشود. به زبانهای فارسی و عربی تسلط داشته است. علاوه بر دواوین فارسی و ترکی، صاحب چند منظومه در قالب مثنوی و کتاب گنجینهٔ ادب می‌باشد.

فاطمه‌خانم کمینه (۹۸ ـ ۱۸۴۱) او از شاعرگان شوشا می‌باشد. به فارسی و ترکی اشعار بسیاری دارد. عضو انجمن ادبی فراموشان بود.
ابوالحسن واقف (۱۹۱۴ ـ ۱۸۴۵) در سالیان متولد شده و بیشتر عمرش را در باکو گذرانده است. با شاعرانی چون جنتی و واحد مراوده داشت.

اسکندر رستم‌بیگ اف (۱۹۱۸ ـ ۱۸۴۵) در شوشا متولد شد. به فارسی و

روسی تسلط کافی داشت. رستم‌بیگ‌اف از اعضای مجلس انس بود.

آقابابا ظهوری (۹۵ ـ ۱۸۴۸) در شماخی می‌زیسته است. به فارسی اشعار بسیاری دارد. عضو مجلس «بیت‌الصفا» بوده است. ظهوری اواخر عمرش را در باکو سپری کرد. وی به آموزگاری اشتغال داشت.

عبدل شاهین (۱۹۰۰ ـ ۱۸۴۹) شاهین نیز از شاعران شوشاست. وی در شعرهای نخست خود «رهزن» تخلص می‌کرد. بیشتر اشعارش به فارسی است. شاهین مدتی در قفقاز شمالی به معلمی پرداخته است.

میرزا عیسی خیالی (۱۹۱۷ ـ ۱۸۵۰) خیالی متولد اردبیل است. در جوانی به لنکران رفته و در آنجا سکونت گزیده است. بیشتر اشعارش به پارسی است. آثار وی تاکنون منتشر نشده است.

محمد صفا (۷۶ ـ ۱۸۱۵) در شماخی به دنیا آمد. تحصیلات حوزوی و مدرسه‌ای داشت و از دوستان سیدعظیم شروانی بود. او و سیدعظیم انجمن ادبی بیت‌الصفا را با هم بنیان نهادند.

میرزا عبدالخالق یوسف (۱۹۲۴ ـ ۱۸۵۳) متولد باکوست. میرزا عبدالخالق از دوستان سیدعظیم شروانی بود. او رهبری مجالس ادبی باکو را بر عهده داشت و اکثر شاعران غزل پرداز آذربایجان در این دوره از جمله علی‌آقا واحد (غزلسرای مشهور) از شاگردان اوست.

عبدالحمید مینا (۱۹۲۶ ـ ۱۸۵۵) در باکو به دنیا آمد، از تحصیلات حوزوی

برخوردار بوده است. بیشتر اشعار مینا به فارسی است.

ابراهیم خلیل دودون (۱۹۰۰ ـ ۱۸۶۰) متولد محله دودون شکی می‌باشد. در بعضی اشعارش «ابراهیم» نیز تخلص کرده است.

محمدآقا جرمی از شاعران قرن نوزده باکو مـی‌باشد. وی بـا سـیدعظیم شروانی مراوده و مکاتبات منظوم دارد. جرمی از اعضای مجمع‌الشعرای باکو بود.

آقابابا هجری (۱۹۲۲ ـ ۱۸۶۳) هجری در روستای ماشتاغای باکو چشم به جهان گشود. با شعر کلاسیک فارسی آشنا بود. (اهالی روستای ماشتاغای باکو تا سدهٔ اخیر به فارسی تکلم می‌کرده‌اند) «گویند بالبداهه اشعار طنز فارسی، روسـی و آذری مـی‌گفته است، غـزلیات و سـاقی‌نامه‌هایی نـیز دارد.»

ایوب باکی (۱۹۰۹ ـ ۱۸۶۶) باکی از شاعران شوشاست. تحصیلاتش را در مدرسهٔ علوم دینی به پایان رساند. عضو مجلس شعرای شوشا بود. وی اشعاری در رثای حضرت فاطمه(س) و حـضرت امـام حسـین(ع) دارد. دیوان باکی «ریاض‌المحبت» نام دارد، که تاکنون چاپ نشده است.

آذر امامعلی‌زاده (۱۹۵۱ ـ ۱۸۷۰) در قصبهٔ بیزونای بـاکـو مـتولد شـد. بـه فارسی و عربی و ادبیات این دو زبان نیک آشنا بـود. وی نـمونه‌هایی از شعر فارسی را به ترکی آذری ترجمه کرده است. امامعلی‌زاده سـرایـندهٔ مثنویهای تاریخی چنگیزنامه، آی‌دمیر، و اوغوزنامه می‌باشد. او همچنین

صاحب مراثی مذهبی متعددی است.

محمدعلی شفایی (۱۹۶۷ ـ ۱۸۹۰) در یکی از خانواده‌های روحانی روستای ماشتاغا از توابع باکو به دنیا آمد. تحصیلات حوزوی و مدرسه‌ای داشت. اکثر اشعار حافظ و نظامی را از بر بوده. رباعیات خیام را به آذری ترجمه کرده است. شفایی به زبانهای فارسی و ترکی شعر می‌سرود.

دورهٔ تشکیل انجمنها و مجالس ادبی

در سده‌های دوازدهم، سیزدهم و نیز اوایل سده چهاردهم هجری، قره‌باغ به کانون شعر و ادب تبدیل شده بود. به طوری که از حدود ده انجمن ادبی، سه انجمن در شهر شوشای قره‌باغ تشکیل می‌شد.

در شروان، شماخی و گنجه نیز زبان و ادب پارسی همچنان مورد توجه بود. افزون بر اینها از آنجایی که شهر باکو روی به ترقی و آبادانی داشت، بتدریج به مرکزیت ادبی ـ فرهنگی آذربایجان تبدیل شد. و به گونه‌ای که حتی شاعران نواحی دیگر نیز در محافل ادبی باکو، شرکت می‌کردند. «مجمع‌الشعراء» مهمترین و فعالترین انجمن ادبی باکو به شمار می‌رفت. نکته‌ای دیگر اینکه در دورهٔ مذکور شاعران آذربایجان اغلب به غزلسرایی اهمیت خاصی می‌دادند و غزل قالب، غالب در شعر فارسی و ترکی آذری بود.

غزلسرایان آذربایجان در سده‌های دوازدهم، سیزدهم و اوایل سدهٔ چهاردهم هجری بیشتر به عشق و عرفان می‌پرداختند و تأثیر شاعران سبک عراقی در آثار آنها کاملاً محسوس است. بعدها شاعرانی کوشیدند غزل را به موضوعات اجتماعی روز نزدیکتر کنند، اما این تلاش با موفقیت چندانی همراه نبود. «وطن» تنها موضوعی بود که شاعران

آذربایجان می‌توانستند درباره آن، غزلهای به نسبت مقبولی بسرایند. البته غزلهای «میهنی» نیز گاه به دلیل افزودن شعارهای حزب پسند، در ورطهٔ ابتذال فرو می‌غلتیدند.

اوایل سدهٔ هجدهم تا اوایل سدهٔ بیستم، دورهٔ فعالیت انجمنهای ادبی در شمال آذربایجان است.

بیت‌الصفا (شماخی): این انجمن به سعی سید عظیم شروانی و دوستش محمد صفا تشکیل شد. سرپرستی این انجمن را سیدعظیم عهده‌دار بود. امااز آنجایی که جلسات انجمن نخست در منزل محمد صفا تشکیل می‌شد، «بیت‌الصفا» نام گرفت. آقا بابا ظهوری، غفار راغب و علی‌اکبر غافل... از اعضای فعال بیت‌الصفا بودند.

مجمع‌الشعرا (باکو): مجمع‌الشعرا با سرپرستی محمد آقا جرمی تأسیس شد. شاعرانی چون: میرزا عبدالخالق یوسف، میرزا هادی ثابت، ابوالحسن واقف، عبدالخالق جنتی، کریم سالک، محمدعلی شفایی، آقا داداش ثریا، واحد و... از اعضای فعال انجمن بودند. پس از استقلال جمهوری آذربایجان به اهتمام شاعران غزلسرای باکو و نواحی اطراف مجمع‌الشعرا حیاتی دوباره یافت و در حال حاضر به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

مجلس فراموشان (شوشا): در این محفل میرزا علی‌اصغر نورس، میرمحسن نواب، عبدالله بیگ‌عاصی، فاطمه خانم کمینه، حسنعلی خان قره‌داغی، محمد بلبل و... شرکت می‌کردند.

بیت خاموشان (شوشا): در همین دوره دسته‌ای دیگر از شاعران قره‌باغ در انجمنی با نام «بیت خاموشان» گرد آمده بودند. محمدعلی مخفی از فعالترین اعضای این انجمن بود.

مجلس انس (شوشا): سومین انجمن ادبی قره‌باغ «مجلس انس» نام داشته است. میرزا رحیم فنا، میرزا علی‌اصغر نورس، اسکندر رستم بیگ‌اف و... در مجلس انس عضویت داشتند.

انجمن گلستان (قوبا): میرزا محسن خیالی (۱۹۰۴ - ۱۸۲۴) یکی از اعضای این محفل ادبی بود.

انجمن‌الشعرا (اردوباد): میرزا آقا رحیم قدسی (شاعر اوایل قرن نوزده) عضو فعال انجمن‌الشعرا بوده است.

فوج‌الفصحا (لنکران): میرزا اسماعیل قاصر (از شاعران شماخی) پس از مهاجرت به لنکران. برای سامان بخشیدن به فعالیتهای ادبی، انجمنی به عنوان «فوج‌الفصحا» تشکیل می‌دهد. جلسات فوج‌الفصحا اغلب در خانهٔ حسینقلی شوری (از شاعران لنکران) تشکیل می‌شد. ملافتاح نیز عضو فوج‌الفصحا بود.

در این دوره، فعالیتهای ادبی ـ که قبلاً بیشتر در نواحی شروان متمرکز بود ـ به مناطق دیگر نیز کشیده شد. البته نقش شاعران شروان را در رواج و گسترش شعر و ادب در نواحی دیگر نباید از نظر دور داشت.

از شاعران دیگر قرن هجدهم تا اوایل قرن بیستم، که بر سرودن اشعاری به زبان ترکی آذری به پارسی نیز سروده‌هایی دارند، می‌توان به اینان اشاره کرد: قاسم بیگ‌ثانی، اسماعیل محزون، میرزا سمندر، میرزاعبدالحسیب قدسی، ملاعباس جوانشیر، عبدالخالق جنتی، محمدتقی صدقی، محمدبی قلم، ابراهیم طاهر موسی‌اف، میکائیل صیدی، آقا داداش منیری. هاشم بیگ‌ثاقب، نوروز نیر، علی حیدر آصف، میرمحمود نوری، زرنشان جهانسوز، صادق صدقی، حسن‌زاده، محمد

رسوا، ملاحسین ثابت، عبدالرحمن آقا شاعر، مصطفی شوخی، ابوالاحد ذلیل، شاه‌نگار رنجور، میرزامحمدحسن ناله، ابراهیم قدسی گنجه‌ای، اسکندرآقا شاعر، میرزاحسن قره‌باغی، حاج‌رحیم وحیدی، ملا آقا بیخود، ابراهیم بیگ آذر و...

فصل دوم

تأثیر ادبیات ایران بر ادبیات جمهوری آذربایجان

ادبیات کهن پیشینه ایران بر ادبیات بسیاری از ملل جهان به ویژه ادبیاتهای مشرق زمین تأثیری شگرف نهاده است. این تأثیر در ادبیات آذربایجان از نخستین ادوار شکل‌گیری ادبیات به شکل بارزی نمود یافته است. شایان ذکر است که شاعران و نویسندگان آذری را به لحاظ تأثیر از ادب فارسی به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. گروهی که آثار خود را به فارسی نوشته‌اند.

۲. شاعران و نویسندگانی که به زبان ترکی آذری صاحب آثاری هستند (اگر چه در میان گروه اخیر برخی به زبان فارسی نیز آثاری دارند).

بی‌شک نظامی گنجه‌ای را برجسته‌ترین نمایندهٔ گروه نخست می‌توان شمرد. او همه آثار خود را اعم از غزلیات، قصائد، رباعیات و خمسه به فارسی سروده است. حکیم نظامی گنجوی در سه مثنوی از پنج مثنوی خمسه به شاهنامه فردوسی نظر داشته است. این سه منظومه: خسرو و شیرین، هفت پیکر یا بهرام نامه و اسکندر نامه می‌باشند. می‌دانیم که در

خسرو و شیرین از عشق خسرو پرویز آخرین پادشاه ساسانی به شیرین بحث می‌شود. این داستان پیش از نظامی توسط حکیم ابوالقاسم فردوسی به نظم کشیده شده بود. نظامی خود در آغاز منظومه خسرو و شیرین به اینکه در نظم این داستان از شاهنامه بهره گرفته اشاره می‌کند: داستان زندگی بهرام‌گور پنجمین پادشاه ساسانی نیز نخستین بار در شاهنامه فردوسی به نظم کشیده شده است. پیدایش اسکندرنامه نیز چنین حکایتی دارد. بدین معنا که فردوسی برای اولین بار زندگی اسکندر را به رشته نظم کشیده و نظامی با الهام از فردوسی، منظومه اسکندرنامه را آفریده است. نخستین مثنوی خمسه نظامی یعنی مخزن‌الاسرار از حدیقةالحقیقه سنایی غزنوی متأثر است؛ نظامی در مخزن‌الاسرار به این امر اشاره می‌کند.

البته این را نیز نباید از نظر دور داشت که نظامی در بسیاری از شاعران بعد از خود تأثیر گذاشته و منظومه‌های بسیاری تحت تأثیر خمسهٔ او سروده شده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه ایران و جمهوری آذربایجان گذشته ادبی مشترکی دارند، وقتی شعر نظامی به عنوان یک شاعر ایرانی مطالعه و بررسی شود، تأثیر یا الهام وی از حکیم توس فقط به مثابهٔ یک بده‌بستان درون ادبیاتی به حساب می‌آید.

در آثار فارسی و ترکی سیدعمادالدین نسیمی هم تأثیر، ادبیات فارسی به وضوح دیده می‌شود. نسیمی که در شهر شماخی متولد شده (و بنا به روایتی در تبریز) و در حلب به طرز فجیعی کشته شده است؛ صاحب دواوینی به زبان فارسی و ترکی است. نسیمی در اشعارش از «جاویدان نامه» اثر «فضل‌الله نعیمی» متأثر است؛ این تأثیر نه فقط به اشتراک فکری آن دو مربوط است. بلکه از نظر سبک شناختی نیز نمود بارزی دارد. نسیمی قصیدهٔ «بحرالاسرار» را زیر تأثیر قصیده‌ای از امیر خسرو دهلوی

به نظم کشیده است. البته قصیده امیرخسرو دهلوی نیز خود نظیره‌ای است بر «بحرالابرار» خاقانی. بعد از نسیمی، جامی و فضولی نیز نظیره‌هایی بر «بحرالابرار» سروده‌اند. ملامحمد فضولی که به سه زبان ترکی آذری، فارسی و عربی آثاری دارد، در اکثر آثارش متأثر از ادب فارسی است. در غزلیات فضولی گاه تأثیر حافظ به چشم می‌خورد.[۱]

کتاب حدیقةالسعدای فضولی تحت تأثیر «روضةالشهدا»ی واعظ کاشفی نوشته شده است. این تأثیر از نام کتاب گرفته تا مضمون آن نیک پیداست. بخش مهم «حدیقةالسعدا» نیز مانند «روضةالشهدا» به شرح مصیبت کربلا اختصاص دارد. فضولی در حدیقةالسعدا به حدی از کتاب کاشفی اثر پذیرفته که بسیاری از تذکره‌نویسان و محققان حدیقةالسعدا را ترجمه روضةالشهدا ذکر کرده‌اند.

محمدعلی تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان به تبعیت از منابع متقدم حدیقةالسعداء را ترجمه روضةالشهدا ذکر کرده است.[۲]

فضولی در دیباچه حدیقةالسعدا به اینکه در تألیف کتاب از روضةالشهدای واعظ کاشفی بیشترین بهره را گرفته اشاره می‌کند: «من خاکسار را نیت آن است که در تألیف به روضةالشهدا اقتدا کنم و نکات غریبهٔ دیگر را نیز بر آن بیفزایم.»[۳]

حدیقةالسعدا شامل دیباچه، ده‌باب و یک خاتمه می‌باشد. پنج باب نخست کتاب به شرح عذابها و مصیبتهایی که پیامبران الهی (حضرت

---

۱. پروفسور مازی‌اوغلو، ح: ***فضولی ـ حافظ***. انتشارات ایش بانکاسی، آنکارا: ۱۹۵۹. (به ترکی استانبولی)

۲. تربیت، م.ع. ***دانشمندان آذربایجان***. کتابخانه فردوسی، تبریز: (بی‌تا). ص ۳۰۰.

۳. فضولی، م. ***حدیقةالسعدا***. الهدی، تهران: ۱۳۷۳، ص ۱۳.

آدم(ع)، حضرت نوح(ع)، حضرت ابراهیم(ع)، حضرت یعقوب(ع)، حضرت عیسی(ع)، حضرت موسی(ع)، حضرت ایوب(ع)، کشیده‌اند، اختصاص دارد.

در پنج باب بعدی شرح اذیتها و عذابهایی است که پنج تن آل عبا(ع) متحمل شده‌اند و همچنین ذکر نحوهٔ شهادت و وفات آنهاست. حدیقةالسعدا به نثر مسجع و مصنوع نوشته شده و همچون روضةالشهدا مؤلف گاه قطعات و ابیات منظومی آورده است. البته همانگونه که اشاره شد فضولی در طرح کلی کتاب و ماجراهای آن از اثر واعظ کاشفی استفاده کرده است. توصیفات و تصاویر درخشان حدیقةالسعدا همه از رشادت قلم فضولی است. همینطور اشعار و قطعات منظوم آمده در دو کتاب اغلب متفاوت است.

در اشعار خلیلی شاعر قرن پانزدهم آذربایجان تأثیر حافظ و مولوی به خوبی مشخص است. وی مثنوی «فرقت‌نامه» را زیر تأثیر مثنوی معنوی سروده است. این مثنوی تاکنون چاپ نشده است.

جهانشاه حقیقی از شاعران پارسی‌گوی و ترکی‌گوی قرن پانزدهم است. در دیوان شاعر ۱۱۶ غزل و یک مستزاد فارسی و ۹۱ غزل و ۳۳ رباعی به ترکی آذربایجان آمده است. همانطوریکه در منابع و تذکره‌ها مذکور است، جهانشاه با عبدالرحمن جامی مراوده داشته و جامی را استاد خویش می‌دانست. جهانشاه حقیقی در غزلیات ترکی و فارسی خود بیشتر از حافظ و جامی متأثر می‌باشد.

مثنوی «ازهار گلشن» اثر شیخ ابراهیم گلشنی بردعی تحت‌تأثیر «گلشن‌راز» شبستری به رشته نظم کشیده شده است. گلشنی همچنین نظیره‌ای بر مثنوی مولوی سروده که «المعنویه‌الخفیه» نام دارد. تأثیر حافظ در غزلهای شیخ ابراهیم گلشنی را نیز می‌توان انکار کرد.

نعمت‌الله کشوری از شاعران سدهٔ پانزدهم و شانزدهم میلادی در اشعار ترکی خود از شاعرانی چون فردوسی، سعدی و حافظ تأثیر پذیرفته است. دیوان ترکی وی به سال ۱۹۸۴م. در باکو منتشر شده است. در اشعار محمدامانی (قرن شانزدهم) تأثیر حافظ، سعدی و نظامی گنجه‌ای مشهور است.

نام صادقی افشار به عنوان یکی از تذکره‌نویسان سدهٔ دهم هجری بر اهل ادب آشناست. صادقی علاوه بر تذکرهٔ مجمع‌الخواص و دیوان اشعار، آثاری با عنوان «زبدةالکلام»، «فتحنامه عباس نامدار یا جنگ‌نامه»، «قانون‌الصور»، مثنوی «سعد و سعید» و ... دارد. شاعر «سعد و سعید» را در وزن «خسرو وشیرین» نظامی سروده است. در «سعد و سعید» تأثیر جامی نیز روشن است. صادقی افشار در حکایات منظوم خود از بوستان سعدی بسیار بهره برده است. مثنوی «فتحنامه یا جنگنامه» را به زبان فارسی و با نگرشی به شاهنامه حکیم توس سروده است.

یکی از نمایندگان برجسته شعر ترکی آذربایجانی در قرن دهم، حقیری است. وی چه در اشعار دیوان ترکی خود و چه در مثنوی لیلی و مجنون که آن را به ترکی نوشته، از شاعرانی چون نظامی گنجه‌ای، عبدالرحمن جامی و عبدالله هاتفی بسیار تأثیر پذیرفته است. در لیلی و مجنون حقیری، تأثیر جامی نمود بارزتری دارد. دیوان شاعر و نیز منظومه «لیلی و مجنون» تاکنون به طور کامل چاپ نشده است.

از شاعران این دوره محمودبیگ سالم نیز چند مثنوی به عنوان نظیره بر نظامی، فردوسی و ... دارد. شاعر مثنوی «مهر و وفا» را به عنوان نظیره‌ای بر مخزن‌الاسرار سروده، مثنوی «یوسف و زلیخا» تحت تأثیر «یوسف و زلیخا»ی جامی می‌باشد. «لیلی و مجنون» سالم در وزن «لیلی و

مجنون» نظامی و به تقلید از آن نوشته شده است. محمودبیگ سالم اثر دیگری با عنوان «شاهنامه تهماسب» دارد، که در نظم آن از شاهنامه فردوسی بهره‌ها برده است.

مرتضی قلیخان ظفر شاعر قرن یازدهم در اشعار ترکی آذری خود از حافظ و سعدی متأثر است.

از شاکر شروانی شاعر قرن دوازدهم هجری جز چند مخمس ترکی و منظومه‌ای با عنوان «احوال شروان» اثر دیگری در دست نیست. شاعر در منظومه «احوال شروان» هجوم لشکر نادرشاه به شروان را تصویر می‌کند. شاعر در سرایش «احوال شروان» به شاهنامه فردوسی نظر داشته است. در مخمسات شاکر تأثیر حافظ احساس می‌شود. نشاط شروانی از غزلسرایان برجسته سده دوازدهم هجری است. وی در اشعار ترکی خود از لسان‌الغیب شیرازی بسیار تأثیر پذیرفته است. در قرن دوازدهم هجری دو منظومه دیگر طرز شاهنامه فردوسی توسط آقا مسیح شروانی به نظم کشیده شده است.

شاعر در یکی از این دو اثر از حمله احمدخان شاهسون به شماخی سخن می‌گوید. در منظومه دیگر به فتوحات فتحعلی خان (خان قوبا) می‌پردازد. آقا مسیح در هر دو اثر از شاهنامه فردوسی اثر پذیرفته است.

قاسم‌بیگ ذاکر از شاعران قرن سیزدهم حکایات منظوم خود را از کلیله و دمنه و گلستان اقتباس کرده است. به عنوان مثال حکایات «شیر و روباه»، «گرگ، شغال و روباه»، «لاک‌پشت، کلاغ و آهو» برداشتهای منظومی از کلیله و دمنه می‌باشد. حکایتهای «ملک‌زاده و شاه‌صنم»، «دربارهٔ دراویش بی‌حیا»، و... را از آثار سعدی برگرفته است.

عباسقلی بادکو به‌ای (قدسی) نیز در آثار مختلف خود متأثر از ادبیات ایران است. قدسی (باکی‌خان اف) به سال ۱۷۹۴م. در روستای

امیرحاجیان باکو متولد شد. مدتی به همراه خانواده‌اش در شهر قوبا رحل اقامت افکند و تحصیلات اولیه خود را در همین با گذراند و زبانهای فارسی و عربی را فراگرفت. وی از سال ۱۸۱۹م. به عنوان مترجم‌السنه شرقی مشغول کار شد. قدسی در ضمن کار مترجمی، زبان روسی را نیز آموخت. عباسقلی باکی‌خان اف در اواخر سال ۱۸۴۶م. به قصد زیارت مکه مکرمه عازم سفر شد و سال بعد بین مکه و مدینه در محلی به نام وادی فاطمه در نتیجهٔ بیماری وبا درگذشت و در همانجا مدفون گشت. باکی‌خان‌اف آثارش را به سه زبان عربی، فارسی و ترکی آذربایجانی نوشته است. نخستین اثر مهم او کتاب «ریاض‌القدس» می‌باشد. این اثر منثور به ترکی نوشته شده است. بادکوبه‌ای «ریاض‌القدس» را زیر تأثیر روضة‌الشهدا کاشفی، حدیقة‌السعدای فضولی و جلاءالعیون علامه مجلسی تألیف کرده است. «ریاض‌القدس» نیز همچون کتابهای متقدم به نثر مسجع نگاشته شده و در لابه‌لای آن قطعات منظومی نیز آمده است. تألیف «ریاض‌القدس» به سال ۱۲۳۶ هجری (۱۸۲۰م.) زمانیکه مؤلف ۲۶ سال سن داشت به پایان رسیده است. متأسفانه «ریاض‌القدس» هنوز چاپ نشده است. دومین کتاب او «قانون قدسی» به فارسی نوشته شده است. مؤلف، این کتاب را به منظور تعلیم صرف و نحو فارسی به زبان ساده نوشته است. باکی‌خان‌اف هنگام بحث درباره قواعد دستوری بعضی مثالها را به صورت قطعات منظوم ارائه می‌دهد. قانون قدسی به سال ۱۲۴۴ هجری قمری (۱۸۲۸م.) نوشته شده و سه سال بعد یعنی در سال ۱۸۳۱م. با چاپ سنگی صورت طبع یافته. «قانون قدسی» ده سال بعد (۱۸۴۱م.) در تفلیس به زبان روسی منتشر شده است. سومین اثر باکی‌خان‌اف «گلستان ارم» نام دارد. این کتاب نیز به زبان فارسی نوشته شده است. «گلستان ارم» شامل پنج فصل می‌باشد و دربارهٔ تاریخ قفقاز

(به ویژه آذربایجان و داغستان) می‌باشد. «گلستان ارم» هم به زبان اصلی و به ترکی آذری و روسی چاپ شده است. کتاب «اسرارالملکوت» دیگر اثر مؤلف است. این کتاب به زبان عربی و دربارهٔ علم نجوم تألیف شده است. کتاب عربی دیگر باکی‌خان‌اف «عین‌المیزان» درباره منطق بحث می‌کند.

دیدگاههای اخلاقی ـ فلسفی نویسنده در اثری فارسی به نام «تهذیب اخلاق» انعکاس یافته. «تهذیب اخلاق» مشتمل بر مقدمه، دوازده فصل و خاتمه می‌باشد. در این کتاب تأثیر شاعران و نویسندگان بزرگی چون حکیم سنایی غزنوی، مولوی، شیخ سعدی و حافظ مشهود است. در این کتاب منثور مؤلف به دفعات نمونه‌هایی از اشعار شاعران مذکور می‌آورد. البته در «تهذیب اخلاق» ابیاتی از سروده‌های خود مؤلف نیز ذکر می‌شود.

قدسی اثر دیگری با عنوان «مشکوةالانوار» دارد. «مشکوةالانوار» منظومه‌ای است فارسی که در قالب مثنوی سروده شده است. این مثنوی نیز مضمونی تعلیمی ـ اخلاقی دارد. در لابه‌لای منظومه به حکایات و تمثیلات کوتاهی برمی‌خوریم. شاعر در نظم «مشکوةالانوار» از مخزن‌الاسرار نظامی گنجه‌ای تأثیر گرفته است. علاوه بر آثاری که اشاره شد وی دارای صدها غزل، قصیده، مخمس، قطعه، رباعی و نامه‌های منظوم به فارسی و ترکی می‌باشد. باکی‌خان‌اف در اشعار فارسی و ترکی خود از شاعرانی چون حافظ، سعدی، نظامی و فضولی بسیار تأثیر پذیرفته است.

در اشعار میرزا شفیع واضح نیز تأثیر حافظ و خیام و... به صورت خطوط روشن نمود یافته است.

واضح به سال ۱۷۹۴م. در شهر گنجه متولد شد و تحصیلاتش را در

همانجا به پایان رساند. میرزا شفیع مدتی معلم مکتبخانه‌های گنجه بود. از سال ۱۸۴۰م. به تفلیس مهاجرت کرد و سال ۱۸۵۲م. در همانجا درگذشت. میرزا شفیع واضح اشعار بسیاری به فارسی و ترکی آذربایجانی دارد. عاشقانه‌های او یادآور شعرهای خیام و حافظ می‌باشد. میرزا شفیع زمان اقامتش در تفلیس درکنار آموزگاری یک محفل ادبی نیز با نام «دیوان حکمت» تشکیل داده بود. یک مستشرق آلمانی به نام «فردریک بودنش تدت» اشعار میرزا شفیع را به آلمان برده و در آنجا با عنوان «هزار و یک روز در شرق» چاپ کرد. این کتاب در آلمان مورد توجه منتقدان و محافل ادبی قرار گرفت. از این روی «بودنش تدت» خود را سرایندۀ آن اشعار معرفی کرد!

یکی از آثاری که زیر تأثیر ادبیات فارسی در قرن هجدهم نوشته شده «لسان‌الطیر» می‌باشد. مؤلف این کتاب، محسن نصیری، آن را به نثر مسجع نوشته است. نصیری در تألیف «لسان‌الطیر» به طوطی‌نامه تألیف «ضیاءالدین بخشی» نظر داشته است. «لسان‌الطیر» به درخواست جوادخان قاجار (مشهورترین خان گنجه که به سال ۱۸۰۹م. در نبردی قهرمانانه با قوای روس کشته شد.) به زبان ترکی آذربایجانی نوشته شده است. «لسان‌الطیر» از نظر مضمون با «طوطی‌نامه» بخشی تفاوت چندانی ندارد:

میمون پس از ازدواج با خجسته عازم سفر می‌شود. قبل از حرکت دو طوطی می‌خرد و خجسته آن را به آنها می‌سپارد. خجسته عاشق شاهزاده می‌شود و می‌خواهد به دیدار او برود. طوطی برای آنکه جلوی خیانت خجسته را بگیرد. داستانهای عبرت‌آمیزی برایش تعریف می‌کند...

در «لسان‌الطیر» ۴۹ داستان آمده در حالیکه «طوطی‌نامه» شامل ۵۲ داستان می‌باشد. در هر دو کتاب ابیات و قطعات منظومی آمده است.

اشعار مذکور در «لسان‌الطیر» به دو زبان فارسی و ترکی است. اغلب شعرهای فارسی از فردوسی، نظامی، سعدی و حافظ می‌باشد.

بیشتر شعرهای ترکی از سروده‌های خود مؤلف است. اگرچه درکتاب چند شعر از فضولی و قوسی تبریزی نیز جای دارد. «لسان‌الطیر» تاکنون صورت طبع نیافته است.

کتابهای روضة‌الاطهار و النصایح میرزانصرالله دیده نیز متأثر از آثار نویسندگان ایرانی است. میرزا نصرالله دیده (قربان‌بیگ‌اف) به سال ۱۷۹۷م. در شماخی به دنیا آمد. تحصیلاتش را در تبریز به پایان رسانده و با زبانهای فارسی و ترکی آشنایی کامل داشت. پس از بازگشت از تبریز در شماخی به عنوان معلم و کاتب مشغول کار شد. مدتی در اداره ولایت به عنوان کاتب اشتغال یافت. در سال ۱۸۷۳م. کتابی درسی با عنوان «کتاب‌النصایح» برای شاگردان مکتبخانه‌ها نوشت. میرزانصرالله سال ۱۸۷۲م. در زادگاهش دارفانی را وداع گفت. میرزانصرالله دیده آثارش را به دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی نوشته است. علاوه بر کتاب النصایح و اشعار فارسی و ترکی کتابی نیز با نام «روضة‌الاطهار» به نثر فارسی نوشت. این اثر بزرگ شامل ۱۲ باب است. و تألیف آن به سال ۱۲۶۰ پایان یافته است. بنابه اظهار خود مؤلف وی در تألیف «روضة‌الاطهار» از روضة‌الشهدای واعظ کاشفی و «روضة‌الصفا»ی میرخواند بهره برده است. «روضة‌الاطهار» در واقع کتاب مقتلی است در شرح واقعه کربلا. «کتاب‌النصایح» به ترکی آذربایجانی نوشته شده و شامل مقدمه، دو فصل و خاتمه می‌باشد. هر فصل کتاب به دوازده باب تقسیم شده است. در فصل نخست از عقل، حیاء، سخاوت، شجاعت، صداقت، تواضع، صبر، ادب، رازداری، وفای به عهد، ترحم و... بحث می‌شود و در فصل دوم از صفات ناپسندی چون بخل وخست، طمع،

چاپلوسی، خیانت، سخن‌چینی و... انتقاد می‌شود.

مؤلف علاوه بر استفاده از روایات و احادیث گاه به قطعات منظوم نیز استناد می‌کند. در این کتاب تأثیر کتابهای قابوسنامه و گلستان نیک پیداست. مخاطبان «کتاب‌النصایح» کودکان و نوجوانان هستند. متأسفانه این اثر ارزشمند تا امروز به طور کامل چاپ نشده است.

میرزا اسماعیل قاصر (۱۹۰۰ - ۱۸۰۵م.) از شاعرانی است که در آثارش طرز شاعران و نویسندگان متقدم ایران را به کار برده است. حکایات منظوم قاصر یادآور حکایات کلیله و دمنه، بوستان و گلستان است. میرزا اسماعیل قاصر از شاعران قرن سیزدهم شروان بوده است. وی تحصیلاتش را در تبریز به پایان برده و در همان زمان شیفته شعر حافظ شده است. در مجلس فوج‌الفصحا که به سعی او در لنکران تشکیل شد شاعران ضمن آشنایی با آثار بزرگان شعر پارسی نظیره‌هایی بر اشعار آنها می‌نوشته‌اند و اشعار متقدمان را تضمین یا استقبال می‌کردند.

«کنزالمصائب» (میرزا محمدتقی قمری) چندمین اثری است که در آذربایجان با الهام از روضة‌الشهدا نگاشته شده است. قمری در سال ۱۸۱۹م. در شهر دربند آذربایجان چشم به جهان گشود. تحصیلات دینی و تعلیم زبانهای عربی و فارسی را در زادگاهش به اتمام رسانید. قمری صاحب مراثی سوزناک بسیاری است. بیشتر این مرثیه‌ها به زبان ترکی سروده شده، افزون براینها ساقی‌نامه و قصایدی نیز دارد. مشهورترین اثر قمری کتاب ترکی «کنزالمصائب» است که به نثر و در شرح مصیبت کربلا نوشته شده، این کتاب از نظر ادبی بسیار ارزشمند می‌باشد. قمری در تألیف کنزالمصائب از روضة‌الشهدا و حدیقة‌السعدا استفاده کرده است. در این اثر قطعات منظوم بسیاری آمده است. آثار قمری در ایران چاپ شده است. میرزا محمدتقی قمری در هفتادسالگی دارفانی را وداع گفت.

از دیگر شاعرانی که به خلق آثار خود، به ادب ایران زمین نظر داشته‌اند، میرمحسن نواب بود. میرمحسن نواب به سال ۱۸۳۳م. در شهر شوشا متولد شده است. وی تحصیلات کاملی داشته و به زبانهای عربی و فارسی مسلط بود. نواب در شوشا ریاست مجلس ادبی فراموشان را بر عهده داشت. او آثارش را به زبانهای ترکی و فارسی نوشته است. کتابهای زیر از آثار اوست:

«تذکرهٔ نواب»، در شرح احوال شاعران قره‌باغ؛ «کشف‌الحقیقه» در مسائل اخلاقی ـ تربیتی؛ «پندنامه» شامل نصایح؛ «بحرالحزن» در شرح مصیبت کربلا. تذکرهٔ نواب به ترکی نوشته شده و سه اثر بعدی همه به زبان فارسی است. در آثار نواب تأثیر سعدی و حافظ چون خطوط روشنی به چشم می‌آید. بسیاری از آثار او در زمان حیاتش منتشر شده است. میرمحسن نواب به سال ۱۹۱۹م. از دنیا رفت.

میرزانصرالله بهارشروانی (متولد ۱۸۳۴م.) از شاهکارهای ادب پارسی به ویژه اشعار حافظ، خیام و خاقانی بسیار اثر پذیرفته است. بهارشروانی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش شماخی به پایان رساند، سپس به هندوستان رفت. در بازگشت از هندوستان در کشورمان متوطن شد. بهار علاوه بر اشعار ترکی شعرهایی به فارسی، اردو و عربی نیز دارد. وی در غزلهای ترکی و فارسی خود از حافظ و خیام الهام گرفته است. مثنوی «تحفةالاحباب» او نظیره‌ای است بر «تحفةالعراقین» افضل‌الدین خاقانی. آثار میرزانصرالله بهارشروانی هنوز به طور کامل نشر نیافته است.

میرزاعلی لعلی که به سال ۱۲۵۲ هجری قمری در ایروان متولد شده و از شاعران دربار قاجار بود، در دیوان ترکی خود اشعاری به سبک مولوی و حافظ شیرازی دارد. وی همچنین دیوانی فارسی شامل قصاید،

مثنویات، غزلیات و رباعیات دارد. هزلیات لعلی در ادبیات آذربایجان جایگاه ویژه‌ای دارد.

سیدعظیم شروانی (۱۸۸۸ - ۱۸۳۵م - شماخی)، نیز شاعری است که به زبانهای فارسی و عربی تسلط داشت. وی همچنین در دمشق به تحصیل علوم دینی پرداخت، سیدعظیم شروانی سال ۱۸۶۹م. در شماخی مکتبخانه‌ای باز کرد و به تدریس پرداخت. سیدعظیم شروانی اشعار بسیاری به زبانهای فارسی و ترکی آذری دارد. در آثار نخستین او رگه‌هایی از تأثیر نظامی گنجوی، سعدی و حافظ به چشم می‌خورد. شاید یکی از دلایل این تأثیرپذیری آن باشد که سیدعظیم مدتی مشغول ترجمه آثار شاعران مذکور بوده است. او در شعر ترکی از شاگردان مکتب فضولی است. تأثیر ادبیات فارسی بیشتر در حکایات منظوم شاعر دیده می‌شود. او در نظم، حکایتهایی چون «تاجر گدا»، «مکر زنان»، «گربه و موش»، «عابد ریاکار»، «موسی(ع) و شبان» و... به آثار مولوی، سعدی، نظامی، عبیدزاکانی و قاآنی نظر داشته و حتی در بسیاری موارد حکایات سیدعظیم به برگردان ترکی آثار شاعران مذکور تبدیل می‌شود. در میان آثار شاعر یک کتاب درسی با نام «ربع‌الاطفال» وجود دارد که برای تدریس زبان فارسی در مکتبخانه‌ها تألیف شده است. شروانی همچنین تذکره‌ای دارد که تاکنون چاپ نشده است.

فقیر اردوبادی به سال ۱۸۳۶م. در خانوادهٔ یکی از تجار اردوباد به دنیا آمد. تحصیلاتش را در شهر شیراز به پایان رساند و زبانهای فارسی و عربی را به طور کامل آموخت. فقیر اردوبادی پس از پایان تحصیلات به اردوباد بازگشت و به آموزگاری پرداخت. او از اعضای فعال انجمن شعرای اردوباد و نخجوان بود. فقیر اردوبادی پدر محمدسعید اردوبادی نویسنده مشهور آذربایجان و مؤلف آثاری چون «تبریز مه‌آلود» و «سالهای

خونین» می‌باشد. فقیر اردوبادی سال ۱۸۸۶م. در زادگاهش درگذشت. آثارش به زبانهای ترکی و فارسی است. وی در قالبهای مختلف، اشعاری دارد. برخی از شعرهایش نظیره‌هایی بر نظامی و فضولی است. او هم در آثار ترکی و هم در آثار فارسی خود از شعر کلاسیک فارسی متأثر است.

میرزا اسماعیل ناکام (۱۹۰۶ ـ ۱۸۳۶) وی در زادگاهش شکی تحصیل کرده و زبانهای فارسی و عربی را آموخته است. ناکام علاوه بر دواوین فارسی و ترکی مثنویهایی با عنوان «فرهاد و شیرین»، «لیلی و مجنون» و «گنجینه ادب» دارد. او چندین غزل سعدی را تضمین کرده است و قصایدی در نعت و ستایش پیامبرگرامی اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) سروده است. ناکام اثری با عنوان «قصه شیخ صنعان» نیز دارد، که در نظم آن «شیخ صنعان» عطار نیشابوری را اساس کار خود قرار داده است.

ملامحمود ذوعی (متولد ۱۸۴۳م.) از شاعران توانای عصر خود بوده است. وی مدتی در روستاهای مغان به آموزگاری پرداخته است و از اعضای فعال «بیت‌الصفا» (مجلس شاعران شماخی) بوده است. ذوعی علاوه بر دیوان ترکی دو اثر منثور با نامهای «دزد و قاضی» و «نصیحت لقمان» دارد. در غزلهایش از حافظ و فضولی متأثر است و چند غزل از دو شاعر مذکور را تصمین کرده است. او همچنین غزلی از حافظ را به ترکی ترجمه کرده است. دوعی ۳۴۲۰ بیت شعر دارد، که از آن میان ۵۱۱ بیت فارسی و بقیه ترکی است. کتابهای «دزد و قاضی» و «نصیحت لقمان» هر دو برداشتهایی از ادبیات به شمار می‌روند.

میرزاعلی‌اکبر صابر (۱۹۱۱ ـ ۱۸۶۳م.) شاعر طنزپرداز آذربایجان در برخی حکایات که برای بچه‌ها نوشته از جمله «روباه و زاغ»، «اسکندر و فقیر»، «ملانصرالدین و دزد»، «طبیب و بیمار» و... از شیوهٔ حکایت‌پردازی سعدی تقلید کرده است. صابر یک مثنوی با عنوان شاهنامه نیز دارد. «بعد

از بسته‌شدن مجلس شاه سپاهیانی به تبریز فرستاد و می‌خواست انقلاب را در گهواره‌اش مخفی کند. اما در جنگهایی که با رهبری ستارخان درگرفت تبریز پیروز شد و سپاهیان شاه فرار کردند و این حادثه را که در رمضان سال ۱۳۲۶ه.ق به وقوع پیوست، کمی بعد صابر به قلم آورد. این شعر به صورت حماسی نوشته شده و تقلیدی از شاهنامه فردوسی است. در این مثنوی ۸۶ بیتی، هم لحن شوخی خفیف و هم روح پهلوانی نمایان است.

اینک ترجمه آن به شعر فارسی:

شها، تاجدارا، قوی شکوکتا
ملک احتشاما فلک رفعتا

اگر پرسی از لطف، احوال من
از این نامه برخوان شها حال من

چو کردم ز درگاهت عطف عنان
سوی شهر تبریز گشتم روان

بدان سر که مردانه جنگ آورم
بد جنگاوران عرصه تنگ آورم

نه ستار مانم نه یاران او
شرار افکنم در دل و جان او

بساطش به یکباره وارون کنم

در و دشت و هامون پر از خون کنم

مرا زیر زین توسنی بادپا
به سرسایه گسترده زرین نوا

چپ و راست استاده سرهنگها
چه سرهنگها؟ رستم جنگها...

ایوب باکی (۱۹۰۹ ـ ۱۸۶۶) غزلیاتی به فارسی و ترکی دارد. باکی برخی از شعرهای مولوی را تضمین کرده است. باکی همچنین اشعاری در رثای حضرت زهرا(س) و حضرت امام حسین(ع) دارد. او در شعرهایش از مولوی و حافظ تأثیر بیشتری گرفته است. دیوان او که «ریاض‌المحبت» نام دارد تاکنون چاپ نشده است.

آذر امامعلی‌زاده بوزوونالی (۱۹۵۱ ـ ۱۸۷۰) نیز از شاعرانی است که به سبب آشنایی کامل با زبان و ادب پارسی طرز شاعران متقدم ایران را در آثار مختلف خود آزموده است. وی علاوه بر قصاید، غزلیات و مراثی مذهبی حکایاتی منظوم نیز دارد. امامعلی‌زاده صاحب مثنویهای تاریخی «چنگیزنامه»، «آی دمیر» و «اوغوزنامه» می‌باشد.

عباس صحت از شاعران مشهور اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در بسیاری از اشعارش به ویژه در حکایات منظومی چون «شیر و خرس»، «روباه و گرگ»، «الاغ و شیر» و «آشپز و گربه» از کلیله و دمنه استفاده کرده است.

حاج‌شیخعلی طوطی در مرثیه‌های مذهبی خود از محتشم کاشانی تأثیر پذیرفته است. وی به سال ۱۸۸۱م. در روستای نارداران باکو متولد شد و پس از کسب تحصیلات دینی و ادبی به تبلیغات مذهبی پرداخت.

شیخ‌علی طوطی به سال ۱۹۶۶م. وفات یافته است.

حسین جاوید (۱۹۴۴ - ۱۸۸۲م.) در خانواده‌ای روحانی در شهر نخجوان چشم به جهان گشود. تحصیلات اولیه خود را در آنجا به پایان رساند و سپس جهت ادامه تحصیل و فراگیری زبانهای عربی و فارسی به تبریز آمد. او زمان اقامت در تبریز به مطالعاتی در زمینه ادبیات کلاسیک فارسی پرداخت. جاوید سال ۱۹۰۵ به استانبول رفت و در دارالفنون رشته زبان و ادبیات را به پایان رساند. او پس از بازگشت به باکو به تدریس پرداخت. جاوید در سال ۱۹۳۷م. به دلیل اندیشه‌های ملی از سوی حکومت کمونیستی به اتهام دشمنی با خلق! دستگیر و تبعید شد. او پس از چند سال در تبعید از دنیا رفت (۱۹۴۴) جاوید از سال ۱۹۱۰م. شروع به نوشتن نمایشنامه‌هایی کرد: «پیغمبر»، «تیمورلنگ»، «سیاووش» و «خیام» از جمله نمایشنامه‌های منظوم اوست. جاوید در این آثار نمایشی منظوم از ادبیات کلاسیک فارسی اقتباس کرده است. وی نمایشنامه «سیاووش» را به سال ۱۹۳۳م. به مناسبت هزارمین سال تولد فردوسی نوشته است.

صمد وورغون (۱۹۵۶ - ۱۹۰۶م.) و میرمهدی سیدزاده (۱۹۷۶ - ۱۹۰۷) نیز در آثار خود از ادبیات کلاسیک فارسی بهره‌ها برده‌اند. هر دو شاعر مذکور نمایشنامه‌های منظومی بر اساس مثنوی خسرو و شیرین سروده‌اند. نمایشنامه منظوم صمد و ورغون «فرهاد و شیرین» و نمایشنامهٔ سیدزاده که به سال ۱۹۴۰ نوشته شده، «عشق» نام دارد. هر دو اثر به ترکی آذربایجانی می‌باشد.

○ ترجمه ادبیات فارسی:

وقتی سخن از تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات کلاسیک آذربایجان به

میان می‌آید، لازم است از آثاری که به ترکی آذربایجانی ترجمه شده نیز یاد شود، چه اینکه مهمترین واسطهٔ تأثیر و تأثر میان متون ادبی مختلف ترجمه می‌باشد. از میان دهها اثر کلاسیک که در قرون گذشته به ترکی آذری برگردانده شد، مهمترین آنها عبارتند از:

ترجمهٔ اسرارنامه ـ این ترجمه منظوم در قالب مثنوی می‌باشد. و توسط شاعر و مترجم قرن نهم «احمدی تبریزی» به ترکی ترجمه شده است. اسرارنامهٔ احمدی برگردان آزادی است از سه اثر عطار نیشابوری به نامهای اسرارنامه، مصیبت‌نامه و الهی‌نامه. احمدی حکایاتی چند از این منظومه‌ها را عیناً ترجمه کرده و در برخی حکایات دیگر ابیاتی بر آنها افزوده است. حدود چهل حکایت در این کتاب آمده است. در همه حکایات اندیشه صوفیگری تبلیغ می‌شود. یکی از نسخ خطی «ترجمه اسرارنامه» سال ۱۹۶۴م.، به شیوه عکسی در باکو چاپ شده است.

چاپ «ترجمه اسرارنامه» به سعی پروفسور جهانگیر قهرمان‌اف صورت گرفت. در این چاپ علاوه بر مقدمه مفصل قهرمان‌اف، واژه‌نامه‌ای نیز جای گرفته است.

ترجمه گلشن‌راز ـ گلشن‌راز توسط ولی شیرازی در قرن نهم به ترکی ترجمه شده است. این کتاب که شامل شرح اصطلاحات صوفیه است از آثار شیخ محمود شبستری می‌باشد. ولی شیرازی در برگردان کتاب، ابیات بسیاری بر اصل منظومه افزوده، به گونه‌ای که گلشن‌راز شبستری حدود ۱۰۰۰ بیت می‌باشد، اما ترجمهٔ ولی شیرازی متجاوز از ۲۰۰۰ بیت است. ترجمه اثر در همان وزن و قالب گلشن‌راز به نظم کشیده شده است. برگردان شیرازی افزایه‌هایی از حکایات و احادیث نیز دربردارد. این اثر تاکنون چاپ نشده است.

شهدانامه ـ شهدانامه در واقع برگردانی است از روضة‌الشهدای واعظ

کاشفی که توسط محمدبن حسین کاتب نشاطی به ترکی آذربایجانی برگردانده شده است. ترجمه کتاب به سال ۱۵۳۹م. پایان یافته است. نشاطی به امرشاه تهماسب و نیز تأکید قاضی‌خان ساروشیخ اوغلو حاکم شیراز به ترجمه روضةالشهدا پرداخت. بر خلاف حدیقةالسعدا، شهدانامه ترجمهٔ روضةالشهدا است. زبان ترجمه آن ساده و مفهوم می‌باشد. از مهمترین ویژگیهای سبک شناختی شهدانامه، استفاده مترجم از واژه‌های خاص گویش تبریزی می‌باشد، به ویژه اینکه اکثر این واژه‌ها برای نخستین بار وارد زبان مکتوب ادبی شده است.

شهدانامه در بررسی سیر تاریخی تشکل و تکامل زبان ادبی ترکی آذری حائز اهمیت بسیاری است. تنها نسخهٔ کشف شده از شهدانامه که به خط خود کاتب نشاطی است در انستیتوی کتب خطی جمهوری آذربایجان نگهداری می‌شود و متأسفانه تاکنون فرصت انتشار نیافته است. از نشاطی ترجمه دیگری با عنوان تذکرهٔ شیخ صفی در دست است. تذکره شیخ صفی ترجمه‌ای است از صفوةالصفا که به سال ۷۵۰ ه‍ ق توسط ابن‌بزار اردبیلی تألیف یافته است. این کتاب درباره زندگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نگاشته شده است. تنها نسخه خطی ترجمه مذکور به خط مترجم در موزه مقبره شیخ صفی نگهداری می‌شد که بعدها در زمان حاکمیت فرقه دمکرات ضمن غارت موزه مذکور به موزه سن‌پترزبورگ انتقال یافت. تذکره شیخ صفی (ترجمه صفوةالصفا) تاکنون چاپ نشده است.

ترجمه حدیث *اربعین* ـ حدیث اربعین از آثار عبدالرحمان جامی است که در آن چهل حدیث به همراه معنی منثور و ترجمه منظوم فارسی آن جای گرفته است. ملامحمد فضولی شاعر و عارف نامی قرن دهم هجری این رساله جامی را به ترکی آذربایجانی برگردانده است. با توجه به قدرت و

تسلط فضولی در نظم و نثر عربی، فارسی و ترکی، ترجمه حدیث اربعین از ویژگیهای ادبی بسیاری برخوردار است. فضولی در مقدمه‌ای که بر این ترجمه نگاشته می‌گوید که این چهل دانه گوهر را برای فیض عموم به ترکی ترجمه کرده است. فضولی نه تنها در ترجمه منثور حدیث بلکه در برگردان ترجمه فارسی منظوم جامی هم به اصل آنها وفادار مانده است. حدیث اربعین به دفعات در ترکیه به چاپ رسیده است.

ترجمه معجزنامه ـ ترجمه این اثر توسط شخصی به نام مقصودی به سال ۹۲۱ هـ ق به پایان رسیده است. ترجمه ترکی معجزنامه در قالب مثنوی و مشتمل بر ۶۱۵۰ بیت می‌باشد اگرچه مترجم نوشته است که این مثنوی را از فارسی برگردانده لیکن به نام اصلی آن اشاره‌ای نمی‌کند. به نوشته مقصودی معجزنامه در بردارندهٔ معجزات رسول کائنات(ص) و حکایت‌نامه‌های شاه مردان(ع) است. معجزنامه درباره معجرات و کرامات پیامبر اکرم(ص)، حضرت علی(ع) و ائمه دیگر(ع) و همچنین اولیاء دین می‌باشد. این اثر تاکنون منتشر نشده است.

ترجمه گلستان ـ این کتاب برگردانی است از گلستان سعدی که در سال ۱۰۶۸ هـ ق توسط محمدبن حسین روانی صورت گرفته است. نسخه‌ای به خط خود مؤلف در کتابخانه ملی تبریز موجود است. ترجمه محمد روانی از گلستان هنوز فرصت انتشار نیافته است. ترجمهٔ ادبیات فارسی به ترکی آذربایجانی از یک سو باعث تنوع و توسط موضوع ادبیات آذربایجان شده و از دیگر سو به رشد و گسترش واژگان زبان ترکی یاری کرده است.

رستم و سهراب و رباعیات خیام نیز توسط عباس‌آقا ناظرغایب‌زاده (۱۹۱۹ ـ ۱۸۴۹) به ترکی برگردانده شده است.

میرمهدی سیدزاده از شاعران قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم

نمونه‌هایی از ادبیات فارسی را به ترکی آذری ترجمه کرده که از آن میان غزلیات حافظ، رباعیات خیام و بوستان سعدی قابل ذکر می‌باشد.

کتاب «خورشیدهای مغرب» تألیف عباس صحت هم ترجمه‌هایی از ادب پارسی را شامل می‌شود.

در دوره معاصر نیز بسیاری از شاهکارهای ادب پارسی به ترکی آذری ترجمه شده است. درخشانترین چهره‌هایی که در این زمینه فعالیت داشته‌اند، پرفسور رحیم سلطان‌اف و پرفسور مبارز علیزاده می‌باشند. کتابهای گلستان، کلیله ودمنه، قابوسنامه، سیاستنامه، بهارستان، اخلاق ناصری و... همه به ترجمه سلطان‌اف منتشر شده‌اند. همچنین تلاش پرفسور مبارز علیزاده، در ترجمه منظوم «شاهنامه فردوسی» شایان توجه و تحسین است.

فصل سوم

آموزش زبان فارسی

(از آغاز تاکنون)

سدهٔ ششم هجری از بسیاری جهات درخشان‌ترین دورهٔ حیات زبان وادبیات دری بوده است. در این دوره نه تنها زبان و ادب پارسی به مرحله تکامل می‌رسد، بلکه حوزه نفوذ آن نیز گسترش می‌یابد. منتقدان این را نتیجهٔ حمایت و توجه سلسلهٔ سلجوقیان می‌دانند. در دورهٔ حاکمیت سلاجقه علاوه بر تشویقها و حمایتهای مستقیم آنان از شاعران و نویسندگان، تأسیس مدارس نظامیه به اهتمام خواجه نظام‌الملک وزیر حکومت سلجوقی نیز در اشاعه زبان و ادب پارسی تأثیر بسزایی داشته است. تأسیس این مدارس از نیمه دوم قرن پنجم هجری آغاز شد و در مدتی نه چندان دراز در همهٔ شهرها و نواحی اسلامی تحت حاکمیت سلجوقیان مدارسی دایر شد. بنابه نوشتهٔ حافظ ابرو مؤلف «زبدةالتواریخ» خواجه نظام‌الملک در یک سال حدود هفتاد مدرسه در

بلاد اسلامی تأسیس کرده است.[۱]

تشکیل نظامیه‌ها در گسترش مدارس و مکتبخانه‌های محلی و نیز تحول سازمان آموزشی آنها بی‌تأثیر نبود. «قبل از تأسیس مدارس نظامیه مراکز علمی مهمی از قبیل مرکز علمی و درمانی جندی شاپور، بیت‌الحکمه بغداد، جامع‌الازهر مصر و مرکز علمی و درمانی عضدی در بغداد وجود داشته است، که هیچ یک از آنها به معنی اصطلاحی مدرسه، معروف نگردیده و برنامه‌های آنها اصولاً در بیشتر موارد با روش معمول در نظامیه‌ها مغایرت داشته است».[۲] در حالیکه نظامیه‌ها در حکم مراکز آموزش عالی آن روزگار بوده‌اند و زبده‌ترین طلاب و دانش‌پژوهان از اقصی نقاط جهان برای تحصیل به این مراکز روی می‌آورده‌اند، همانسان که اشارت رفت مدارس و مکتبخانه‌های محلی نیز برای ایجاد تغییر در سازمان آموزشی خود به شیوهٔ کار نظامیه‌ها نظر داشتند.

از اواخر قرن پنجم هجری در آذربایجان نیز مدارس رونق یافتند. شاید یکی از دلایل ظهور یکبارهٔ شاعران سرآمد آذربایجان در قرن ششم، معلول همین گسترش مدارس و مراکز علمی باشد.

از اسناد تاریخی چنین بر می‌آید که بیشتر مدارس و مکتبخانه‌های آذربایجان در شروان و نواحی اطراف آن متمرکز بوده است. از آثار نظامی گنجه‌ای روشن می‌شود که او عمر خود را در زادگاهش گنجه به سر برده و بالطبع تحصیلات خود را نیز درهمانجا به پایان رسانده است. نظامی تنها یکبار به دعوت زبان‌ارسلان برای دیدار با وی به یکی از نواحی اطراف

---

۱. حافظ ابرو. ***زبدة‌التواریخ***. (نسخه خطی). تهران: کتابخانهٔ ملک، شماره ۴۱۴۳ ـ ۴۱۶۶.

۲. کسایی. ن. ***مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن***. تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳، ص ۷۷.

در سی فرسنگی گنجه‌سفر می‌کند.

در منظومه «خسرو و شیرین» به این دیدار اشارت رفته است:

سبک باشی ای نسیم صبحگاهی — تفضل کن بدان فرصت که خواهی

زمین را بوسه ده در بزم شاهی — کـه دراد بـر ثـریا بـارگاهی

جهان بخش آفتاب هفت کشور — که دین و دولت از وی شد مظفر... [1]

نظامی جز این سفر کوتاه، هرگز شهر و دیار خویش را ترک نگفته و به تعبیر خویش در گنجه شهر بند بوده است:

چرا گشتی در این بیغوله پا بست — چنین نقد عراقی بر کف دست

رکاب از شهر بند گنجه بگشای — عنان شیرداری، پنجه بگشای [2]

□

نظامی که در گنجه شد شهربند — مباد از سلام تو نابهره‌مند [3]

□

نظامی ز گنجینه بگشای بند — گرفتاری گنجه تا چند چند [4]

با این حال، وی در غالب علوم و اسمار عصر سرآمد بوده است:

هر چه هست از دقیقه‌های نجوم — بـا یکـایک نـهفته‌های عـلوم

خواندم و سرّ هر ورق جستم — چون تو را یافتم ورق شستم [5]

همچنین شاعر به زبانهای مختلف نیز تسلط داشته، خود در مثنوی «شرف‌نامه» به این اشاره می‌کند:

چو می‌کردم این داستان را بسیج — سخن راست زو بود و ره پیچ پیچ

---

۱. نظامی گنجه‌ای. **خسرو و شیرین**، تهران: توس، ۱۳۶۶، ص ۲۵.

۲، ۳، ۴، ۵ زنجانی، ب. ***احوال و آثار و شرح مخزن‌الاسرار نظامی گنجه‌ای***. (بخش بررسی آثار نظامی)، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ (صص ۵۵ ـ ۱).

سخنها که چون گنج آکنده بود — به هر سختی در پراکنده بود
ز هر نسخه‌ها برداشتم تایه‌ها — بر او بستم از نظم پیرایه‌ها
زیادت و تاریخهای نوی — یهودی و نصرانی و پهلوی
گزیدم ز هر نامه‌ای نغز او — ز هر یک زبان هر که آگه بود
ز هر پوست پرداختم مغز او — زبانش ز بیغاره کوته بود.[1]

این همه قرائنی است مبنی بر وجود مدرسه‌ای معتبر در گنجه. دکتر کسایی در کتاب «مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن» به نقل از «آثارالبلاد» به وجود مدرسهٔ ظاخر در شش منزلی گنجه اشاره می‌کند: «بنابه نوشته عمادالدین قزوینی، ظاخر شهری بزرگ بر پر جمعیت بوده و در شش منزلی جنزه از بلاد لکزان قرار داشته است. هوای این شهر بسیار سرد بوده و آب در تابستان و زمستان یخ می‌بسته است. اهالی آنجا حرفه و تجارتی نداشته و از دانه‌هایی شبیه جو به نام سلت ارتزاق می‌کرده‌اند. مردم این شهر را پیشوایی نبوده و تنها خطیبی داشته‌اند که به وی اقتدا می‌کرده و یک قاضی که خصومات آنان را مطابق مذهب شافعی فیصله می‌داده و همه شافعی مذهب بوده‌اند. خواجه نظام‌الملک در آنجا مدرسه‌ای بنا نموده و یک مدرس و عده‌ای فقیه‌در آن مدرسه به تعلیم و تعلم پرداخته‌اند. خواجه برای آن فقیه ماهانه یک رأس گوسفند و مقداری از سلت که خوراک مرسوم آنجا بود مقرر نموده و ایشان مختصر مزنی و کتاب امام شافعی را به لغت لکزی نقل نموده بودند و از آن به عنوان کتاب درسی استفاده‌می‌کردند».[2]

متأسفانه دربارهٔ مدرسه ظاخر، به اطلاعاتی بیش از آنچه در

---

۱. زنجانی، ب. *احوال و آثار و شرح مخزن‌الاسرار* (بخش بررسی آثار نظامی)، ص ۵۶.

۲. کسائی، ن. *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن* (مذکور). ص ۲۴۹.

«آثارالبلاد» آمده، بر نمی‌خوریم. نظامیه‌ها و مدارسی که به شیوهٔ آنها تأسیس شده بود، اگرچه در ابتدا بیشتر به اشاعه تعلیمات مذهب شافعی در مقابل اسماعیلیه اهمیت می‌دادند. لیکن بعدها تدریس علوم عقلی و نقلی مختلف در برنامهٔ این مراکز آموزشی جای گرفت. همچنین با مرور زمان، فارسی نیز به عنوان زبان تدریس، پذیرفته شد.

و این سرآغاز نفوذ متون ادبی ـ عرفانی پارسی به مدارس مذکور بود.

مطالعه در زندگی شاعران بزرگ دیگر همچون ابوالعلاء گنجه‌ای، فلکی شروانی، مجیرالدین بیلقانی، خاقانی شروانی و... نیز بر اشاعه و رونق مراکز آموزش علم و ادب در آذربایجان دلالت دارد. اما با توجه به اینکه نظامی نه در دربار شاهان و اتابکان به سر برده و نه شهر و دیار خویش را ترک گفته، تبحر وی در همهٔ علوم و فنون عصر، گسترش مدارس ـ و به تبع آن زبان و ادب پارسی ـ در نواحی شمالی آذربایجان را خود گواهی نیکوست. « در شهرهای آذربایجان آغاز قرن ششم طلیعهٔ تأسیس مدارس و مراکز علمی بوده است. ابن اثیر در ذکر وقایع سال ۵۰۱ هـ ق می‌نویسد:

صدقةبن یزید که مردی دوستدار دانش و دانشمندان بود، به هنگام حکومت بر این دیار، به تأسیس مدارسی قیام نمود».[1]

به نظر می‌رسد پیش از قرن ششم هجری، تعلیم و تعلم در آذربایجان نیز همچون اکثر نقاط دیگر به شکلی نهادینه و سازمان یافته نبوده است و با توجه به این که مردم آذربایجان به پارسی دری تکلم نمی‌کرده‌اند، رواج زبان و ادب پارسی از دورهٔ توسعهٔ مدارس و مکتب‌خانه‌ها آغاز می‌شود. بنابه نوشتهٔ ناصرخسرو، قطران تبریزی مقتدای شعرای پارسی‌گوی

---

۱. *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*. ص ۲۷۳.

آذربایجان، که در سدهٔ پنجم هجری می‌زیسته، به لغت دری احاطهٔ کامل نداشته است: «در تبریز قطران نام شاعری را دیدم شعر نیک می‌گفت، اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست. پیش من آمد. دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود از من بپرسید. با او بگفتم و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من بخواند».[1]

قطران از دیدار کوتاه خود با ناصرخسرو، استفاده می‌کند واشکالات خود را از وی می‌پرسد. این نشان می‌دهد که هنوز در آذربایجان، اساتید و مدرسان متبحر در زبان و ادب پارسی نبوده است. به تدریج در گنجه، شروان، تبریز و مراغه مدارسی دایر می‌شود. این مدارس معلمانی توانا و کتابخانه‌هایی گسترده داشته‌اند. در قصبهٔ شبستر نیز مدرسه‌ای بوده که در آن افزون بر علوم طبیعی، زبان و ادبیات فارسی و عربی نیز تدریس می‌شده است. شیخ محمود شبستری تحصیلات اولیه خود را در همان مدرسه سپری کرده و سپس برای تکمیل تحصیلات خود راهی تبریز شده است.

در سده‌های نهم و دهم هجری مسئله آموزش قوت مضاعفی می‌یابد. در تبریز و اردبیل طلاب بسیاری، از محل درآمد اوقاف به تحصیل علوم می‌پردازند. در شروان هم سازمان آموزش مدرسه‌ای گسترش می‌یابد. سیدیحیی شروانی و شاگردش یوسف زین‌العابدین شروانی و کمال‌الدین مسعود شروانی از دانش آموختگان آن دوره‌اند. بدرالدین سیدیحیی لاله‌وی ـ دانشمندی که مورد عزّ و احترام شاه اسماعیل صفوی بود نیز تحصیلاتش را در مدرسه شروان به پایان رسانده بود.

---

۱. ناصرخسرو. ***سفرنامه*** (به تصحیح دکتر دبیر سیاقی). تهران: زوار، ۱۳۷۳ (چاپ پنجم)، ص ۹.

بعدها در سدهٔ دوازدهم هجری مدرسه شفیع افندی در شهر قازاخ از رونق ویژه‌ای برخوردار بوده است.

ملاپناه واقف شاعر برجسته آذربایجان از دانش‌آموختگان مدرسه شفیع افندی بود. واقف خود بعدها مکتبخانه‌ای دایر کرده و عنوان ملّا نیز از این روی بر وی اطلاق می‌شده است. در این مدارس آثار شاعران بزرگی چون حافظ، سعدی و جامی جزو برنامه درسی بوده است.

واقف در شعری می‌گوید:

من سنین وصفینی ای ماه کرم!
حافظدن، جامیدن آرتیق سؤیله‌رم
حق بیلیرکی، سنی نئجه ایسته‌رم
ای بی‌وفا قدیر بیلمز، بری باخ![1]

از همین مصراعها مشخص می‌شود که نه تنها واقف با آثار حافظ و جامی آشنا بوده، بلکه به آثار آن دو شاعر در مدارس آذربایجان نیز اهمیت بسیار ی داده می‌شد. متأسفانه بیشتر جزوات و رسالات درسی مدارس آن روزگار از میان رفته است. در معدود جزوه‌های درسی هم که بر جای مانده، ـ طبق سنت معهود استنساخ ـ نام مدرس و مدرسه ذکر نشده است. این نوع استنساخ کتب و جزوات درسی از قرن دهم شروع شده است و در سده‌های پیشتر به ندرت نمونه‌هایی یافت می‌شود.

استنساخ متون ادب پارسی از قرن دوازدهم به شکلی نیرومندتر و منظم‌تر ادامه می‌یابد.

در قرن یازدهم هجری مدرسه ملامحمد قازاخی در شهر قازاخ دایر

---

۱. ای ماه کَرَم! من تو را بیش از حافظ و جامی وصف کنم. حق داند که چه‌سان شیفتهٔ توام، ای بی‌وفای قدر نشناس، بدینسوی بنگر!

بوده و کتاب شرح عزّی و نیز بعضی نسخ گلستان سعدی جهت تدریس در آن مدرسه، کتابت شده است. در مدارس آن روزگار هر مدرس و معلمی آثار و متونی را که با جهان‌بینی خود مطابقت داشته، به عنوان کتب درسی معرفی می‌کرده است. البته شرایط سیاسی ـ اجتماعی نیز در این امر دخیل بود. به عنوان مثال در دورهٔ صفوی مدرسه‌ای به نام دارالارشاد در اردبیل دایر بوده که تبلیغ مذهب تشیع، اساس برنامه درسی آن را تشکیل می‌داده. حسین الهی اردبیلی از معلمان شهیر سده‌های نهم و دهم از مدرسان دارالارشاد بوده است. وی شرح و حواشی مختلفی به فارسی و ترکی آذری نگاشته است.

در اوایل قرن هشتم هجری، در مدرسه داغ کَسَمن (از قرای قازاخ) جلسات شرح اصطلاحات صوفیه توسط علی افندی‌شروانی برگزار می‌شده است. این نشان می‌دهد تعلیم صوفیگری جزو برنامه درسی مدرسهٔ مذکور بوده است. در مدارس نواحی مختلف آذربایجان و قفقاز متونی چون گلستان و بوستان سعدی، یوسف و زلیخای جامی و...از مواد درسی ثابت بوده است. در مدرسه روستای داغ کَسَمن نیز زبان و ادب پارسی به ویژه آثار حافظ، سعدی و جامی در کنار تعلیمات صوفیه، آموخته می‌شد. یکی از نسخ خطی دیوان حافظ که اکنون در انستیتوی نسخ خطی آذربایجان نگهداری می‌شود، در همان مدرسه استنساخ شده است.

در قرن یازدهم در تبریز قریب پنجاه مکتبخانه و مدرسه دایر بوده است. از آن میان مدرسه صادقیه مهمترین و معتبرترین مدرسه به شمار می‌رفت. در تبریز اساتید و مدرسان زبده‌ای چون میرزاباقی و ملارجبعلی واحد به تعلیم و تعلم مشغول بوده‌اند. از اواخر قرن دوازدهم تعداد مدارس آذربایجان روی به فزونی می‌نهد و شیوه‌های آموزشی نیز ارتقاء

کیفی می‌یابد. در آن سالها معلمان برجسته‌ای همچون عبدالحلیم قوتقاشینی و حاجی سیدمحمد افندی در تعلیم و تربیت طالبان علم و ادب بسیار کوشیده‌اند. بعدها مدارس متعددی شروع به فعالیت کردند، از جمله مدارس عبدالغنی نحوی، حاج فضل‌الله افندی آخوندزاده، علی افندی زگزیدی و کریم افندی شهر شکی، مدرسهٔ ملاعبدالجواد در باکو، مدرسه میرزا سمندر در قریهٔ بالا خوانی، مدرسه احمد افندی خینالیقلی در قوبا و مدرسهٔ احمد بنی‌عبدالرحمن افندی در خاچمز.

در مدارس شروان معلمان نخبه‌ای چون حاج عبدالمجید، مصطفی افندی و عبدالخالق افندی تدریس می‌کردند. مکتبخانه ملاعباس ـ پدر عباس صحت شاعر آذری ـ در شماخی نیز شهرتی بسزا داشت. محمدهادی (۱۹۲۰ ـ ۱۸۷۹ م.) از شاعران مشهور آذربایجان در همین مکتبخانه تحصیل کرده است. در مدرسهٔ گؤی‌چای نیز معلمان برجسته‌ای به امر تدریس اشتغال داشتند، که صدرالدین افندی، حاج‌یوسف افندی قره‌باغلارلی، حاج‌امیر افندی و عبدالله افندی‌زردابی از آن جمله‌اند. در برخی روستاها و قصبات هم مکتبخانه‌هایی برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان تأسیس یافته بود. در برگشاد جلسات درس ابراهیم افندی برگشادی، عبدالرحمن افندی و حاج‌محمد افندی برگشادی، در آغداش، مکتب‌خانه اسماعیل افندی شمس‌آبادی، در ارال جلسات درس کریم افندی و شمس‌الدین افندی، در عرب اجاقی حوزه درسی محمد افندی، در قوتقاشین مکتبخانه حاج‌اسماعیل افندی، در روستای اوچ چواق از توابع آغداش مدرسهٔ حاج‌عبدالله افندی (وی برادر کوچک حاج‌اسماعیل افندی مدرس مکتبخانه قوتقاشین بود). و در قازاخ مدرسهٔ عثمان افندی (وی فرزند ملّاولی ودادی شاعر قرن دوازدهم بود)... و شماری مدارس دیگر دایر بود. همهٔ این مدارس از برنامه‌های درسی

شایسته و قوی برخوردار بودند. در این میان مکتبخانه حاج‌عبدالغنی افندی پسر حاج‌محمد افندی نحوی در شکی پرآوازه‌ترین مدرسه آن روزگار بوده است. در مدرسه مذکور در کنار تدریس دروسی چون نظریهٔ ادبی، عروض و قافیه و منطق، قصاید حکمی ـ فلسفی خاقانی شروانی، امیرخسرو دهلوی و عبدالرحمن جامی شرح و تفسیر می‌شد. شایان ذکر است مدرسه حاج عبدالغنی افندی مخصوص سطوح آموزشی بالاتر بود و برای همین، تدریس قصاید عرفانی ـ فلسفی در برنامهٔ درسی آن جایگاه ویژه‌ای داشت، طلاب نخست از روی این آثار نسخه‌برداری می‌کردند سپس شرح و تفسیر ابیات را در حواشی نسخ مذکور می‌نگاشتند. در برخی از نسخ بر جای مانده، وزن شعر و گاه صنایع بدیعی از ابیات مختلف نیز در حاشیه یادداشت شده است.

نکته جالب دیگر اینکه اغلب معلمان دروس زبان و ادب پارسی مدارس آن دوره یا خود شاعرانی مشهور بوده و یا افرادی دارای ذوق و علاقهٔ شاعری بوده‌اند، از همین روی جلسات درس برای دانش‌آموزان شیرین و جذاب بود.

دربارهٔ ظهوری شاعر شهیر قرن سیزدهم آذربایجان می‌خوانیم: «تحصیلاتش را در شماخی به پایان برده است، به زبان فارسی نیز اشعاری دارد و از اعضای مجلس بیت‌الصفا بود. و سال ۱۸۹۲ م. به باکو مهاجرت نموده و دو سال مکتب‌داری کرده است...».[1]

یا دربارهٔ مضطر تبریزی می‌نویسند: «زندگیش را از طریق تدریس در مکتب‌خانه می‌گذرانده... کتاب درسی «گلزار بهار» وی سال ۱۹۰۷ در

1.Азәрбајчангәзәлләрu. Cakbl: Азәрнәwр, 1991, cәh. 262.

تبریز منتشر شده است.»[1]

همانگونه که پیشتر اشاره شد ملاپناه واقف شاعر صاحب سبک قرن دوازدهم نیز مکتبخانه‌ای داشته است. علاوه بر این بسیاری از شاعران قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم آذربایجان به شغل معلمی مشغول بوده‌اند. قدسی گنجه‌ای (۱۸۶۵ - ۱۸۱۶ م.)، اسماعیل محزون (۱۸۹۴ - ۱۸۲۱ م.)، میرزا محسن خیالی (۱۹۰۴ - ۱۸۲۴ م.)، زین‌العابدین ساغری (متوفی به سال ۱۸۲۶ م.)، صادق صدقی حسن‌زاده (متولد ۱۸۵۷ م.)، سیدعظیم شروانی (۱۸۸۸ - ۱۸۳۵ م.) و شاگرد وی میرزاعلی‌اکبر صابر (۱۹۱۱ - ۱۸۶۲ م.)... از آن جمله‌اند.

در مدارس و مکتبخانه‌هایی که شاعران و ادیبان مذکور درس می‌دادند. اگرچه آثاری چون شرح ایساغوجی، تحفهٔ شاهدی، آداب محصلین... جزو برنامه درسی بودند، لیکن در برنامهٔ تدریس خود به گلستان و بوستان سعدی، سبحةالابرار و لُجّةالاسرار، «جلاءالروح و شرح بسمله و یوسف و زلیخای جامی» ساعات بیشتری اختصاص می‌یافت. قصیدهٔ جلاالروح جامی نظیره‌ای است بر قصیدهٔ بحرالابرار خاقانی شروانی، این قصیدهٔ شینیه خاقانی با ابیات زیر شروع می‌شود:

دل من پیر تعلیم است و من طفل زباندانش
دم تعلیم سر عشر و سر زانو دبستانش
هنوزم عقل چون طفلان سر بازیچه می‌دارد
که این بازیچه‌گون حقّه به بازی کرد حیرانش
نظاره می‌کنم ویحک درین هنگامهٔ طفلان
که مشکین مهرآسوده است ونیلی حقه‌گردانش

---

1. Opaga - cəh. 327.

بـه پـایان آمـد ایـن هـنگام کـانیک روز عـالم شـد
بـود هـر جـا کـه هـنگامه است شب هـنگام پـایانش
دلم قـصر مشـبک داشت هـمچون خـان زنـبوران
بـرون سـاده در و بـام و درون نـعمت فـراوانش
نـه خـانه، عـنکبوت‌آسا سـراپـرده زده بـیرون
درون ویـرانـه و بـرخـوان مگس بـینند بـریانش
نـه چـون مـاهی درون سـو و بـیرون از درم گـنجش
که بیرون چون صدف عور و درون سو از گُهر کانش...[1]

در کنار قصیدهٔ خاقانی، نظیره‌ای که جامی با عنوان «جلاءالروح» بر آن نوشته، و نیز نظیره‌هایی که امیر خسرو دهلوی با عنوان (مرآت‌الصفا) و ملامحمد فضولی با عنوان (انیس‌القلب) سروده‌اند، تدریس می‌شد. منشآت میرزا مهدی‌خان استرآبادی نیز جزو مواد درسی مکتبخانه‌های آذربایجان بود. چند نسخه خطی از آن منشآت در انستیتوی کتب خطی جمهوری آذربایجان موجود است، که به ترتیب در سالهای (۱۲۰۶) توسط علی اصغر جریبی، (۱۲۲۴، ۱۲۴۸ (توسط آغاسی‌بن صالح قره‌باغی)، ۱۲۵۴ (عباس‌بن ملااسماعیل ـ محل کتابت: بورچالی) ـ ۱۲۶۰ (محمدبن مشهدی الله وردی ـ محل کتابت: نخجوان ـ و ۱۲۶۶) و توسط عبدالرحیم افشاری... استنساخ شده است. «تاریخ نادری» تألیف میرزا مهدی استرآبادی هم در اوایل سدهٔ سیزدهم میلادی از کتب درسی مدارس نواحی شمالی آذربایجان بوده است و هفت نسخه از آن که به سالهای (۱۱۸۹، ۱۲۰۴، ۱۲۰۸، ۱۲۱۹، ۱۲۹۰، ۱۲۲۰ و ۱۲۲۷) هـ ق کتابت شده، در شمار کتب گنجینه نسخ خطی جمهوری آذربایجان است.

---

۱. خاقانی شروانی، ***دیوان***. (به تصحیح دکتر سجادی) تهران: ۱۳۳۸.

در مدارس و مکتبخانه‌های آذربایجان به آثار عبدالرحمن جامی اهمیت بیشتری داده می‌شد و نسخ زیادی از آثار جامی در این دیار کتابت شده است. به طور کلی می‌توان گفت در آذربایجان آثار هیچ شاعر و نویسنده‌ای به اندازه آثار جامی، نشر نیافته است. دهها نسخه از «دیوان آن شاعر، از هفت اورنگ، سلسلة‌الذهب، تحفة‌الابرار، سبحة‌الابرار، یوسف و زلیخا، از بهارستان، ترجمه حدیث اربعین» در انستیتوی کتب خطی جمهوری آذربایجان نگهداری می‌شود. همچنین نسخه‌های نفیس متعددی از آثار شیخ اجل سعدی شیرازی جزو کتب خطی آن انستیتو می‌باشد. «هفت نسخه خطی از کلیات، پنج نسخه خطی از بوستان، دو نسخه خطی از گلستان، نسخه‌ای خطی از منتخب بوستان و نسخهٔ خطی دیگری از اشعار سعدی.» اکثر این نسخ به خط نستعلیق شکسته یا شکسته نستعلیق نگاشته شده است.

در مدارس آذربایجان خلاصه‌ای از خمسه نظامی، رساله صحت و مرضی فضولی وکتاب چهل طوطی هم تدریس می‌شد. اما نسخ خطی کم شماری از این کتب بر جای مانده است.[1]

تا زمان تشکیل حکومت شوروی، در جمهوری آذربایجان کنونی و بسیاری از نقاط دیگر قفقاز آموزش و پرورش همچنان به همان سبک و سیاق سنتی ایرانی متداول بود. مکتبخانه‌ها معمولاً در جنب مساجد شهرها قرار داشت و امر تدریس را روحانیان عهده‌دار بودند. در مکتبخانه‌های سنتی تهجی و حفظ دو شیوهٔ اصلی فراگیری دروس به شمار می‌رفت. در این مدارس آموزش، نخست بر اساس قرآن کریم و

---

۱. برای آگاهی بیشتر، به فهرست انستیتوی نسخ خطی جمهوری آذربایجان (بخش چهارم) رجوع شود.

بعضی کتب دینی ـ تاریخی همچون جامع عباسی مرسوم بود. اما به تدریج متون ادبی نیز در ردیف کتب درسی جای گرفتند. گلستان و بوستان سعدی در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. بی‌شک چنینی روشی برای سوادآموزان بسیار دشوار بود و امر آموزش را با صعوبت مواجه می‌کرد.

آ. عبدالله‌اف در کتاب «فرازهایی از تاریخ آموزش زبان آذری»[1] به دشواری فراگیری کلام‌ا...مجید بدون آموزش معنی آن و نیز سختی متون کلاسیک برای سنین پایین اشاره می‌کند. البته وی در توصیف زحمتی که کودکان در این راه بر می‌تافتند، تصاویر مدهشی از وضعیت مکتبخانه‌های قدیم می‌دهد که با واقعیت مطابقت چندانی ندارد. شاید اساسی‌ترین دلیل چنین برخوردی، روش افراطی آن باشد که عبدالله‌اف تصور می‌کند، هدف از تدریس متون کلاسیک فارسی، تعلیم زبان ترکی آذری به کودکان بوده است! اگر چه سوادآموزان ترکی زبان مکتبخانه‌های قدیم، پس از فراگیری کتابهایی چون بوستان و گلستان اغلب قادر به قرائت و کتابت ترکی نیز بودند. لیکن در آن روزگار هنوز در مدارس زبان و ادبیات فارسی آموخته می‌شد. آموزش قرآن کریم نیز علاوه بر اهمیت مذهبی دلیل عمدهٔ دیگری نیز داشت. با توجه به اینکه خواندن کلمات به روش تهجّی آموزش داده می‌شد، قرآن کریم به دلیل دارا بودن اعراب و حرکات نقش مهمی می‌توانست داشته باشد. به عبارت دیگر «قرآن کریم» کلیدی‌ترین کتاب در مکتبخانه‌ها بود.

به مرور زمان برای تسهیل در امر آموزش و سامان بخشیدن به آن، به نگارش کتابهای درسی همت گمارده شد. در اوایل به دلیل محدودیت

---

۱. عبدالله‌اف، آ. *فرازهایی از تاریخ آموزش زبان آذری*. باکو: ۱۹۶۶.

امکانات چاپ و نشر، کتابها به صورت نسخ خطی تهیه می‌شد. «خوشنویسان کتابها را رونویسی می‌کردند و این شیوه که علمای متقدم ایجاد کرده بودند چون میراثی نسل به نسل منتقل می‌شد».[1]

مکتبخانه‌ها تا اواخر سده نوزده میلادی همچنان تنها مراکز آموزشی بودند. از اواخر قرن نوزده میلادی در پی بروز جریانهای منورالفکری در قفقاز و نفوذ جلوه‌های تمدن غرب، به تدریج مدرسه‌هایی به سبک فرنگی با نام «مدارس اصول جدید»تأسیس شدند. اما تا اوایل قرن بیستم بعضی از مکتبخانه‌های قدیم جمهوری آذربایجان نیز همچنان به حیات خود ادامه می‌دادند. با رسمیت یافتن و گسترش مدارس نوین، دیگر مکتبخانه‌ها به مدارس علوم دینی تبدیل می‌شدند. همزمان با فعالیت مدارس اصول جدید در جمهوری آذربایجان، نخستین «مدرسه روس و مسلمان» در سال ۱۸۸۷ م. به سعی سلطان مجید غنی‌زاده و حبیب‌بیگ محمودبیگوف از فارغ‌التحصیلان مرکز تربیت معلم الکساندرروفسکی (تفلیس)، در باکو گشایش یافت.[2]

تأسیس مدرسهٔ روس و مسلمان، در واقع سرآغاز حضور زبان روسی در آذربایجان بود. با ایجاد اصول نوین آموزشی، مرحله‌ای جدید در آموزش زبان فارسی آغاز شد. در کوتاه زمانی کتابهای درسی مختلفی برای آموزش این زبان منتشر گردید. مانند: «قانون قدسی» نوشتهٔ عباس قلی آقا باکیخانوف، آثار میرزاکاظم بیگ عابدین‌اف و میرزا جعفر توپچی باشوف، کتاب «دستور ابتدایی برای آموختن زبانهای عربی، فارسی و تاتاری، (به زبان روسی) نوشتهٔ میرصالح بیگ‌چوری، کتاب مکالمات

---

۱. سیداف. *تاریخچه تکامل اندیشهٔ آموزشی در آذربایجان*. باکو: ۱۹۵۸، ص ۱۰.

۲. عبدالله‌اف. *فرازهایی از تاریخ آموزش زبان آذری*. باکو: ۱۹۶۶ صص ۱۲ و ۱۴۳.

فارسی ـ روسی تألیف میرزا جعفر ایرانی به عنوان نخستین آثار علمی چاپ شده در زمینه آموزش زبان فارسی از اهمیتی بسزا برخوردارند. اکثر کتابهای مذکور در دهه‌های پایانی قرن ۱۹ م. منتشر شده‌اند. این کتابها بعدها در تألیف کتب درسی و کمک درسی بسیاری به عنوان منبع، مورد استفاده قرار گرفتند. به دلیل کمبود کتاب درسی مدتی از کتابهای «دستور ابتدایی برای آموختن زبان‌های عربی، فارسی و تاتاری» نوشته میرزاصالح بیگ‌چوری و «مکالمات فارسی ـ روسی» نوشته میرزا جعفر ایرانی در مدارس متوسطه نیز استفاده می‌شد.

برخی کتب درسی که خارج از مرزهای شوروی چاپ شده بودند نیز درآموزش زبان فارسی به کار گرفته می‌شد، مانند: «دستور سخن» تألیف میرزا حبیب اصفهانی (استانبول، ۱۸۷۰ م.)، کتاب بی‌نامی از عبدالسلام تبریزی (تبریز، ۱۸۹۶ م.) و تعلیم لسان فارسی نوشته حسین دانش (استانبول ۱۹۱۲ م.)، از آن جمله‌اند.

دو کتاب «قواعد مختصر فارسی برای مبتدیان» نوشته عبدالسلام آخوندزاده (تفلیس، ۱۸۹۰ م.) و «اصول جدید» نوشته ولی بیگ‌اف (تفلیس و باکو، ۱۸۹۶ م.) نه تنها در آموزش زبان و ادبیات فارسی در گرجستان نقش مهمی داشتند، بلکه در مدارس جمهوری آذربایجان نیز مدتی به عنوان کتب درسی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

با آغاز قرن بیستم، روند تألیف وانتشار کتب ویژه آموزش زبان وادب پارسی (اعم از درسی و کمک درسی) در جمهوری آذربایجان با شتابی مضاعف ادامه یافت، مانند: «کلید ادبیات» نوشته سلطان مجید غنی‌زاده و علی اسکندر جعفرزاده (باکو، ۱۹۰۱ م.)، خزینهٔ اخبار نوشتهٔ ولی بیگ‌اف (تفلیس، ۱۹۰۱ م.)، زبان فارسی تألیف فیضی (باکو، ۱۹۰۵ م.)، تعلیم‌الاطفال تألیف میرزا حسن خان تفرشی (۱۹۰۷ م.)، سنبلستان

نوشتهٔ ملایوسف ذاکرجان (تاشکند، ۱۹۰۸ م.)، «دستور پارسی» و «رهبر سخن» تألیف میرزا محسن (۱۹۰۹ م.)، گلشن ادبیات نوشته عبدالله شایق (باکو، ۱۹۱۰ م.) و بدرقهٔ اطفال نوشتهٔ رازی محمدزاده (۱۹۱۶ م.)... برجسته‌ترین آثاری است که از ابتدای قرن بیستم میلادی تا انقلاب اکتبر و آغاز سلطه کمونیستها منتشر شده است. می‌بینیم که ۱۶ سال نخست قرن بیستم درخشانترین دورهٔ آموزش زبان و ادب پارسی در جمهوری آذربایجان و دیگر نقاط قفقاز بوده است. با آغاز سلطهٔ کمونیستها (از سال ۱۹۱۷ م.) آموزش و پرورش آن دیار دچار دگرگونی عظیمی گشت.

به سال ۱۹۲۵ م. کنگرهٔ معلمان در باکو برگزار شد، تا شیوه‌های دیگری برای آموزش و پرورش اتخاذ شود. آخرین نشانه‌های آموزش سنتی نیز برچیده شد. از سال ۱۹۱۷ م. آموزش بر اساس الفبای لاتین آغاز شد و در مدارس جمهوری آذربایجان زبان روسی به عنوان زبان دوم جای فارسی را گرفت. «از سال ۱۹۲۸ م. تا آغاز جنگ جهانی دوم، به هیچ کتابی در زمینه آموزش زبان فارسی در مدارس آذربایجان بر نمی‌خوریم.»[1]

اما با آغاز جنگ جهانی دوم می‌بینیم که حکومت کمونیستی از هیچ تلاشی برای بسیج مردم فروگذار نمی‌کند و حتی در این راستا به طور موقت از برخی آمال خود نیز چشم فرو می‌پوشد، به طوری که در سالهای جنگ، درهای مساجد دوباره گشوده می‌شود و حتی مسجدها به مراکز بسیج نیروهای مردمی تبدیل می‌شوند. در همین راستا و نیز برای تظاهر به دوستی با همسایهٔ جنوبی خود (ایران) دیگرباره آموزش زبان فارسی

---

۱. توفیقی، ر. *اسلوب آموزش زبان فارسی در کلاس پنجم*، (رسالهٔ کارشناسی ارشد) باکو: ۱۹۷۲، ص ۴۹.

در جمهوری آذربایجان و برخی جمهوری‌های دیگر آغاز می‌شود.

البته این بار فعالیت در زمینه زبان فارسی بیشتر در دانشکدهٔ شرق‌شناسی دانشگاه دولتی باکو متمرکز می‌شود. کتاب درسی زبان فارسی (برای روسی زبانان) نخستین کتابی است که در دوره تجدید حیات فارسی منتشر شده است، (۱۹۴۰ م.) بعدها کتابهایی چون: منتخبات (۱۹۴۶ م.) و زبان فارسی (۱۹۵۲ م.) منتشر می‌شود که هر دو توسط آذری مدیر کرسی زبانهای خاور نزدیک نوشته شده بود. سال ۱۹۵۷ م. کتاب درسی «زبان فارسی» (برای کلاسهای چهارم و پنجم) توسط آذری و علیزاده منتشر می‌شد. از سال تحصیلی ۵۷ ـ ۱۹۵۶ تدریس زبان فارسی در مدارس متوسطه مجدداً آغاز می‌گردد. از سال ۱۹۶۲ م. چاپ کتب درسی برای آموزش فارسی بار دیگر سرعت گرفت. مؤلفان این کتابها اغلب از میان اساتید و فارغ‌التحصیلان دانشکدهٔ شرق‌شناسی بودند.

آموزش زبان فارسی در جمهوری آذربایجان از سالهای نخست دههٔ شصت میلادی به سه شکل ادامه یافت:

الف. مدارسی که در آنها تدریس زبان فارسی از کلاس پنجم شروع می‌شد.

ب. مدارسی که زبان فارسی در آنها از کلاس دوم به عنوان زبان خارجی تدریس می‌شد.

طبق گزارش انستیتوی تعلیم و تربیت علمی ـ پژوهشی آذربایجان (شعبه روش تدریس زبانهای خارجی) تا سال ۱۹۷۲ م. در پنج مدرسه جمهوری آذربایجان تدریس زبان فارسی از کلاس دوم صورت می‌گرفت:

۱. مدرسه شماره یک نخجوان، (از سال ۱۹۶۲)

۲. مدرسه شماره ۱۶۲ ناحیه اکتبر باکو (از سال تحصیلی ۶۴ـ۱۹۶۳)

۳. مدرسه شماره ۶۲ ناحیه شائومیان باکو، (از سال ۱۹۶۴)

۴. مدرسه شماره ۱۹۰ باکو ـ مدرسه ۲۶ کمیسر باکو، (از سال ۱۹۶۳)

۵. مدرسه شبانه‌روزی شماره ۴ جمهوری، (از سال تحصیلی ۷۳ ـ ۱۹۷۲)

ج، همچنین در یکی از مدارس جمهوری آذربایجان زبان فارسی از کلاس اول تدریس می‌شد: مانند مدرسه شبانه‌روزی شماره ۴ جمهوری آذربایجان.

بر اساس آیین‌نامه شماره ۷۶۹ تصویب شده در جلسه ۲۵ اکتبر ۱۹۶۵ شورای وزیران جمهوری آذربایجان، از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ تدریس زبان فارسی در مدرسه شبانه‌روزی شماره ۴ جمهوری از دوره آمادگی آغاز می‌شد.

اما به دلیل یک سری محدودیتها از سال تحصیلی ۷۳ ـ ۱۹۷۲ تدریس زبان فارسی از کلاس دوم شروع می‌شود.[1]

بعد از استقلال جمهوری آذربایجان ارتباط فرهنگی میان ایران و جمهوری آذربایجان گسترش یافت و در حال حاضر تعداد مدارس ایرانی در باکو و نواحی اطراف روبه فزونی است. بی‌شک آموزش زبان فارسی در سر لوحه کار این مدارس جای دارد.

بر اساس آخرین اطلاعاتی که از وزارت تحصیل جمهوری آذربایجان کسب کرده‌ایم. زبان فارسی در مدارس زیر تدریس می‌شود.

۱. *باکو:* مدارس شماره ۱۳، ۱۶۱، ۱۹۰، ۴ (شبانه روزی)، ۱۶۰، ۶۲، مدرسهٔ بالاخانی، مدرسهٔ ماشتاغا و مدرسهٔ شبانه روزی مردکان.

۲. ***نخجوان***

---

۱. آذربایجان معلّمی Азэрбајчан МҮэлл uMu. (هفته‌نامه). باکو: ۳۰ آوریل ۱۹۶۹.

۳. *لنکران:* در دو مدرسه (یک مدرسه در شهر لنکران و یک مدرسهٔ روستایی)

۴. *آستارا:* مدرسهٔ شبانه روزی شماره ۴.

۵. *جلیل‌آباد:* در یک مدرسهٔ روستایی.

۶. *ماساللی:* مدارس روستاهای قودمان کندی و تازه کند

۷. *سومقاییت:* شش مدرسه

۸. *گنجه:* شش مدرسه

۹. *شماخی:* دو مدرسه

۱۰. *شمکیر:* دو مدرسه

۱۱. *قوبا (= قوبه):* دو مدرسه

۱۲. *ترتر:* دو مدرسه

۱۳. *خاچمز:* دو مدرسه

۱۴. *آغستافا، بردعه، سالیان، صابرآباد و علی بایراملی* هر کدام یک مدرسه

در هر پنج سال یک بار دوره‌ای برای بازآموزی و تکمیل تخصص آموزگاران و معلمان تشکیل می‌شود. آخرین بار در سال ۱۹۹۵ توسط گروهی از معلمان زبان فارسی در انستیتوی کل بازآموزی و تکمیل تخصص، کادرهای آموزشی تشکیل شد. علاوه بر این هر سال در در ماه اوت (قبل از آغاز سال تحصیلی) کنگرهٔ معلمان در هر شهرستان تشکیل می‌شود. در این کنگره توصیه‌های لازم ارائه می‌شود.

تعداد معلمان زبان فارسی در مدارس جمهوری آذربایجان به قرار زیر است:

مدرسهٔ شبانه روزی شماره ۴ باکو (بزرگترین مدرسهٔ زبان فارسی) ـ معلم ۲۳

مدرسهٔ شماره ۱۹۰ باکو و ۱۶۱ باکو ـ هرکدام ۴ معلم
مدرسهٔ شماره ۶۲ ـ ۷ معلم
مدرسهٔ مردکان ـ ۶ معلم
مدارس شهرستان لنکران ـ ۴ معلم
مدرسهٔ آستارا ـ ۲ معلم
در بقیهٔ مدارس زبان فارسی نیز یک یا دو معلم به تدریس زبان فارسی اشتغال دارند.

کتابهای درسی و کمک درسی برای آموزش زبان فارسی

برای تدریس زبان فارسی در مدارس جمهوری آذربایجان تاکنون کتابهای بسیاری منتشر شده است؛ مؤلفان این کتابها از میان ادبا و مدرسان زبان فارسی‌اند. مهمترین کتب در این زمینه مربوط به مدارس متوسطه و مراکز آموزش عالی است.

الف ـ کتابهای درسی مدارس:

۱. ***اصول جدید لسان فارسی***. تألیف: صفرعلی بیگ ولی بیگ‌اف

ولی بیگ‌اف خود از معلمان دوره متوسطه بود. کتاب ۱۶۰ صفحه‌ای «اصول جدید لسان فارسی» شامل: الفبا، خوشنویسی، شعرها، داستانهایی برای قرأت، تمارین دستوری و معلومات جغرافیایی است. در ۴ صفحه نخست کتاب زیر عنوان «سرمشق» نمونه‌هایی از خوشنویسی به خطهای نستعلیق و شکسته آمده است. در این بخش آموزش الفبا نیز در نظر گرفته شده است. مؤلف ضمن نشان دادن اشکال حروف مختلف مثالهای مختلفی برای هر حرف آورده است. در صفحه ۱۶ اطلاعاتی

مختصر پیرامون مصوتات، صامتها و حرکات و نیز حروف شمسی و قمری داده است.

سپس دربارهٔ اعداد اصلی، ترتیبی و کسری بحث می‌شود. از صفحه ۱۹ تا ۵۰ کتاب داستانها و حکایات ساده، کوتاه و شیرینی با در نظر گرفتن دروس گذشته آمده است. نمونه‌های منظوم و منثور گوناگونی که صفرعلی‌بیگ از شاعران و نویسندگان کلاسیک و نیز فرهنگ عامهٔ ایران برگزیده چه از نظر ادبی ـ آموزشی و چه به لحاظ مضمون در سطح مطلوبی است. برای همین در اکثر کتب درسی و کمک‌درسی آموزش زبان فارسی در جمهوری آذربایجان به این کتاب استناد و اشعار و حکایاتی از آن نقل می‌شود. از جمله در کتابهای فارسی، آدمک نان قندی، آدم و شیر و لقمان، پدران و پسران و...

در صفحه ۵۰ ضمایر شخصی و صرف آنها آموزش داده می‌شود. در صفحات بعد مباحثی چون اسم ذات و اسم معنی، مفرد و جمع و افعال کمکی مطرح می‌شود. پرسش و پاسخهایی که از صفحهٔ ۱۱۲ تا ۱۲۶ و ۱۳۰ تا ۱۳۶ آمده، بیشتر برای تقویت مکالمهٔ فارسی‌آموزان است. حکایات و داستانهای کتاب اصول جدید، اغلب حاوی مضامین اخلاقی، تربیتی و دینی است. در بخش پایانی کتاب حدود ۱۵ صفحه درباره جغرافی آمده است؛ این بخش را می‌توان جغرافیای مختصر کشورها و قاره‌ها نامید. در این کتاب درسی جای برخی توضیحات دستوری و نیز واژه‌نامه خالی است. همچنین در کتاب تکالیف و پرسشهای مربوط به متون نیامده است. با اینهمه کتاب مذکور به عنوان گام نخست در آموزش نوین زبان فارسی حائز اهمیت است. اصول جدید لسان فارسی به سال ۱۸۹۶م. در بادکوبه طبع یافته است.

۲. **دستور *پارسی*.** تألیف: میرزا محسن ابراهیمی

این کتاب برای شاگردان کلاس اول نوشته شده است. دستور پارسی به زبان فارسی سال ۱۹۰۹م. در باکو چاپ شده است. مؤلف کتاب از طرف وزارت فرهنگ ایران برای تدریس زبان و ادب فارسی به جمهوری آذربایجان اعزام شده بود. میرزا محسن معلم ادبیات مدرسه سعادت باکو بود. کتاب دستور پارسی چنانکه از عنوانش نیک پیداست برای آموزش دستور زبان فارسی به زبانی ساده نگاشته شده است. این کتاب ۳۱ صفحه‌ای به شیوه پرسش و پاسخ تنظیم شده است. «دستور پارسی» با سؤالی در تعریف دستور سخن شروع می‌شود و سپس با مباحثی چون اصوات حروف و کلمات ادامه می‌یابد. میرزا محسن کلمه را به سه قسم تقسیم می‌کند: اسم، فعل، حرف

او در تعریف اسم می‌نویسد: «اسم کلمه‌ای است که می‌فماند یک معنا را بی‌زمان؛ چون در، پنجره»[۱] و در تعریف فعل می‌گوید: «کلمه‌ای است که می‌فهماند یک معنا را با زمان؛ چون خواند، بخوان، خواهد خواند»[۲]. و در ادامه تعریف حرف می‌آید: «کلمه‌ای که به تنهایی معنی درست نمی‌فهماند؛ چون: از، در، با، بر، به»[۳]. همانگونه که از تعاریف بالا برمی‌آید مؤلف در تألیف کتاب، بیشتر به دستور زبان عربی نظر داشته است و حتی می‌توان گفت تعاریف مذکور برگردان تحت‌اللفظی جملات عربی است.

در کتاب بخشی با عنوان اسم زمان آمده است. در حالیکه این ناقض تعریف اسم می‌باشد و در واقع آنچه به عنوان اسم زمان نام برده شده قید زمان است.

۱، ۲، ۳. ابراهیمی، م: **دستور *پارسی*.** بادکوبه: مطبعهٔ برادران اوروج‌اف، ۱۳۲۷ هـ ص ۳.

در ادامه تعریف مصدر و زمانهای مختلف فعلی با تصریف نمونه‌هایی می‌آید.

بحث دربارهٔ تغییر و تبدیل حروف افعال به هنگام تصریفِ آنها از مباحث جالب «دستور پارسی» است. گرچه در این بخش نیزگاه به موارد ضد و نقیض برمی‌خوریم.

در صفحهٔ ۲۰ کتاب بخشی با عنوان «دراسماء» آمده است. در این بخش به اجزای مختلف کلام (اسم، صفت، عدد، ضمیر، قید) پرداخته می‌شود.

میرزامحسن اعداد را به پنج دستهٔ: اصلی، ترتیبی، کسری، توزیعی و مجموعی، تقسیم می‌کند. صفات نیز به پنج نوع تقسیم شده است: صفت عادی، صفت تفضیلی، صفت عالی، صفت افراطی، (که همان صیغه مبالغه عربی است) صفت متساوی (صفت متساوی آن است که برابر بودن در موصوف را می‌فهماند چنانکه‌گویی: این چندان بزرگ است که آن ـ آن چندان باریک است که این.) مبحث بعدی مربوط به ضمایر است. که بر سه نوع‌اند: ضمیر شخصی، ضمیر نسبی (اضافی) و ضمیر فعلی. و در صفات پایانی کتاب بخش ادوات آمده است. مؤلف در این بخش به مضافٌ‌الیه، حروف ندا، حرف ربط، ادات و پسوندهای کلمه‌ساز می‌پردازد و در هر مورد نمونه‌هایی ارائه می‌شود. با توجه به اینکه «دستور پارسی» به عنوان یک کتاب درسی تألیف یافته شایسته‌تر بود در، آخر هر مبحث تکالیف و تمارینی برای دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شد. اما کتاب فاقد این ویژگی است.

۳. *زبان فارسی (برای کلاسهای چهارم و پنجم).* تألیف: علی آذری ـ حسن علیزاده

این کتاب درسی در سال ۱۹۵۷م، منتشر شده است. «زبان فارسی» شامل ۳۰۰ صفحه و ۳۸ درس می‌باشد. حدود ۸۰ صفحه از کتاب به آموزش الفبای فارسی، اشکال و شیوه‌های مختلف نگارش حروف و نیز ویژگیهای فونتیکی آنها اختصاص یافته است.

در پایان این قسمت (صفحه ۸۱) جدول الفبای فارسی آمده است. در جدول،ترتیب و نام حروف و شکل چاپی و تحریری آنها نشان داده شده است و پس از آن متون جابی دارد. نکات و توضیحات دستوری بر اساس این متون تنظیم شده است. علاوه بر این، تکالیف و تمرینهایی نیز در پایان هر درس داده شده، هر چند مؤلفان کتاب در همهٔ موارد این روش را رعایت نکرده‌اند.

این کتاب شامل مباحث و مقوله‌های مختلف دستوری است. و در آن «زبان فارسی» جدول افعالی بی‌قاعدهٔ پرکاربرد و نیز واژه‌نامهٔ فارسی - آذربایجانی (با آوانویسی) آمده است. چاپ دوم کتاب درسی مذکور به سال ۱۹۶۱م. منتشر شده است. بسیاری از نواقص و نارسایی‌های کتاب در این چاپ تا حدودی رفع شده است.

تکالیف کتاب «زبان فارسی» برای کلاسهای چهارم و پنجم در این چاپ به شکل سؤال و جواب ترتیب یافته و برای تقویت قرائت فارسی‌آموزان چندنامه نیز به کتاب افزوده شده است. در چاپ دوم لغتنامهٔ هر درس در پایان همان درس جای گرفته است. در کتاب درسی «زبان فارسی» تألیف آذری و علیزاده، نمونه‌هایی از خط نستعلیق برای آموزش خوشنویسی همچنین تعلیم قرائت و کتابت خط نستعلیق ارائه شده است. چاپ دوم کتاب شامل ۳۷ درس است. یعنی درس ۳۸ در این چاپ حذف و در واقع به بخش تمارین قرائت منتقل شده است.

افزون بر آنچه نوشته آمد بیشترین تغییرات چاپ دوم در بخش

آموزش الفبا صورت گرفته است. (اشکال حروف در چاپ دوم به طـور کامل آمده است.)

۴. *زبان فارسی (برای کلاسهای ششم و هفتم)*. تألیف: علی آذری ـ نیرزمان حاتمی

کتاب درسی «زبان فارسی» (برای کلاسهای ششم و هفتم) بـه سـال ۱۹۵۹م. از سوی آذرنشر در باکو منتشر شده است. این کتاب درسی ۲۵۶ صفحه است و بر اساس قاعدهٔ زیر شکل گرفته است: ۱ ـ متون درسی، ۲ ـ توضیحات دستوری، ۳ـ تکالیف.

البته در مواردی این نظم و تـرتیب بـه هـم خـورده است: در بـعضی دروس توضیحات دستوری بعد از تکالیف آمده است و در بعضی موارد نیز توضیحات دستوری نیامده و فقط به تکالیف اکتفا شده است. گاه هم بعد از متون درسی و هم بعد از توضیحات دستوری تکلیفهایی داده شده است. در بخش توضیحات دستوری بیشتر به صرف پرداخته شده است تا نحو. در این کتاب قسمتی با عنوان لغات هست که در آن بـه مـترادفـات پرداخته می‌شود. در بخش توضیحات فونتیک پیرامون تلفظ حرف اضافه «از» و حرف ربط «و» در شعر بحث می‌شود.

در مبحث نحو فقط از ساختمان جملهٔ ساده سخن به میان می‌آید.

درباره عبارات نیز معلومات مختصری داده شده است.

شمار تکالیفی که در هر درس آمده معمولاً بـین دو تـا هشت مـتغیر است. از صفحه ۱۹۱ تا ۲۲۱ اشعار داستانها و حکایاتی کوتاه و شـیرین برای قرائت آمده است.

بعد از ایـن بـخش لغـتنامهٔ تـوضیحی ـ آوایـی فـارسی ـ آذربـایجانی جای دارد.

در این کتاب نیز در پایان تکالیف، عبارات یا جمله‌ای حکمت‌آمیز به خط نستعلیق نگاشته شده است.

۵. *زبان فارسی (برای کلاس پنجم)*. مؤلفان: سلطان‌اف ـ رحمانی

کتاب درسی مذکور به سال ۱۹۶۲م. از سوی انتشارات معارف باکو به چاپ رسیده و شامل ۱۳۶ صفحه است. این کتاب نیز با آموزش الفبا شروع می‌شود. در این قسمت علاوه بر آشنایی با الفبا درباره اصول تلفظ و نگارش فارسی نیز اطلاعات لازم داده می‌شود.

متون کتاب به دو شکل کتابی و تحریری ترتیب یافته است. بخشهای مربوط به تقویت قرائت اعراب گذاری شده تا به تلفظ صحیح کلمات یاری کند. به طور کلی دروس کتاب «زبان فارسی» (برای کلاس پنجم) از سه بخش عمده تشکیل یافته است: متون برای فراگیری کتابت و قرائت، لغتنامه مربوط به هر متن، تکالیف

تکالیف و تمارین کتاب شامل نمونه‌هایی از خط نستعلیق، ترجمه و آوانگاری و تمرینهای مصور است. از صفحه ۱۰۳ تا ۱۱۶ متون دیگری برای قرائت آمده است. این بخش شامل مکالمات اشعار و حکایات و داستانهاست. کلمات و ترکیبات تازهٔ متن در لغتنامه پایانی هر درس با ذکر معنا و آوانگاری جای می‌گیرد.

در بخش توضیحات دستوری معلوماتی درباره پسوندهای جمع، حروف اضافه و ضمایر شخصی می‌خوانیم. در صفحات ۲۴، ۶۹، ۹۳ جدول حروف تدریس شده تا آن صفحه‌ها آمده است. و در صفحه ۱۰۲ جدول کامل شامل اسامی و اشکال حروف الفبا و تلفظ هر حرف جای دارد. در پایان کتاب لغتنامه آوایی ـ توضیحی فارسی ـ آذربایجانی قرار دارد. چاپ دوم کتاب «زبان فارسی» (برای کلاس پنجم) در سال ۱۹۶۶م.

نشر یافته است.

اگرچه در این چاپ سعی شده معایب و اشکالات چاپ نخست بر طرف شود، اما هنوز بسیاری از نواقص و اشکالات بر جای مانده است. در چاپ دوم کتاب بر خلاف چاپ نخست نمونه‌های خط تحریری نظم و ترتیب یافته است. تصاویری که با متون کتاب مطابقت نداشت، و نیز یک سری کلمات قدیم که در زبان و ادبیات معاصر کاربردی ندارند حذف شده‌اند.

چاپ دوم کتاب «زبان فارسی» (برای کلاس پنجم) تألیف سلطان‌اف و رحمانی ۱۳۲ صفحه است.

۶. *زبان فارسی (برای کلاس ششم)*. تألیف: شفایی ـ رضایووا

کتاب ۱۲۰ صفحه‌ای «زبان فارسی» (برای کلاس ششم) در سال ۱۹۶۲م. منتشر شده است. این کتاب نسبت به کتب درسی پیشین از موفقیت بیشتری برخوردار است. این موفقیت نتیجهٔ روش علمی است که مؤلفان در تألیف کتاب رعایت کرده‌اند. کتاب شامل چهار خط کلی است: ـ متون و مکالماتی در موضوعات مختلف به منظور تقویت قرائت، لغتنامه آوایی ـ توضیحی مربوط به هر درس، توضیحات دستوری مرتبط با متن درس، تکالیفی درباره متون و نکات دستوری آنها.

تکالیف شامل جمله‌سازی، خوشنویسی و پرسش و پاسخ می‌باشد.

از صفحه ۸۳ تا ۹۸ نمونه‌هایی منظوم و منثور از ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی به عنوان تمارین قرائت آمده است.

علاوه بر لغتنامه آخر هر متن درسی، در پایان کتاب نیز لغتنامه‌ای شامل همه لغات و معانی مذکور در لغتنامه‌های آخر متون جای دارد.

کتاب «زبان فارسی» (برای کلاس ششم) در سال ۱۹۶۶م. مجدداً به

سعی احمد شفایی و خانم آنیا علی‌اکبروا به چاپ رسیده است. چاپ دوم نسبت به چاپ نخست کاملتر است به ویژه اینکه مؤلفان بر تکالیف و نمونه‌ها افزوده‌اند. در سال ۱۹۹۳م. چاپ دیگری از کتاب «زبان فارسی» (برای کلاس ششم) به کوشش محموداف منتشر شده است.

۷. *زبان فارسی (برای کلاسهای هفتم و هشتم)*. تألیف: سلطان‌اف، محموداف و نظرلی

این کتاب شامل ۲۳۲ صفحه است و برای دانش‌آموزان کلاسهای هفتم و هشتم متوسطه در نظر گرفته شده است.

کتاب مذکور به سال ۱۹۶۴م. از سوی انتشارات ادبیات آموزشی منتشر شده است. کتاب «زبان فارسی» (برای کلاسهای هفتم و هشتم) شامل ۳۲ درس می‌باشد که از صفحهٔ ۳ تا ۹۱ برای دانش‌آموزان کلاس هفتم و از صفحهٔ ۹۱ تا ۱۷۲ برای دانش‌آموزان کلاس هشتم در نظر گرفته شده است. مطالب مختلف مربوط به قرائت و ترجمه به طور مشترک از صفحه ۱۷۶ تا ۲۰۵ قرارداد. در این قسمت علاوه بر تقویت قرائت، آموزش ترجمه از فارسی به آذربایجانی نیزمد نظریات. هر درس کتاب معمولاً شامل سه قسمت است: ـ متون درسی، نکات و توضیحات دستوری، تکالیف و تمرینها.

دروس کتاب با توجه به سطح معلومات دانش‌آموزان کلاس هفتم و هشتم متوسطه و به شیوه گام به گام تنظیم شده است. در پایان هر متن درسی، معانی و تلفظ لغات و ترکیبات تازه می‌آید.

متون درسی در موضوعات مختلف اجتماعی، علمی و... می‌باشد. در بخشهای دستوری دربارهٔ «ی» نکره مصدری، نسبت و وحدت، اعداد کسری و اعشاری، ضمایر مبهم و مشترک، مشتقات، ساختمان افعال و

شکل و زمان آنها، افعال کمکی، قیدهای زمان، مکان، کمیت و کیفیت بحث می‌شود. همه این موارد در واقع زیر مجموعه‌های مبحث صرف به شمار می‌روند.

در بخش نحو به همهٔ مقوله‌های نحوی پرداخته می‌شود. برای تأکید و نیز تسهیل در فراگیری، زیر نکات دستوری مهم خط کشیده شده است.

یکی از ویژگیهای کتاب مورد بحث معلومات نسبتاً مفصلی است که در هر موضوع دستور ارائه می‌شود. تکالیف و تمارین درسی با سؤالاتی در ارتباط با متن درس شروع می‌شود، سپس تکالیف دستوری و تمرینهای ترجمه از فارسی به آذربایجانی وبالعکس می‌آید. در پایان بخش تکالیف جملات و عبارات حکمت‌آمیزی به خط نستعلیق اضافه شده است. (همانطوریکه قبلاً نیز اشاره شده است این قسمت هم به منظور عادت به خواندن و نوشتن خط تحریری و هم برای تمرین خوشنویسی می‌باشد.)

از صفحه ۱۲۲ تا ۱۷۵ فهرست افعال پرکاربرد فارسی به ترتیب الفبا با ذکر ریشه و معنای ترکی آذری آنها چاپ شده است. بعد از این فهرست متون نظم و نثر برای تمرین قرائت و ترجمه آمده که شامل حکایات حکمی ـ اخلاقی و اشعار و تمثیلات است و در پایان لغتنامه فارسی ـ آذربایجانی (با آوانویسی) جای دارد.

چاپ دوم کتاب در سال ۱۹۶۶م. منتشر شده است. در این چاپ جز افزودن بر نمونه‌ها تفاوت چندانی به چشم نمی‌خورد.

۸. ***زبان فارسی (برای کلاسهای نهم، دهم و یازدهم)***. مؤلفان: حاتمی ـ رستم اوا

این کتاب درسی ۲۶۸ صفحه‌ای در سال ۱۹۶۵م. از سوی آذر تدریس

نشر در باکو منتشر شده است. کتاب شامل ۳۸ درس می‌باشد. در بخش متون علاوه بر بحث درباره زندگی و آثار شخصیتهای برجسته چون ابن‌سینا، سعدی، فردوسی و عمرخیام نیشابوری، نمونه‌هایی از ادبیات ایران و شوروی (ترجمه فارسی) گرد آمده است. مطالب دروس نسبت به کتابهای قبل، مفصلتر و در عین حال ثقیل‌تر و پیچیده‌تر است. در بخش دستوری درباره اسم، صفت، ضمایر متصل و شخصی، کاربرد فعل و نیز قید به طور مشروح سخن به میان می‌آید.

تکالیف درسها نیز بیشتر به ارتقاء سطح ترجمه در دانش‌آموزان نظر دارد. همچنین بعضی از تکالیف به منظور تقویت قدرت تلکم به فارسی به شکلهای مکالمه‌ای داده شده است. برای درک بهتر دانش‌آموزان، در کتاب تصاویر و جداول مختلفی جای گرفته‌اند. در پایان درس، جمله، ضرب‌المثل یا بیتی به خط نستعلیق نگاشته شده تا دانش‌آموزان آن را به خاطر بسپارند.

از صفحه ۱۸۹ تا ۲۱۳ متون قرائت و در پایان هر متن لغتنامه به چشم می‌خورد. یکی از نکات جالب در کتاب «زبان فارسی» (برای کلاسهای نهم، دهم، یازدهم) گردآوری ضرب‌المثلهای فارسی است. که دانش آموزان در طول چند سال تحصیل آموخته‌اند. این ضرب‌المثلها به ترتیب الفبایی از صفحه ۲۵۵ تا ۲۶۱ آمده است. در مقابل هر ضرب‌المثل فارسی معادل آذری آن قرار گرفته است. ضرب‌المثلهایی که معادل آذربایجانی ندارند، فقط در داخل پرانتز معانی آنها مذکور است. برای نمونه چند ضرب‌المثل این کتاب نقل می‌شود.

۱. اول اندیشه وانگهی گفتار، (اول دوشون، سونرا دانیش!)، ۲. پس از دشواری آسانی است ناچار، (چتینلیکدن سونرا، آسانلیق ضروری‌دیر)، ۳. زمانه را چو نکو بنگری همه پند است. (زمانه یه یاخشی باخسان،

باشدان ـ باشا اؤیود ـ نصیحت‌دیر)
۴. نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود. (چکمه‌سن جفا، سورمزسن صفا)[1]
چاپ دوم «کتاب فارسی» که به سعی حاتمی و رستم اوا تألیف یافته در سال ۱۹۶۶م. بدون هیچ تغییر اساسی به چاپ رسیده است. در این چاپ فقط به دلیل تغییر در نظام آموزشی جمهوری آذربایجان و حذف کلاس یازدهم به جای «زبان فارسی» (برای کلاسهای نهم، دهم و یازدهم) «زبان فارسی» (برای کلاسهای نهم و دهم) ذکر شده است.

۹. *الفبا*. تألیف: رستم اوا

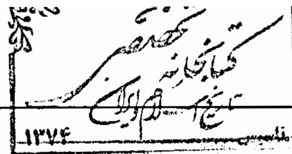
کتاب «الفبا» به سال ۱۹۶۶م. از طرف انتشارات معارف منتشر شده است. این کتاب ۱۳۶ صفحه‌ای به منظور آموزش الفبای فارسی به دانش‌آموزان کلاس اول، ترتیب یافته است. برای همین کتابی است مصور و جذاب.

در هفده صفحه اول کتاب تصاویری در ارتباط با مضامین مختلف چاپ شده است. پس از آن برای تدریس هر حرفی تصویر، کلمات و جملاتی آمده است. در این کتاب همچون کتابهای فارسی اول ابتدایی مدارس ایران هر حرفی که آموزش داده می‌شود، به رنگ قرمز نوشته شده است. در پایان صفحه اشکال مختلف یک حرف با مثالهایی آمده است.

در این کتاب از تمرینهای مختلف متناسب با سن و سطح معلومات پارسی‌آموزان استفاده شده است. با حذف حرفی از یک کلمه یا کلمه‌ای

---

۱. حاتمی، ن. ـ رستم‌اوا، ت: *زبان فارسی* (برای کلاسهای نهم، دهم و یازدهم)، باکو: آذر تدریس نشر، ۱۹۶۵ صص ۲۶۱ ـ ۲۵۱.



از جمله به جای آن نقطه‌چین آمده تا دانش‌آموزان خود آن را کامل کنند.

مضامین کتاب درسی «الفبا» با سن و سطح معلومات کودکان تناسب کامل دارد. همچنین این کتاب به زبانی ساده و روشن نگاشته شده است. در آخر کتاب جدول الفبای فارسی با ذکر ترتیب و اسامی حروف‌الفبا و نیز اشکال کتابی و تحریری آنها درج شده است. این کتاب بر خلاف کتابهای آموزش الفبای دیگر به شکلی منظم و با تمرینهای مصور رنگی ترتیب یافته است.

۱۰. *کتاب زبان فارسی*. مؤلفان: حاتمی ـ علی‌اکبراوا

کتاب زبان فارسی برای دانش‌آموزان کلاس دوم مدرسه متوسطه تخصصی زبان فارسی در نظر گرفته شده است. (باکو ۱۹۶۸م.)

کتاب در بردارندهٔ ۲۷۲ صفحه (متون، نکات و توضیحات دستوری و تکالیف) می‌باشد. متون این کتاب نیز برای درک بهتر با تصاویر رنگی همراه است. علاوه بر تمرینهای دستوری مصور بعضی از متنها نیز مکالماتی است که با تصویر همراه است. تکالیف مربوط به متون تحت عنوان «در شکل چه می‌بینیم» آمده است. نکات و توضیحات دستوری کتاب زبان فارسی زیر عنوان «توجه کنید» ذکر شده است.

در تمرینها نمونه‌های دیگری با عنوان «پیدا کن ببینم» نیز هست. در این کتاب درسی اشعار و متون شیرین و جالب برای کودکان در نظر گرفته شده است. تفاوت کتاب مذکور با کتابهایی چون «اصول جدید» و «دستور پارسی» و «رهبر سخن» در آن است که در این کتاب بر خلاف کتب درسی مذکور به جای کلی‌گویی توضیحات ساده و ضروری به همراه مثالهای کافی و تکالیف و تصاویر آمده است. در حالیکه کتب درسی متقدم فاقد چنین خصوصیاتی بودند.

۱۱. *زبان فارسی (برای کلاس سوم متوسطه مدرسه تخصصی زبان فارسی).*
محمد آقاسلطانوف ـ راغبه آخوندوا

کتاب مذکور شامل ۳۰۰ صفحه می‌باشد و به سال ۱۹۷۱م. منتشر شده است. این کتاب در واقع ادامهٔ کتابی است که برای کلاسهای اول و دوم تألیف یافته. مؤلفان از روش گام به گام استفاده کرده‌اند. برای افزودن به دایرهٔ لغات شاگردان در پایان هر درس لغتنامه‌ای شامل مترادفات جای گرفته است. نکات دستوری این کتاب زیر عنوان «دقت کنید» ارائه می‌شود. همهٔ متون نکات دستوری و تکالیف کتاب به شیوه‌ای ساده و قابل فهم و همراه با اشکال و تصاویر تنظیم شده است. شمار تکالیف هر درس بین سه تا هفت متغیر است و شامل مکالمات مصور می‌باشد. علاوه بر تمرینها و تکالیفی که برای تقویت مکالمه داده شده برای تمرین نگارش و خوشنویسی نمونه‌هایی به خط نستعلیق آمده است. در کتاب گاه به چیستانهای ساده فارسی نیز برمی‌خوریم. اشعار کتاب درسی زبان فارسی برای کلاس سوم از میان آثار استاد شهریار، صمدوورغون، لاهوتی، ایرج میرزا، یحیی‌دولت‌آبادی، حبیب یغمایی، نظامی گنجه‌ای، عبدالله شایق و نعیم شیرازی انتخاب شده است. ترجمهٔ منظوم اشعار توسط پروفسور احمد شفایی صورت گرفته است.

از صفحه ۲۷۶ تا ۲۹۶ مطالب و متون مربوط به قرائت آزاد در منزل، جای گرفته است. این قسمت بیشتر شامل حکایات و داستانهاست. در پایان هر حکایت یا قصه فرهنگ مختصر مترادفات آمده که در گسترش دایرهٔ واژگانی فارسی‌آموزان مؤثر است.

۱۲. *کتاب زبان فارسی (برای کلاس چهارم مدرسه متوسطه تخصصی فارسی).*
مؤلفان: شفایی ـ محموداف

این کتاب ۳۰۲ صفحه‌ای به سال ۱۹۷۲م. از سوی انتشارات معارف چاپ شده است. اگرچه بسیاری از متون این کتاب از کتب درسی پیشین برداشته شده لیکن متنهای تازه‌ای در رابطه با علوم و فنون معاصر نیز به آن افزوده شده است. در پایان متن هر درس معانی لغات و ترکیبهای تازه و دشوار آمده. در لغتنامه معانی و مترادفات ساده کلمات و ترکیبات دشوار فارسی ذکر شده است. در پایان هر متن نمونه‌هایی از آثار سعدی، فردوسی و ناصرخسرو به خط نستعلیق درج شده است. در کتاب بخشهایی با عنوان «عبارات و ترکیبها» هست که در آن طرز کاربرد درست ترکیبات و عبارات، آموزش داده می‌شود. در قسمت «پرسشها» سؤالاتی در رابطه با متن هر درس طرح می‌شود. در جداول «مقایسه کنید» تفاوت زبان محاوره‌ای و زبان ادبی با دادن نمونه‌هایی از نظم و نثر نشان داده می‌شود. همچنین در جداولی با عنوان «دقت کنید» بعضی اطلاعات و توضیحات ضروری، مذکور است. به عنوان مثال:

(بچه گوسفند را «بره» می‌گویند ـ بچه بز را «بزغاله» می‌گویند ـ بچه اسب را «کره اسب» می‌گویند).[1]

همچون کتابهای درسی دیگر در این کتاب نیز تکالیف مربوط به قرائت و نگارش آمده است. در کتاب به نمونه‌هایی از آثار سعدی، حافظ، مولوی، فرخی یزدی، ملک‌الشعرای بهار و... برمی‌خوریم. علاوه بر اینها ترجمه‌های منظومی از شعر کودک جمهوری آذربایجان نیز به چشم می‌خورد. از جمله شعرهایی از صمد و ورغون، خلیل رضا و حسین حسین‌زاده این شعرها را احمد شفایی به فارسی برگردانده است.

کتابهای درسی مدارس بر اساس کتابچه‌های «برنامهٔ تدریس» تألیف

---

۱. شفایی ـ محموداف: ***کتاب زبان فارسی***. باکو: معارف، ۱۹۷۲، ص ۷۴.

مـی‌شود. ایـن بـرنامه‌ها از سـوی شـورای عـلمی روش تـدریس واحـد (انسـتیتوی تـحقیقات عـلمی و تـربیتی آذربـایجان ـ وابسته بـه وزارت تحصیل) تهیه و تنظیم می‌شود. کتابهای درسی زبان فـارسی نـیز از ایـن قاعده مستثنی نیست و یک شورای عـلمی روش تـدریس واحـد (ویـژه زبانهای شرقی ـ فارسی و عربی) بر تـهیهٔ بـرنامه تـدریس زبـان فـارسی نظارت می‌کند.

برای مدارس روزانه و نیز مدارس شبانه ـ روزی دو گونه برنامهٔ درسی تألیف شده است:

۱. برنامهٔ زبان فارسی، برای کلاسهای پنجم و یازدهم ـ ۱۹۸۶

۲. برنامهٔ زبان فارسی برای کلاسهای دوم و یازدهم ـ ۱۹۹۳

همانگونه که در بالا اشارت رفت، در این برنامه‌ها به مباحثی که باید در کتابهای درسی گنجانده شود، بطور فشرده اشاره شده است.

○ در حال حاضر در مدارس روزانه کتابهای زیر تدریس می‌شود:

۱. فـارسی دیـلی (زبـان فـارسی)، بـرای کـلاس پـنجم، تـوفیق سیدوف، ۱۹۹۳

۲. ــــــــــــ، برای کلاس ششم، توفیق سیدوف و...، ۱۹۹۱

۳. ــــــــــــ، برای کلاس هفتم، آنیا علی‌اکبراوا (= رضایوا) و...

۴. ــــــــــــ، برای کلاس هشتم، آنیا علی‌اکبراوا و...

۵. ــــــــــــ، برای کلاس نهم، حاتمی ـ شیرعلی‌یف و...

۶. ــــــــــــ، برای کلاس دهم، حاتمی ـ شیرعلی‌یف و...

۷. ــــــــــــ، برای کلاس یازدهم، حاتمی ـ (زیر چاپ)

○ کتابهای مدارس شبانه روزی عبارتند از:

۱. فارس دیلی (زبان فارسی)، برای کلاس دوم، محمد آقا سلطان‌اف

۲. ــــــــــــ، بـرای کـلاس سـوم، نـیرالزمـان حـاتمی ـ مـیرزا

رحیم‌اف

۳. ـــــــــــــ، برای کلاس چهارم، تهمینه رستم‌اوا

۴. ـــــــــــــ، برای کلاس پنجم، (زیر چاپ)

○ آخرین کتابهای قرائت فارسی در ۱۹۸۰ میلادی منتشر شده است:

۱. خواندنیها. توفیق سیدوف

۲. حکایات. ـــــــــــــ

ب ـ کتابهای کمک درسی:

۱. *کلید ادبیات*. مؤلفان: سلطان مجید غنی‌زاده، علی‌اسکندر جعفرزاده

«کلید ادبیات» توسط سلطان مجید غنی‌زاده مدیر مکتبخانه دو کلاسهٔ روس و مسلمان باکو و علی‌اسکندر جعفرزاده معلم زبان آذربایجانی همین مکتبخانه تألیف یافته و به سال ۱۹۰۱م. چاپ شده است. این کتاب کمک درسی شامل مثون منظوم و منثوری می‌باشد که در ۷۲ صفحه تنظیم شده است. «کلید ادبیات» به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش نخست که تا صفحه ۴۷ ادامه دارد شامل حکایات منظومی از ادبیات فارسی است. در قسمت دوم حکایات حکمت‌آموزی از کتابهای گلستان و بوستان می‌خوانیم. در صفحه ۷۰ اطلاعاتی دربارهٔ ماههای قمری، شمسی، رومی و سریانی آمده است. برای تسهیل در حفظ و فراگیری اسامی ماهها، این نامها به صورت قطعات منظوم تنظیم شده است. برای نمونه دربارهٔ ماههای شمسی چنین می‌خوانیم:

ز فروردین چو بگذشتی مه اردی‌بهشت آید

ز پس خرداد و تیر، آنگه مه مرداد می‌آید

پس از شهریور، مهر و آبان، آذر و دی‌دان
که بر بهمن جز اسفند آرمذ ماهی نیفزاید[۱]

۲. رهبر سخن. تألیف: میرزامحسن ابراهیمی

این کتاب به منظور آموزش مکالمه فارسی به افرادی که فارسی زبان نیستند، نوشته شده است. مخاطبان کتاب رهبر سخن شاگردان کلاسهای اول و دوم هستند.

«رهبر سخن» با مقدمه‌ای درباره پیشرفت دانش و نیز لزوم پیوستن مسلمانان قفقاز به کاروان علم و ترقی آغاز می‌شود.

میرزا محسن خود از معلمان مدرسه سعادت بادکوبه بوده است. مدرسه سعادت از طرف جمعیت روحانیان سعادت تأسیس شده بود. در آن مدرسه حدود ۱۳۰ نفر محصل مشغول تحصیل بودند از آنجایی که اکثر کتب درسی آن روزگار به زبان کلاسیک فارسی بود ابراهیمی خود به تألیف کتابهای «رهبر سخن» و «دستور پارسی» همت گماشت. «رهبر سخن» در واقع کتاب قرائت فارسی است. در این کتاب تمرینها و تکالیفی مربوط به آموزش مکالمه فارسی آمده است. یکی از تمرینهای مربوط به متون نظم برگرداندن آن به نثر می‌باشد.

در متون نثر کتاب اطلاعاتی پیرامون تاریخ، فرهنگ و سنن ملی ایران و هنر و ادبیات کشورمان مذکور است. مؤلف در کنار پرداختن به حکومتها در طول تاریخ، به سیر تکاملی ادبیات مشرق‌زمین نیز توجه دارد. در رهبر سخن، اطلاعات مختصر اما جالب و خواندنی دربارهٔ دانشهایی چون نجوم، فیزیک، ریاضیات کالبدشناسی و جانورشناسی آمده است.

---

۱. غنی‌زاده ـ جعفرزاده: *کلیه ادبیات*. باکو: ۱۹۰۱، ص ۷۱.

دراینجا برای آشنایی با زبان علمی آن دوره سطوری از بخش مربوط به آهن‌ربا را می‌خوانیم: «اگر نوک دو مغناطیس را وصل کنیم، از طرفی خاصیت دفع و از طرف دیگر جذب دیده می‌شود. در نوکهای یگانه خاصیت دفع و در نوکهای گوناگون خاصیت جذب مشاهده می‌شود.»[1]

در قسمتی از کتاب چند ضرب‌المثل فارسی زیر عنوان «از امثال پارسی است.» چاپ شده است. در صفحه ۶۹ مؤلف زیر عنوان «قائدهٔ حسابی» روش تبدیل سال هجری به میلادی وبالعکس را به کودکان می‌آموزد.

میرزا محسن در درسهایی با عناوین «مهر مادر»، «مهر پدر»، «مهر آموزگار» و «آموزگار» و... می‌کوشد جایگاه والدین و آموزگار را به کودکان بشناساند و لزوم احترام به آنان را یادآوری کند. اشعاری که در کتاب «رهبر سخن» می‌خوانیم اغلب از استادان بزرگ سخن چون سعدی، فردوسی، نظامی، مولوی، عنصری، انوری، عطار و سنایی می‌باشد. در آغاز هر نمونه شعری، مختصری درباره زندگی و آثار شاعر آمده است. «رهبر سخن» به عنوان یک دایرةالمعارف مختصر فارسی برای کودکان و نوجوانان حائز اهمیت است.

یکی از جهات ممتاز کتاب در مقایسه با کتابهای پیشین آن است که در پایان هر درس تکالیفی به صورت پرسش و پاسخ قرار دارد. همچنین توجه میرزامحسن به علوم و فنون جدید وجه مثبت دیگر کتاب است.

۳. *آدمک نان قندی*. تألیف: رحیم سلطان‌اف

این کتاب کمک درسی که برای دانش آموزان کلاس ششم تا هشتم

---

۱. ابراهیمی، م: **رهبر سخن**، باکو: ۱۹۰۹، صص ۴۵ ـ ۴۲.

تألیف شده شامل ۶۴ صفحه است و به سال ۱۹۶۳م. توسط «آذر تدریس نشر» انتشار یافته است.

«آدمک نان قندی» نخستین مجموعه قصه‌ای است که برای فارسی‌آموزان به چاپ رسیده است. در این کتاب حکایات و قصه‌هایی با مضامین اخلاقی ـ تربیتی گردآمده است.

«آدمک نان‌قندی» به تصاویری در ارتباط با حکایتها و قصه‌ها مزین است. علاوه بر این در پایان هر حکایت یا قصه لغتنامه فارسی ـ آذربایجانی (با آوانویسی) آمده است.

۴. *دیدار*. تألیف: تهمینه رستم‌اوا

کتاب دیدار شامل چند حکایت فارسی است. همانگونه که بر روی جلد نیز ذکر شده این کتاب برای کلاسهای نهم تا یازدهم دبیرستانها تألیف شده است. «دیدار» ۹۸ صفحه است و به سال ۱۹۶۵م. از سوی انتشارات معارف باکو منتشر شده است.

مؤلف در مقدمه اشاره می‌کند که حکایات و قصه‌های کتاب با توجه به سطح معلومات فارسی آموزان ساده‌نویسی شده است. در ابتدای هر حکایتی ابیات یا جملات حکمت‌آمیزی از بزرگانی چون سعدی، فردوسی، نظامی، فضولی، اوحدی مراغه‌ای، مولوی و... متناسب با مضمون حکایت ذکر شده است. اغلب حکایات و قصه‌های این کتاب نیز از محتوای تربیتی ـ اخلاقی برخوردارند، در پایان حکایات معانی کلمات و ترکیبات تازه ذکر شده است. در صفحات ۶۶ و ۶۷ ابیات و قطعاتی از حافظ، سعدی، فردوسی، نظامی، فضولی، عطار و... آمده است.

۵. *کتاب قرائت*. تألیف: تهمینه رستم‌اوا

کتاب قرائت برای دانش‌آموزان کلاس اول ترتیب یافته و سال ۱۹۶۶ از سوی انتشارات معارف چاپ شده است. این کتاب ۶۴ صفحه‌ای اشعار، حکایات و قصه‌هایی متناسب با سطح معلومات دانش‌آموزان دربردارد. دروس آغازین کتاب به خط نستعلیق نگاشته شده است. در پایان متون منثور پرسشهایی مربوط به متن طرح شده و در پایان اشعار، تکالیفی مبنی بر حفظ اشعار جای دارد. در این کتاب بخشی به عنوان چیستانها آمده است. درسهای مصور مربوط به مکالمه از قسمتهای مهم «کتاب قرائت» است. در «کتاب قرائت» برگردان نمونه‌هایی از آثار شاعران آذربایجانی آمده، این آثار توسط احمد شفایی به فارسی ترجمه شده است.

۶. **دوستی**. مولفان: آنیا علی‌اکبر اوا و عدالت زینال‌اف (ویراستار: نیر زمان حاتمی)

«دوستی» کتابی است کمک درسی برای دانش‌آموزان کلاسهای پنجم تا هفتم متوسطه، که به سال ۱۹۶۶ در باکو چاپ شده است. در این کتاب ۸۸ صفحه‌ای حکایاتی در موضوع رفاقت و دوستی گرد آمده است. از این میان می‌توان به حکایات و قصه‌هایی با عناوین «دوستی»، «رفیق صادق»، «شاگرد تازه»، «پوست خرس»، «ماهی و خرچنگ و قو» اشاره کرد. در این کتاب نیز همچون کتاب «دیدار» در ابتدای هر حکایتی ابیات یا جملاتی از فردوسی، واعظ کاشفی، ناصرخسرو و پروین اعتصامی ذکر شده است.

در کتاب «دوستی همچنین» چند چیستان فارسی می‌خوانیم. در اینجا به نمونه‌ای از این چیستانها اشاره می‌شود:

چیست آن لعبت پسندیده جامه سرخ و سبز پوشیده
در میان دو قاشق چوبین با هزار ناز و غمزه خوابیده[1]

(پسته) از صفحه ۶۲ تا ۶۹ کتاب نمونه‌هایی از آثار سعدی، نظامی، فردوسی، عطار، واعظ کاشفی، ناصرخسرو و پروین اعتصامی با عنوان «قطعات مختلف» به چاپ رسیده است.

علاوه بر واژه‌نامه‌هایی که در پایان هر درس می‌آید، در پایان کتاب لغتنامه‌ای شامل همه لغتنامه‌های داخل کتاب جای گرفته است.

۷. ***خواندنیها***. تألیف: سلطان‌زاده

این کتاب ۴۸ صفحه‌ای شامل ۷۷ لطیفه و حکایت طنزآمیز می‌باشد و برای دانش‌آموزان کلاس پنجم چاپ شده است. (انتشارات گنجلیک ۱۹۶۹).

اکثر لطیفه‌ها و حکایتهای کتاب در ارتباط با درس و مدرسه است. معانی لغات و ترکیبات دشوار در پایان هر لطیفه یا حکایت نیامده، بلکه با ذکر شمارهٔ لطیفه یا حکایت در پایان کتاب گردآمده است. این لغتنامه فاقد آوانگاری است. علاوه بر این مصور نبودن کتاب از دیگر معایب آن به شمار می‌رود.

۸. ***آذربایجانجا ـ فارسجا دانیشیق کتابچه‌سی***[2] (کتابچه مکالمه آذربایجانی ـ فارسی)، مؤلف: عبدالله‌اف

کتاب مذکور شامل ۲۰۴ صفحه است و سال ۱۹۷۲ از سوی انتشارات

---

۱. علی‌اکبراوا، آ. ـ زینال‌اف، ع. **دوستی**. باکو: ۱۹۶۶، ص ۵۷.

2. Азәрбајҹанҹа ـ Фарсҹа Данышыг Китабчасы.

معارف منتشر شده است. در صفحات نخست «آذربایجانجا ـ فارسجا دانیشیق کتابچه‌سی» جدول الفبای فارسی (با ذکر ترتیب، اسامی حروف و اشکال مختلف آنها) درج شده است. در صفحات بعدی اطلاعاتی درباره تلفظ بعضی حروف داده می‌شود. در این کتاب مکالمه از ۹ قسمت تشکیل شده که هر قسمت نیز به موضوعات گوناگون می‌پردازد. در پایان کتاب لغتنامه آذربایجانی ـ فارسی قرار دارد. این کتاب به عنوان نخستین کتاب آموزش مکالمه آذربایجانی ـ فارسی دارای اهمیت است. اگرچه از نظر موضوعات و دایرهٔ لغات چندان گسترده نیست.

ج ـ کتبهای درسی مراکز آموزش عالی:

۱. *اوچبنیک پرسیدسکوقر یازیکا*[1]

(کتاب درسی زبان فارسی). تألیف: علی آذری

«در سال ۱۹۴۰م. پیش از آنکه دانشکده [شرقشناسی] فعالیت خود را مجدداً آغاز کند کتاب «درسی زبان فارسی» تألیف آذری مدیرکرسی به چاپ رسید. (به زبان روسی) همین کتاب بعدها با عنوان رساله فوق لیسانس وی پذیرفته شد.»[2] این کتاب برای دانشجویانی که به زبان روسی تحصیل می‌کردند تألیف شده بود. کتاب ۵۳۲ صفحه‌ای مذکور برای دانشجویان دوره چهارم مترجمی ترتیب یافته و شامل ۶۸ درس می‌باشد. اکثر دروس از مضامین سیاسی برخوردارند. در صفحات نخست «کتاب درسی زبان فارسی» مطالبی درباره اصول فونتیک زبان فارسی آمده

---

1 - УчеБНик ПерсиДскоГо ЯаЗЫka

۲. میرزایف، ع. ***دانشگاه دولتی جمهوری آذربایجان در طول ۵۰ سال*** (به زبان روسی)، باکو: ۱۹۶۹، ص ۳۹۹.

است. درسها به گونه‌ای تنظیم شده است که پس از متون مختلف لغتنامه فارسی ـ روسی (بدون آوانگاری) می‌آید. نکات دستوری معمولاً بعد از متن درس جای می‌گیرد. اگرچه گاه این نظم به هم خورده است. مباحث دستوری شامل صرف ونحو و آواشناسی زبان فارسی است که به واسطه تمرینهای آموزش داده می‌شود. تکالیف مختلفی برای تقویت مکالمه و ترجمه در کتاب جای گرفته است. متون مربوط به قرائت به همراه تصاویر اما بدون لغتنامه می‌باشد. این متنها درباره زندگی و آثار شخصیتهای برجسته و نیز نمونه‌هایی از ادب پارسی است. در پایان کتاب لغتنامه فارسی ـ روسی بدون آوانگاری اما با حرکات چاپ شده است. «کتاب درسی زبان فارسی» نخستین کتاب درسی برای آموزش فارسی در مراکز آموزش عالی و دانشگاههاست و مطالب و موضوعات بسیاری را در خود جای داده است.

۲. *فارس دیلی*[1] *(زبان فارسی)*. تألیف: آذری

این کتاب که به زبان ترکی آذربایجانی و برای سالهای اول و دوم دانشکده شرقشناسی نوشته شده، در سال ۱۹۵۲م. از سوی انتشارات دانشگاه دولتی جمهوری آذربایجان به چاپ رسیده است. در کتاب مذکور هدف اصلی آشنایی دانشجویان با دستور زبان فارسی امروز و دایرهٔ لغات معاصر می‌باشد. آموزش قرائت و نگارش فارسی را می‌توان هدف نهایی کتاب «زبان فارسی» تلقی کرد. در این کتاب نخست اطلاعات و تمارینی دربارهٔ الفبای فارسی و ویژگیهای آن، حساب ابجد، مصوتات و صامتها درج شده است.

---

1. фарс Дили.

کتاب شامل ۳۱ درس می‌باشد و بر اساس قاعده کلی زیر، تنظیم شده است:

ـ متون درسی به شیوهٔ از ساده به دشوار. در پایان متون لغتنامه فارسی ـ آذربایجانی در نظر گرفته شده است.

ـ نکات و توضیحات دستوری در رابطه با متن درس: مطالب دستوری نسبت به مطالبی که در دوره متوسطه تدریس می‌شود مفصلتر می‌باشد و به وسیله مثالها و تمرینهای مختلف کامل شده است.

ـ تکالیف: شمار تکلیفها به یک تا پنج متغیر است یکی از تکالیف مربوط به تمرین خط نستعلیق بقیه تمرینهای قرائت و ترجمه می‌باشد.

از صفحه ۲۲۴ تا ۳۰۱ بخشی برای قرائت متون ادبی اختصاص یافته است. در این قسمت بعد از آوردن قسمتی پیرامون زندگی و آثار لنین! نمونه‌هایی از ادبیات معاصر ایران ارائه می‌شود. در پایان هر متن ادبی معانی لغات دشوار را می‌خوانیم. در این قسمت از کتاب دو قصه به زبان محاوره‌ای آمده و سپس کلمات و ترکیبات آن با معادلهای زبان ادبی از نظر ریشه‌شناسی مقایسه شده است. کتاب با فرهنگ فارسی ـ آذربایجانی پایان می‌پذیرد.

۳. *فارس دیلی*[1] *(زبان فارسی)*. تألیف: علیزاده ـ حاتمی

این کتاب نیز همچون کتاب فوق‌الذکر برای دانشجویان دوره‌های اول و دوم دانشکده شرقشناسی دانشگاه دولتی جمهوری آذربایجان ترتیب یافته و به سال ۱۹۶۱م. از سوی انتشارات «آذر تدریس نشر» در ۴۸۴ صفحه منتشر شده است.

1.Фарс Дили.

مؤلفان کتاب می‌کوشند دانشجویان زبان فارسی را با اصول فونتیک و دستور زبان فارسی آشنا کنند و توان قرائت و ترجمه را در آنها بالا ببرند. کتاب به گونه‌ای تنظیم شده است که دانشجویان باید تا پایان سال تحصیلی دایره واژگان خود را تا ۲۵۰۰ واژه افزایش دهند. کتاب با مقدمه‌ای از مؤلفان درباره هدف و انگیزهٔ تألیف کتاب شروع می‌شود، سپس درباره الفبا و اصول فونتیک زبان فارسی بحث به میان می‌آید.

مطالب مربوط به دانشجویان دوره اول از دو قسمت تشکیل می‌شود:

ـ الفبای فارسی و شیوه نگارش حروف که شامل ۱۳ درس می‌باشد. در این قسمت جداول مختلفی آمده است. در این جدولها ترتیب، نام، شکل کتابی و شکل تحریری حروف همچنین تلفظ آنها درج شده است.

ـ متون مربوط به قرائت و دستور زبان فارسی که در ۲۷ درس تنظیم شده است.

این کتاب درسی مطابق با برنامه دانشکدهٔ شرقشناسی ترتیب یافته و مطالب دوره اول آن شامل ۴۰ درس می‌باشد. همچون اکثر کتب درسی در اینجا نیز هر درسی در برگیرنده متنی برای قرائت یا مکالمه معانی لغات با آوانگاری و نکات دستوری و تکالیف مربوط به مکالمه قرائت، نگارش، ترجمه و خوشنویسی است. مطالب مربوط به دانشجویان دوره دوم از ۲۱ درس تشکیل می‌شود. از صفحه ۴۲۳ تا ۴۷۴ لغتنامه آوایی ـ توضیحی ـ فارسی ـ آذربایجانی جای دارد.

کتاب «زبان فارسی» تألیف علیزاده و حاتمی در مقایسه با کتاب «زبان فارسی» که توسط آذری تألیف یافته تفاوتهایی دارد.

در کتاب اخیرالذکر حروف الفبا هر یک جداگانه تدریس می‌شود. افزون بر این در جدول الفبای فارسی ترتیب حروف بر اساس حساب ابجد می‌باشد. همچنین در آن کتاب، نخست درباره جمله و سپس اجزای

جمله بحث می‌شود. در حالی که علیزاده و حاتمی در بخش دستوری بر اساس شیوهٔ از جزء به کل عمل می‌کنند. در کتاب آذری معلوماتی راجع به صفات فاعلی و مفعولی و قیدهای فاعلی بحث می‌شود. در حالکیه مؤلفان کتاب چاپ شده در سال ۱۹۶۱م. فقط به برخی ویژگیهای صفات فاعلی و مفعولی اشاره می‌کنند. همچنین در کتاب نخست فقط نام قیدها به همراه مثال ذکر شده و هیچ توضیح دیگری داده نمی‌شود. اما در کتاب درسی دیگر درباره انواع قیدها توضیحات کافی مذکور است. بزرگترین امتیاز «کتاب زبان فارسی» تألیف علیزاده و حاتمی شرح و بسط کامل موضوعات مطرح شده می‌باشد. به طوریکه حتی می‌تواند به عنوان یک خودآموز ارزشمند مورد استفاده افرادی که می‌خواهند به طور مستقل زبان فارسی بیاموزند، نیز قرار دارد.

۴. *فارس دیلی*[1] *(زبان فارسی)*. تألیف: علیزاده و رستم‌اوا

این کتاب برای دانشجویان دورهٔ نخست شعب شبانه و غیرحضوری دانشگاه چاپ شده است. (باکو ۱۹۶۶م.)

کتاب از ۸۰ صفحه تشکیل شده است. متون درسی و توضیحات توسط علیزاده، بخش الفبای فارسی به وسیله خانم رستم‌اوا تألیف یافته است.

مطالب کتاب مذکور با در نظر گرفتن اصول آموزش غیرحضوری و مکاتبه‌ای تنظیم شده است. کتاب اگرچه به عنوان کمک درسی منتشر شده اما به شکل کتاب درسی ترتیب یافته است. البته در مقدمه کتاب نیز به این امر اشاره می‌شود.

1.1-2Фарс Дили

کتاب مشتمل بر ۱۲ درس می‌باشد که در آنها درباره تلفظ حروف و مصوتات و ویژگیهای مختلف الفبای فارسی بحث می‌شود. این کتاب نیز مانند کتب مورد بحث دیگر متون درسی، توضیحات دستوری و تکالیف است. البته بعضی از دورس فاقد تکلیف می‌باشند. متن درسها از ساده به دشوار تنظیم شده است. در پایان متن درسها و گاه در تکالیف معانی لغات دشوار ذکر شده است. افزون بر اینها کتاب دارای لغتنامه فارسی - آذربایجانی نیز است.

۵. *فارس دیلی*[۲] *(زبان فارسی)*. شفایی، محموداف

برای دانشجویان دوره دوم شعبه شبانه دانشکده‌های شرق‌شناسی و زبان و ادبیات تألیف شده است. این کتاب به سال ۱۹۶۶م. به چاپ رسیده همچون کتاب پیشین روی جلد «کتاب کمک درسی» نامیده شده است. در حالیکه ساختار آن بیشتر با ویژگیهای یک کتاب درسی مطابقت دارد. کتاب مطالب مربوط به دانشجویان دوره دوم شعبه شبانه دانشکده‌های مذکور را در بردارد.

از صفحه ۳ تا ۶ به نحوه استفاده از کتاب اشاره می‌شود. این کتاب از هفت درس تشکیل شده است. هر درسی شامل متن درسی (با ذکر معانی کلمات و ترکیبات تازه و دشوار)، لغت‌شناسی (در این قسمت به ساختمان کلمات و نیز ویژگیهای کاربردی واژه‌های تازه در متن پرداخته می‌شود.) نکات و توضیحات دستوری (در بخش صرف قید و فعل تدریس می‌شود و در قسمت نحو جملات مرکب) در این کتاب نیز تکالیف و تمارین ترجمه و نگارش آمده است. شایان ذکر است این کتاب

درسی فقط بخشی از مطالب برنامه درسی دوره دوم را شامل می‌شود.

د ـ کتابهای کمک درسی مراکز آموزش عالی:

۱. *منتخبات*. گردآورده: علی آذری، به تصحیح حسن علیزاده

«منتخبات» شامل قطعات منثور و منظوم فارسی است و برای دانشجویان سالهای دوم و سوم دانشکده شرق‌شناسی تألیف شده است. این کتاب ۱۹۴۶م. از سوی آذر نشر چاپ شده است. مؤلف در مقدمه‌ای با عنوان «سخنی چند» درباره مطالب کتاب و انگیزه تألیف توضیح می‌دهد.

مطالب کتاب بیشتر در موضوعات سیاسی می‌باشد که متناسب با سطح معلومات دانشجویان انتخاب شده است. این کتاب می‌تواند علاوه بر بالابردن توان قرائت، مکالمه دانشجویان را در زمینه ترجمه متون سیاسی یاری دهد.

«منتخبات» شامل ۳۲۸ صفحه و ۴ بخش می‌باشد. در بخش نخست که تا صفحه ۹۰ ادامه دارد مطالب و اسنادی دربارهٔ انقلاب اکتبر و جنگ جهانی دوم (یا به تعبیر کتاب جنگ بزرگ میهنی) آمده است.

در این قسمت مطالبی چون «لنین میهن‌پرست بزرگ شوروی» و «تیردشمن»، «راجع به وضع کیف» و اشعاری با عناوین «بندگی در کار نیست»، «چهارمین نمایش اکتبر» سرودهٔ لاهوتی چاپ شده است.

در بخش دوم کتاب که از صفحه ۹۰ شروع می‌شود و تا صفحه ۱۴۵ ادامه می‌یابد نمونه‌هایی از آثار اساتید بزرگ شعر کلاسیک فارسی می‌خوانیم. حکیم ابوالقاسم فردوسی، عمر خیام نیشابوری، افضل‌الدین خاقانی شروانی، ناصر خسرو قبادیانی، سعدی شیرازی، لسان‌الغیب شیرازی، عندلیب کاشانی و... از آن جمله‌اند.

در بخش سوم کتاب (از صفحه ۱۴۵ تا ۱۶۶) آثاری از شاعران معاصر ایران گرد آمده است. این نمونه‌ها از اشعار ایرج میرزا، پروین اعتصامی، میرزاده عشقی برگزیده شده است. بخش چهارم (از صفحه ۱۶۶ تا صفحه ۳۲۲) به نثر معاصر فارسی اختصاص دارد. مطالب این قسمت از نویسندگانی چون مشفق کاظمی، مسعود انصاری، صبحی مهتدی، سعید نفیسی و پرویز ناتل خانلری می‌باشد. در کتاب واژه‌نامهٔ فارسی - آذربایجانی نیز چاپ شده است.

«منتخبات» نخستین کتاب قرائت است که در دوره حاکمیت نظام کمونیستی برای دانشجویان مدارس عالی تألیف شده است.

۲. *کاللیگرافیا*[1] *(خوشنویسی)*. تألیف: غ. دارآبادی

این کتاب ۲۰۸ صفحه‌ای به منظور آموزش خوشنویسی به دانشجویان مدارس عالی تألیف شده و در سال ۱۹۵۳م. از سوی انتشارات دانشگاه دولتی جمهوری آذربایجان انتشار یافته است. کتاب کاللیگرافیا به زبان ترکی آذربایجانی است و شامل نمونه‌هایی از خطهای نسخ، نستعلیق شکسته و شکسته نستعلیق، می‌باشد.

در کنار نمونه‌های مربوط به هر خط شکل کتابی آن نیز چاپ شده است. در کتاب «کاللیگرافیا» درباره اشکال حروف در هر خطی و شیوه‌های نگارش آن، همچنین درباره نمایندگان بزرگ هر سبک اطلاعاتی می‌خوانیم.

در این کتاب درسی نمونه‌های مختلف خطی اعم از نامه، عریضه، دعوتنامه، اسناد رسمی و... جای گرفته است. در صفحات پایانی کتاب

---

1. Каллиграфија

نمونه‌هایی از صورت حساب چاپ شده است. «کاللیگرافیا» در آشنایی دانشجویان با نمونه‌های خطی تاریخی ـادبی فارسی و ترکی حائز اهمیت بسیاری است.

۳.کتاب *قرائت فارسی*. تألیف: سلطان‌اف، شفایی، دارآبادی

کتاب برای مطالعه آزاد دانشجویان دانشکده شرقشناسی در سال ۱۹۵۹م. چاپ شده و شامل ۶۳۰ صفحه است. خوشنویسی کتاب و تنظیم هنری آن کار دارآبادی می‌باشد. در صفحات ۵ تا ۸ مؤلفان زیر عنوان «سخنی چند» درباره چگونگی تألیف کتاب سخن می‌گویند: اصلی‌ترین هدف کتاب آشنایی بیشتر دانشجویان با قرائت و مکالمه فارسی است. کوشش مؤلفان بر آن است که طرز خواندن مکاتیب، نوشته‌ها و اسناد خطی و چاپ سنگی به فارسی‌آموزان تعلیم داده شود. کتاب قرائت فارسی از شش بخش عمده تشکیل یافته است. بخش اول شامل شکل حروف الفبا، مصوتها، حرکات و نقش «الف» و «ل» تعریف در تلفظ حروف شمسی و قمری می‌باشد.

در بخش دوم مطالبی درباره ساعت، روزهای هفته، ماههای شمسی و قمری و طرز تبدیل آنها به میلادی و نام فصول آمده است.

بخش سوم در برگیرندهٔ مطالب و حکایاتی حکمت‌آمیز است. در این قسمت علاوه بر نمونه‌هایی از آثار سعدی، فردوسی، سنایی، ناصرخسرو، انوری و ایرج میرزا، گزیده‌ای از لطیفه‌های منسوب به ملانصرالدین نیز آمده است.

در بخش چهارم مطالبی عملی درباره آب، کره زمین، خورشید، ماه و اجرام آسمانی گرد آمده است. در بخش پنجم متون نظم و نثر از ادبیات کلاسیک ایران جای دارد. از جمله حکایاتی از گلستان و کلیله و دمنه و نیز

نمونه‌هایی از شاهنامه فردوسی و تحفة‌العراقین خاقانی شروانی.

آخرین بخش کتاب «قرائت فارسی» ترجمه‌هایی است از ادبیات معاصر روسیه. در این قسمت داستانهایی درباره زندگی لنین!! و نیز آثاری از شاعران و نویسندگان روس از جمله پوشکین، لومونوسف، کیریلوف، چخوف و گورکی آمده است. این متون با خط شکسته تکرار شده است.

تقسیم کتاب به شش بخش، استفاده از آن را آسان کرده، بدینسان خواننده درمی‌یابد که در هر بخشی به چه موضوعاتی پرداخته می‌شود. واژه‌نامهٔ فارسی ـ آذربایجانی هم ضمیمه کتاب می‌باشد. در پایان کتاب فهرست اصطلاحات و عبارات استعمال شده در بخشهای مختلف جای دارد.

۴. *سعدی یارادیجیلیغیندا گلستان*[1] *(جایگاه گلستان در میان آثار سعدی).*

مؤلف: رحیم سلطان‌اف.

رحیم سلطان‌اف این کتاب را برای دانشجویان فارسی‌آموز مدارس عالی تألیف کرده است. کتاب مذکور در ۳۳۶ صفحه از سوی انتشارات دانشگاه دولتی جمهوری آذربایجان به چاپ رسیده است. در این کتاب گلستان سعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. کتاب شامل موضوعات زیر است:

بخش اول ـ گلستان و سعدی

در این قسمت زندگی و آثار سعدی به ویژه گلستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بخش دوم ـ کودکی سعدی

---

1. Сәдu JарадычыпыНда Күлүстан

در این قسمت از تولد، تربیت و تحصیل ابتدایی شاعر بحث می‌شود.

بخش سوم ـ جوانی سعدی و مدرسه نظامیه

مؤلف در این بخش به تأثیر مدرسه نظامیه در اندیشه سعدی و آثار وی می‌پردازند.

بخش چهارم ـ سعدی و سیاحت

سلطان‌اف در بخش چهارم نخستین سفر شاعر (سفر مکه) را بررسی کرده و در این باره به نمونه‌هایی از آثار سعدی استناد می‌جوید.

بخش پنجم ـ سالهای پیری سعدی

در این قسمت می‌خوانیم که سعدی پس از آنکه ۴۵ سال از عمر خود را در سیر و سیاحت گذرانده، ناگزیر به ترک زادگاهش شیراز می‌شود.

بخش ششم ـ گلستان

در این بخش مؤلف با استناد به دلایلی علمی به تحلیل مقدمه و هشت باب گلستان می‌پردازد.

بخش هفتم ـ ویژگیهای زبانی گلستان

در آخرین بخش کتاب، دانشجویان با ویژگیهای گلستان و بطور کلی نثر کلاسیک فارسی آشنا می‌شوند.

در صفحه ۳۲۸ زیر عنوان «ملاحظاتی در رابطه با ویژگیهای لغوی زبان سعدی» درباره نامها و اصطلاحات جغرافیایی ـ تاریخی، موسیقایی، شغلی و اجتماعی... و نیز نام اشیاء بازی و معلوماتی دیگر با ذکر مثال آمده است. از آنجایی که نمونه‌های مذکور در این کتاب علاوه بر گلستان به دیگر کتب درسی روزگار سعدی نیز مربوط می‌شود، به عنوان کتاب کمک درسی مورد استفاده دانشجویان قرار می‌گیرد.

۵. *فارس دانیشیق دیلی*[1] *(فارسی محاوره‌ای)*. مؤلف: نیرزمان حاتمی

این کتاب به سال ۱۹۶۵م. برای دانشجویان دانشکده شرق‌شناسی منتشر شده است. کتاب «فارسی محاوره‌ای» شامل ۳۲۰ صفحه و ۶ فصل می‌باشد. در کتاب مذکور زبان ادبی معاصر با زبان محاوره‌ای مقایسه می‌شود. در این مقایسه ویژگیهای تلفظی، دستوری و لغوی مربوط به دو گونه، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤلف در مقدمه کتاب از لهجه‌های گوناگون فارسی و تأثیر آنها بر زبان ادبی سخن می‌گوید.

فصل نخست کتاب به بررسی تفاوتهای فونتیکی زبان ادبی و محاوره‌ای اختصاص یافته است. در این فصل از تغییر و ابدال مصوتها وصامتها بحث می‌شود. مؤلف در هر مورد به مثالهایی استناد می‌جوید.

در فصل دوم صرف فارسی محاوره‌ای با ذکر نمونه‌هایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در فصل سوم کلماتی از لهجه محاوره‌ای (با آوانگاری) آمده و معادل آنها در زبان مکتوب و ادبی نیز ذکر شده است.

در فصل چهارم متنی به دو شکل زبان محاوره‌ای و ادبی آمده است.

فصل پنجم مشتمل بر چند متن به زبان محاوره‌ای است متون فاقد واژه‌نامه، آوانگاری و معادل ادبی می‌باشد. بدین وسیله دانشجویان می‌توانند به طور مستقل در زمینه فراگیری زبان محاوره‌ای فارسی به مهارتهای لازم برسند. چند متن دیگر نیز برای برگرداندن به زبان ادبی آمده است.

در فصل ششم فرهنگ فشرده لغات و اصطلاحات جای گرفته است.

---

1. Фарс Данышыг Дили

۶. *معاصر فارس دیلی پروگرامی*[1] *(برنامه زبان فارسی معاصر)*. مؤلف: رحیم سلطان‌اف

کتاب کمک درسی «برنامه زبان فارسی معاصر» از سوی انتشارات دانشگاه دولتی باکو چاپ شده است. (۱۹۶۸) این کتاب شامل ۹۸ صفحه می‌باشد. در کتاب شیوه‌هایی برای تدریس فارسی معاصر مطرح می‌شود.

در تألیف این اثر از آخرین دستاوردها و تجربیات زبانشاسان ایران و شوروی استفاده شده است.

مؤلف، برنامه چهار ترم را اینگونه تنظیم کرده است:

دروس ترم اول:

۱. مقدمه درباره سیر تاریخی زبان فارسی

۲. قرائت و ترجمه - برای این قسمت متون مورد تأیید هیئت علمی دانشگاه در نظر گرفته شده است.

۳. آواشناسی و نگارش - این بخش به بحث پیرامون مصوتها و صامتها و طبقه‌بندی آنها اختصاص دارد.

۴. لغت‌شناسی

۵. اجزای اصلی و کمکی در جمله (صرف)

۶. درباره نحو زبان فارسی

۷. نگارش و قرائت درست زبان فارسی

۸. خوشنویسی - در این قسمت پیرامون قواعد خوشنویسی بحث می‌شود.

۹. املای فارسی

---

1. Mүасир Фарс Дили Прогромы

۱۰. درک مطلب

در ترم دوم تدریس زبان عربی، در ترم سوم مرجع‌شناسی و در ترم چهارم درس خوشنویسی و صنعت چاپ به برنامه بالا افزوده می‌شود.

در آخر کتاب جدول دروس عملی و نظری چاپ شده است.

۷. *فارس دیلینده عرب عنصرلری*[1] *(عناصر عربی در زبان فارسی)*. مؤلف: حسن علیزاده

کتابچهٔ ۴۴ صفحه‌ای «عناصر عربی در زبان فارسی» برای شعبه‌های مختلف دانشکده زبان و ادبیات و شرق‌شناسی تألیف شده است.

در کتاب از کلمات و ترکیبات عربی دخیل در زبان فارسی و نیز تأثیر آنها در دستور زبان فارسی بحث به میان می‌آید.

در کتاب «عناصر عربی در زبان فارسی» مختصری درباره صرف و نحو عربی می‌خوانیم. علاوه بر آن مؤلف از دیدگاه دستور تطبیقی درباره اسمهای مکان، زمان، آلت و پیشه عربی و فارسی بحث می‌کند. همچنین درباره صفات عربی مستعمل در فارسی، حرف «دال» تعریف و حروف اضافه عربی، اعداد و... سخن به میان می‌آید.

در قسمتی از کتاب درباره نقش عناصر عربی در واژه‌سازی فارسی، اطلاعاتی داده می‌شود. همه مثالهای کتاب کمک درسی «عناصر عربی در زبان فارسی» دارای واژه‌نامه فارسی ـ آذربایجانی می‌باشد. با توجه به اینکه لغات و ترکیبات عربی در غنای زبان فارسی سهم بسزایی دارند، مطالعه این کتابچه برای مدرسان زبان فارسی و نیز فارسی آموزان می‌تواند مترتب مفید باشد.

1.Фарс Дилиндэ Эрэб Үнсүрлэри

۸. *فارس دیلی تدریسی نین اسلوبو*[1] *(روش تدریس زبان فارسی)*. مؤلف: رحیم سلطان‌اف

«آثار مربوط به روش‌شناسی که در سطح عالی و با توجه به نیازهای زمان نگاشته شده‌اند باعث شادی اساتید و آموزگاران شده و در واقع به کتاب بالینی تبدیل می‌شود. کتاب کمک درسی «روش تدریس زبان فارسی» نیز که از سوی انتشارات دانشگاه دولتی جمهوری آذربایجان منتشر شده از اینگونه کتابهاست»[2].

این کتاب نخستین کتاب روش تدریس می‌باشد و شامل ۱۰۸ صفحه و چهاربخش است. در بخش اول مؤلف به عوامل مؤثر در امر تدریس و تعلیم اشاره می‌کند. این عوامل عبارتند از: تعلیم دهندگان، فراگیرندگان، آنچه که تعلیم داده می‌شود، زمان و مکان.

اساسی ترین مباحث بخش دوم لغت‌شناسی و آواشناسی می‌باشد.

بخشهای سوم و چهارم به ترتیب مشتمل بر مباحث صرفی و نحوی دستور زبان فارسی است. اکثر موضوعات و مباحث کتاب به شیوه تطبیقی تنظیم شده است و این خود به درک بهتر موضوعات کمک می‌کند.

دانشکدهٔ شرق‌شناسی

آموزش و پژوهش زبان فارسی در سالهای اخیر بیشتر در دانشکدهٔ شرق‌شناسی دانشگاه دولتی باکو متمرکز شده است. در اینجا تاریخچهٔ تشکیل و فعالیت این دانشکده، به اختصار ذکر می‌شود. تشکیل دانشکده

1.ФаРс Дили Тәдрисинин УслУбу.

۲. آذربایجان مُعلمی Азәрбајчан МУәллиМи (هفته نامه). ۲۷ مارس ۱۹۷۴، ص ۴.

شرق‌شناسی در جلسه ۳۰ مارس ۱۹۲۲ م. شورای دانشگاه، به تصویب رسید. پیش از آن شعبه شرق در دانشکده تاریخ و ادبیات فعال بود. پس از تصویب شورا، در واقع شعبه مذکور به دانشکده شرق‌شناسی تبدیل شد. در ۱۲ آوریل همان سال پروفسور پ. ک. ژوره خاورشناس مشهور به ریاست دانشکده منصوب شد. تشکیل مدارس خاورشناسی مستقل، تربیت معلمانی در زمینه تاریخ و زبان و ادبیات ملل ترک و ایران، تربیت کادر مجرب برای کار در آرشیوها، موزه‌ها و کتابخانه‌ها، تربیت کارشناسان و متخصصان از کشورهای همسایه از اقدامات اولیه بود.

طرح جدید شورای دانشگاه باکو در ۱۳ ژوییه ۱۹۲۲ م. به تصویب نهایی حکومت جمهوری آذربایجان رسید و امکانات و تجهیزات لازم جهت تشکیل دانشکده و کتابخانه آن اختصاص یافت.

پس از دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه باکو دانشمندان و محققان نام‌آوری چون چوپان‌زاده، گووایدولین، مشانینوف، بارتولد، ساموبلوویچ، ژوزه، برتلس و... برای همکاری جذب شدند. هم اینان در تربیت و آموزش کادرهای علمی آموزشی نقش بسزایی داشتند. دانشکده، در سالهای نخست حیات خود، شامل دو شعبه زبان فارسی و زبان ترکی [استانبولی] بود. سال ۱۹۵۷ م. شعبه عربی و در سال ۱۹۹۳ م. شعبه عبری نیز در شماره شعب دانشکده شرق‌شناسی در آمد.

در این دانشکده سه کرسی فعالیت می‌کنند: کرسی ادبیات عرب، کرسی ادبیات ایران و کرسی ادبیات ترک. جهات فعالیتهای علمی - پژوهشی کرسیهای سه‌گانه چنین است:

۱. کرسی ادبیات عرب:

پژوهشی در مسائل نظری وعملی زبان عربی، بررسی مسائل متن‌شناسی و تاریخ ادبیات، آماده کردن کتب درسی و دیگر امکانات تحصیلی -

آموزشی.

۲. کرسی ادبیات ایران:

بررسی مسائل ادبیات فارسی، تهیه فرهنگ فارسی ـ آذری آثار نظامی گنجه‌ای، آماده کردن کتب و لوازم درسی.

۳. کرسی ادبیات ترکی: بررسی مسائل نظری و عملی زبان ترکی استانبولی، روابط ادبی جمهوری آذربایجان و ترکیه، تهیه کتاب درسی و دیگر لوازم.

در جنب کرسی ادبیات ایران مرکز علمی ـ پژوهشی موسوم به «فرهنگ آثار نظامی» تشکیل یافته است. کادر علمی دانشکده شامل حدود چهل و پنج نفر استاد، دانشیار و... می‌باشد. این گروه علاوه بر تدریس به فعالیتهای تحقیقاتی نیز اشتغال دارند.

فارغ‌التحصیلان دانشکده، در دانشگاهها، مدارس متوسطه، هنرستانها، انستیتوهای شرق‌شناسی، نسخ‌خطی، تاریخ، ادبیات، زبان‌شناسی، فلسفه، حقوق، هنر و... فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان، موزهٔ نظامی، شعب برون‌مرزی رادیو و تلویزیون و... اشتغال می‌یابند.

دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه باکو با دانشکده‌های شرق‌شناسی دانشگاههای مسکو، سن پترزبورگ، تفلیس، تاشکند، دوشنبه، آلماآتا، مخاچ‌قلعه و دربند روابط علمی ـ آموزشی دارد. در سالهای اخیر به ایجاد ارتباط و تبادل علمی ـ ادبی با مراکز علمی و تحقیقاتی ایران، ترکیه و کشورهای عربی توجه خاصی می‌شود. در سالهای اخیر به سعی اعضای هیئت علمی و پژوهشگران دانشکده، کتابهای زیر تألیف شده است:

۱. محمد علی‌یف، و: *ترجمه آذری قرآن کریم* (به انضمام متن عربی)، ۱۹۹۴ م.

۲. ــــــ *زمان، شخص و وجه فعل در زبان عربی*، ۱۹۹۳ م.
۳. کاظم‌اف، م: *اسلافِ نظامی*، ۱۹۹۱ م.
۴. محمداف، ا: «*زبان عربی*» (برای مدارس متوسطه و دانشگاهها)، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳،۱۹۹۴ م.
۵. حاتمی، ن: *زبان فارسی* (کتاب درسی ـ بخش سوم)، ۱۹۹۲ م.
۶. محموداف، ع: *زبان فارسی* (برای کلاس ششم) ۱۹۹۳ م.
۷. رسول‌اف ـ رستم‌اف: *زبان ترکی [استانبولی]*. (کتاب درسی برای آذری زبانان و روس زبانان) ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ م.
۸. رستم‌اف، ر: *اجزاء کمکی کلام در زبان ترکی [استانبولی] معاصر*. ۱۹۹۴ م.
۹. رستم‌اف ـ صادق‌اف: *فرهنگ ترکی (استانبولی) ـ آذری ـ روسی*. (با خط لاتین). ۱۹۹۴ م.
۱۰. عیوض‌اف: *الفبای قدیم عثمانی*. (کتاب کمک درسی)، ۱۹۹۲ م.
۱۱. قاسم‌اوا: *معراج محمد رسول‌الله (ص)*. ۱۹۹۴ م.
۱۲. قارایف ـ احمدوف: *کتاب مکالمه آذری ـ عربی*، ۱۹۹۴ م.
و...

بخش اعظم فعالیت دانشکده شرق‌شناسی به زبان و ادب پارسی اختصاص دارد و کرسی ادبیات ایران فعالترین کرسی دانشکدهٔ مذکور به شمار می‌آید. بی‌شک دلیل این توجه خاص، اشتراکات فرهنگی ـ تاریخی میان دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان است. از یک سوی اغلب چهره‌های برجسته و ممتاز تاریخ ادبیات آذربایجان همچون نظامی، خاقانی و... آثار خود را به زبان پارسی آفریده‌اند، از دیگر سوی در گذشته‌ای نه چندان دور، جمهوری آذربایجان پاره‌ای از پیکر ایران زمین بود. مردم آن دیار فرهنگ وادبیات خود را جدای از فرهنگ و ادب کهن

پیشینه ایرانی نمی‌انگارند. از این روی دانشکده شرق‌شناسی توان خود را بیشتر در کرسی ادبیات ایران متمرکز ساخته است. به گونه‌ای که اغلب، دانشکده شرق‌شناسی باکو رابه مثابه مرکز فارسی پژوهی و نیز آموزش زبان وادب پارسی می‌شناسند.

فارسی‌پژوهی و ایرانشناسی

در پایه‌گذاری دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه باکو، ایرانشناسان و محققان برجسته‌ای برای تدریس در آنجا دعوت شدند. در خبرنامهٔ دانشکده که انتشار آن چند سال ادامه داشت، مقالات بسیاری دربارهٔ مسایل مهم زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. در این خبرنامه مقالات تحقیقی متعددی به قلم کسانی چون برتلس، کریمسکی، ساموتلوویچ، ژوزه، بارتولد، چوپان زاده و... آمده است.

کتاب «تاریخ دستور زبان فارسی» (باکو، ۱۹۲۸) تألیف میرزامحسن ابراهیمی از درخشان‌ترین آثار چاپ شده در این دوره می‌باشد. همچنین در سالهای (۲۵ ـ ۱۹۲۳) نمونه‌هایی از ادبیات فارسی دری و ادبیات پهلوی منتشر شد.

در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ فعالیت دانشکده رو به ضعف نهاد. دلیل اصلی آن بازداشت و اعدام عده‌ای از محققان و اساتید به اتهام «خیانت به ملّت»! و نیز آغاز جنگ جهانی دوم بود. با وجود این دشواریها در سال ۱۹۴۰ کتاب درسی «فارسی» علی آذری و در سال ۱۹۴۵ «فرهنگ روسی ـ فارسی ـ آذربایجانی» میربابایف منتشر می‌شود. از دههٔ پنجاه میلادی، در زمینه فارسی‌پژوهی و ایرانشناسی تحرکی دوباره ایجاد می‌شود. در گنجینه کتب خطی آکادمی علوم و دانشکدهٔ شرق‌شناسی دانشگاه باکو، تحقیق دربارهٔ ادبیات فارسی و زبانهای ایرانی، سرعت می‌گیرد.

اصلی‌ترین و مهمترین مرکز آموزش و پژوهش زبان فارسی، دانشکده شرق‌شناسی بود. تألیف کتب درسی، منتخبات، کتب دستور زبان برای تدریس بهتر زبان فارسی در دانشکده، نقش به سزایی داشت. کتابهای درسی علی آذری (دانشیار دانشگاه) برای دانشجویان زبان فارسی، از درخشان‌ترین فعالیتهای دانشکدهٔ شرق‌شناسی به شمار می‌رود. آذری، تبریزی‌الاصل بود؛ کتاب «زبان فارسی» وی که برای دانشجویان سال اول و دوم تألیف شده بود (باکو، ۱۹۲۵) در همهٔ مدارسی که زبان فارسی در آنها تدریس می‌شد، به عنوان کاملترین کتاب درسی مورد توجه بود. آذری در تشویق دانشجویان به فراگیری زبان و ادب فارسی از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید. وی به اتفاق حسن علیزاده کتاب درسی «زبان فارسی» (برای مدارس متوسطه) را نوشته و مؤلف مقالات تحقیقی بسیاری است.

در دههٔ پنجاه پروفسور رحیم سلطان‌اف به ریاست دانشکدهٔ شرق‌شناسی منصوب شد. سلطان‌اف در امر تدریس و تحقیق زبان فارسی در آذربایجان استادی بی‌بدیل است؛ وی به زبان و ادب فارسی احاطه کامل دارد. سلطان‌اف فعالیت خود را در زمینه شرق‌شناسی به ویژه آموزش و پژوهش زبان فارسی متمرکز کرده است. او از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ به مدت ده سال ریاست دانشکدهٔ شرق‌شناسی را بر عهده داشت. پس از آن تا سالهای اخیر با عنوان مدیر کرسی زبانهای خاور نزدیک در دانشکدهٔ شرق‌شناسی مشغول فعالیت بود. سلطان‌اف مؤلف کتب و مقالات متعددی در زمینهٔ تاریخ زبان فارسی و شیوه‌های تدریس زبان فارسی، همچنین کتابهای درسی و کمک‌درسی برای مدارس متوسطه ودانشگاهها می‌باشد. «جایگاه گلستان در میان آثار سعدی» (باکو، ۱۹۶۱) و «روش تدریس زبان فارسی» (۱۹۷۳) از آن جمله‌اند. سلطان‌اف

در ترجمهٔ متون کلاسیک فارسی به ترکی آذربایجانی نیز نقش بسیار مهمی داشته است. «گلستان» سعدی (باکو، ۱۹۸۳)، «کلیله و دمنه»، «قابوسنامه»، «اخلاق ناصری» (باکو، ۱۹۸۰)، «بهارستان» و «سیاستنامه» (باکو، ۱۹۸۹) با سعی پروفسور سلطان‌اف به ترکی آذربایجانی برگردانده شده است. در زمینهٔ لهجه‌شناسی و لغت‌شناسی، آثار خانم دکتر نیرالزمان حاتمی که از سالها پیش به تدریس زبان فارسی در دانشگاه اشتغال دارد، نمود بارزتری داشته‌اند. موضوع رسالهٔ دکتری وی «لغت‌شناسی زبان فارسی و راههای تکامل آن» می‌باشد.

حاتمی مؤلف کتب درسی مختلف برای دانشجویان و دانش‌آموزان مدارس متوسطه است. «زبان فارسی» برای کلاسهای ششم و هفتم (با علی آذری ـ ۱۹۵۹)، «زبان فارسی» (با حسن علیزاده ـ ۱۹۶۴)، «زبان فارسی» برای کلاسهای نهم، دهم و یازدهم (با رستم اوا ـ ۱۹۶۵)، «زبان محاوره‌ای فارسی» (۱۹۸۴) و کتاب قرائت (با حسن محموداف ـ ۱۹۷۵) از آن جمله‌اند.

پروفسور احمد شفایی و پروفسور حسن محموداف از اساتید دانشکدهٔ شرق‌شناسی، اغلب به موضوعات و مسائل دستوری خاصی که کمتر مورد تحقیق و تفحص قرار گرفته، توجه داشته‌اند. موضوع رسالهٔ دکتری احمد شفایی «جمله‌هایی مرکب پیرو در زبان فارسی» (۱۹۶۷) و موضوع رسالهٔ دکتری حسن محموداف «جملات ساده در زبان فارسی» (۱۹۸۲) می‌باشد. این دو دربارهٔ مسایل گوناگون دستور زبان فارسی، مقالات بسیاری نگاشته‌اند. همچنین مؤلف چند کتاب درسی‌اند. «کتاب قرائت فارسی» (ر. سلطان‌اف، ا. شفایی، غ. دارآبادی ـ ۱۹۵۹)، «زبان فارسی» برای کلاسهای ششم (ا. شفایی، آ. رضایوا ـ ۱۹۶۲)، «زبان فارسی» برای کلاسهای ششم (ا. شفایی، آ. علی اکبروا ـ ۱۹۶۶)؛ «زبان

فارسی» برای کلاسهای هفتم و هشتم(ر. سلطان‌اف ح. محموداف، ا. نظرلی - ۱۹۶۴)، «زبان فارسی» برای دانشجویان دانشکده‌های شرق‌شناسی و ادبیات (ا. شفایی، ح. محموداف - ۱۹۶۶) و «نحو جملات ساده در زبان فارسی» (ح. محموداف - ۱۹۷۵)... در شمار آثار پروفسور شفایی و پروفسور محموداف می‌باشد.

افزون بر اینها کتاب وزین «مبانی علمی دستور زبان فارسی» تألیف پروفسور احمد شفایی در تهران منتشر شده است.

از میان محققان دانشکدهٔ شرق‌شناسی، ح. علیزاده، ت. رستم‌اوا، و. ش. شیرعلی‌اف، مسائل صرفی زبان فارسی را موضوع مطالعات و تحقیقات خویش قرار داده‌اند:

«صفات فاعلی و ترکیبات آن در زبان فارسی» (ت. رستم اوا - ۱۹۷۷)، «زبان فارسی» برای دانشجویان شعب شبانه و غیر حضوری (ت. رستم اوا، ح. علیزاده - ۱۹۶۶)، «مورفولوژی زبان فارسی» (ا. شفایی، ت. رستم اوا - ۱۹۷۷) و...

خانم آنیا علی‌اکبراوا بیش از چهل سال است که در دانشگاه باکو مشغول فعالیت علمی و تحقیقی است. وی دانشیار دانشکدهٔ شرق‌شناسی و مؤلف آثار متعددی در زمینهٔ زبان و ادب پارسی است به شرح زیر:

۱ - زبان فارسی برای کلاسهای ششم متوسطه (با همکاری احمد شفایی - ۱۹۶۶).

۲ - کتاب قرائت برای کلاسهای پنجم، ششم و هفتم متوسطه (با همکاری عدالت زینال‌اف - ۱۹۶۶).

۳ - زبان فارسی برای کلاس ششم متوسطه (با همکاری منظره محمداوا - ۱۹۹۲).

وی همچنین مؤلف مقالاتی چون «انواع قید در زبان فارسی» (از نظر معنا)، «قید کیفیت در زبان فارسی»، «قید حالت در فارسی معاصر»، «قید زمان در فارسی معاصر»، (ترکیباتی که نقش قیدی دارند)»، «قید مقدار در فارسی ادبی معاصر»، «قید زمان در فارسی ادبی معاصر»، «قید در لیلی و مجنون نظامی» و... که بیشتر این مقالات در «مجموعه آثار علمی» از انتشارات دانشگاه دولتی آذربایجان به چاپ رسیده است.

فخرالتاج ذوالفقاراوا حدود ۳۴ سال است که در دانشگاه دولتی باکو به خدمت اشتغال دارد. وی اکنون دانشیار دانشگاه باکو می‌باشد. خانم ذوالفقاراوا مؤلف مقالات مختلف علمی ـ تحقیقی است. او همچنین یکی از مؤلفان «فرهنگ مختصر تعابیر فارسی ـ آذربایجانی» (با همکاری پروفسور شفایی ـ ۱۹۷۸) است.

خانم منظره محمداوا، با سی سال پیشینه تدریس، در حال حاضر دانشیار دانشگاه دولتی باکو می‌باشد. م. محمداوا در تألیف کتاب «زبان فارسی برای کلاس ششم متوسطه» با خانم آنیا علی‌اکبراوا همکاری داشته است. این کتاب از تازه‌ترین کتب درسی فارسی به شمار می‌رود. (باکو، ۱۹۹۲) او همچنین مقالات مختلفی درباره دستور زبان فارسی و نیز آثار قطران تبریزی و نظامی گنجه‌ای نگاشته است.

یکی از محققان و مدرسان دانشکدهٔ شرق‌شناسی که به طور خستگی‌ناپذیر مشغول فعالیتهای پژوهشی است، خانم عصمت محمد اوا می‌باشد. کتابهای «زبان فارسی» برای کلاس نهم متوسطه (زیر چاپ) و «خصوصیت آواشناختی و جایگاه تکیه در زبان فارسی» (فرهنگستان علوم، ۱۹۷۳) از آثار اوست.

توفیق جهانگیراف نیز در تدریس و تحقیق زبان فارسی مقالات گوناگونی نگاشته است.

محمد علیزاده (مبارز) از چهره‌های ممتاز دانشکدهٔ شرق‌شناسی به حساب می‌آید. او از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۵ مدیریت دانشکده را بر عهده داشت و از سال ۱۹۶۱ مدیر کرسی ادبیات ملل خاورمیانه و خاورنزدیک می‌باشد. پروفسور علیزاده مؤلف آثار بسیاری در زمینه ادبیات کلاسیک ایران و آذربایجان می‌باشد. وی همچنین در ترجمهٔ آثار شاعران متقدم و معاصر فارسی گوی به ترکی آذری نقش فعالی داشته است. از این میان برگردان منظوم «شاهنامه فردوسی» شاهکار حیات ادبی اوست. علیزاده نویسندهٔ کتاب «نظامی و عصر ما» (به ترکی ـ ۱۹۴۷) و نویسندهٔ بخش نظامی گنجوی از کتاب «تاریخ ادبیات آذربایجان» می‌باشد.

از دیگر اساتید برجسته دانشکده باید پروفسور میرزا رحیم‌اف را نام برد. پروفسور رحیم‌اف در حال حاضر نیز ریاست کرسی زبانهای شرقی را بر عهده دارد.

سال ۱۹۵۸ در فرهنگستان علوم آذربایجان، انستیتوی خاورشناسی تشکیل گردید. در آن انستیتو تاریخ، اقتصاد، فلسفه، زبان و ادبیات ایران و چند کشور دیگر خاورمیانه مورد پژوهش و تحقیق قرار گرفت. اگرچه انستیتو نخست از کادر علمی ـ پژوهشی چندان مجربی برخوردار نبود، بعدها با جلب ادبا و محققان ارشد که با زبان فارسی آشنایی داشتند، به تدریج فارسی پژوهی به یکی از شاخه‌های پژوهشی نیرومند تبدیل شد. از دهه ۶۰ دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه دولتی باکو، انستیتوی شرق‌شناسی فرهنگستان علوم و انستیتوی کتب خطی جمهوری آذربایجان به عنوان سه کانون علمی ـ تحقیقی نیرومند به موازات هم و به طور هماهنگ فعالیت می‌کنند. در این مراکز فعالیتهای فارسی پژوهی در چند شاخه مشخص مانند صرف و نحو، لغت‌شناسی، لهجه‌شناسی و فرهنگ‌نویسی صورت می‌گیرد.

کتابهای «کلمات آذربایجانی در زبان فارسی» اثر. ح. زرینه‌زاده (۱۹۶۲)؛ کتاب «مکالمهٔ آذربایجانی ـ فارسی» اثر عبدالله‌اف (۱۹۶۸)؛ «امو امورفمهای کلمه‌ساز در زبان فارسی» تألیف طیبه علی‌اصغر اوا (۱۹۷۲)؛ «ضمایر شخصی در زبان فارسی» تألیف جمیله صادق‌اوا (۱۹۷۵)؛ «فارسی پژوهان آذربایجان» نوشتهٔ، ج. صادق‌اوا ـ ط. علی‌اصغر اوا (۱۹۹۰)، «لهجهٔ قوناقکند زبان تاتی» تألیف م. حاجی‌اف، «کلمات متضاد در زبان فارسی» اثر.ش علی بیگلی (۱۹۹۱) و... آثار ارزشمندی هستند که در زمینهٔ فارسی پژوهی منتشر شده‌اند. دانشمندان خاورشناس آذربایجان درباره پیدایش لغت‌شناسی فارسی و رشد و شکوفایی آن،نقش فرهنگ‌نویسان آذربایجانی در این رشته، لغتنامه‌های فارسی و دو زبانی، ویژگیهای آنها، اصول تنظیم و موضوعات دیگر، همچنین دربارهٔ نسخ خطی موجود در انستیتوی نسخ خطی آثار متعددی نوشته‌اند. در این زمینه فعالیت ج. زرینه زاده، ج. قهرمان‌اف، م. محمد اوا، ج. صادق‌اوا و ط. علی‌اصغر اوا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در زمینه لغتنامه‌های فارسی ـ ترکی و عربی ـ فارسی که توسط نویسندگان آذربایجان تألیف شده، تحقیقاتی صورت گرفته است. از آن میان متن علمی ـ انتقادی «الصحاح‌العجمیه» به تألیف هندو شاه نخجوانی در زیر چاپ می‌باشد و تنها نسخه موجود از لغتنامهٔ فارسی ـ ترکی «تحفه سام» از حسام‌الدین خویی (قرن هفتم هجری) به زودی برای چاپ آماده می‌شود.

کتاب «فارسی پژوهان آذربایجان» تألیف جمیله صادق‌اوا و طیبه علی‌اصغر اوا که پیشتر بدان اشارت رفت، یک اثر علمی ـ تحقیقی قابل توجه می‌باشد. این کتاب شامل هفت فصل است. در فصول مختلف از تاریخ زبانشناسی فارسی و آموزش دستور زبان فارسی در آذربایجان

بحث می‌شود. مؤلفان همچنین دربارهٔ دانشمندان آذربایجانی که در کشورهای شرق و روسیه در زمینه تدریس و تحقیق فارسی کوشیده‌اند، اطلاعاتی ارائه می‌کنند و...

از میان دانشمندان و محققان جمهوری آذربایجان نام پرفسور رستم علی‌اف نیز در زمینه تحقیق و تدریس زبان وادب پارسی بر اهل ادب آشناست. پروفسور علی‌اف علاوه بر آثاری در زمینه نظامی، فضولی، سعدی و... که به زبانهای فارسی، روسی و ترکی آذربایجانی نوشته، در تصحیح متون ادبی نیز زحماتی بسیاری را برتافته است. «گلستان» و «بوستان» سعدی از جمله آثاری است که با تصحیح و تحشیهٔ رستم علی‌اف چاپ شده‌اند.

انستیتوی شرق‌شناسی فرهنگستان علوم ـ به سال ۱۹۵۷ که کنگرهٔ شرق‌شناسان در تاشکند برگزار شده بود، پیشنهاد تشکیل انستیتوی شرق‌شناسی در جمهوری آذربایجان از سوی دانشمندان آذری مطرح شد. بدین ترتیب با تصویب دولت به سال ۱۹۵۸ انستیتوی شرق‌شناسی تأسیس شد. در این انستیتو شعبهٔ ایران (شامل بخشهای پژوهش دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی و بخش انتشار متون کلاسیک) به فعالیتها و تحقیقات ایرانشناسی و فارسی پژوهی اختصاص دارد. آثار همکاران این انستیتو در مجموعه‌هایی با عنوان «مسائل ادبیات ایران» منتشر شده است. (۱۹۶۶ ـ ۱۹۷۳)

از میان آثاری که انستیتو شرق‌شناسی منتشر کرده است، می‌توان به کتابهای زیر اشاره کرد:

۱. *حسین‌اف، بیوک آقا:* سنت و نوگرایی در شعر قرن بیستم ایران، ۱۹۷۵

۲. *حاجی‌زاده، علی بالا:* شعر فرخی یزدی، ۱۹۶۵

۳. *محرم‌اف، طاهر:* متن انتقادی لیلی و مجنون امیرخسرو دهلوی، ۱۹۷۰

۴. *علیزاده، عبدالکریم:* متن انتقادی اسکندرنامه، مخزن‌الاسرار، جامع‌التواریخ

۵. *صادق‌اوا، جمیله ـ علی‌اصغر اوا، طیبه:* فارسی پژوهان آذربایجان، ۱۹۹۰

۶. *علی‌یف، رستم:* ترجمهٔ ادبی خمسه نظامی به زبانهای ترکی آذربایجانی و روسی (با همکاری دانشمندان دیگر) ـ در انتشار خمسه نظامی انستیتوی ادبیات «نظامی» نیز شرکت داشته است.

۷. *محمدی، مسیح آقا:* صائب تبریزی و سبک هندی در شعر فارسی، ۱۹۹۴

۸. *زرینه زاده، حسن:* واژه‌های آذربایجانی در زبان فارسی، ۱۹۶۲

۹. *علیزاده، نوشابه:* نثر بزرگ علوی، ۱۹۸۹

در حال حاضر کارهای زیر در انستیتوی شرق‌شناسی در دست انجام است.

۱. بررسی و تهیه متن انتقادی تجریداللغات ـ علی بادکوبی

۲. بررسی و تهیهٔ متن انتقادی تحفهٔ حسام ـ حسام‌الدین خویی

۳. تهیه متن انتقادی خمسهٔ اشرف مراغه‌ای

۴. تهیهٔ متن انتقادی دیوان فارسی جهانشاه حقیقی

۵. ترجمهٔ آثار بوداق منشی قزوینی به زبان ترکی آذری

۶. ترجمه و تهیه متن انتقادی هفت‌جنان اثر یوسف قره‌باغی

انستیتوی نسخ خطی ـ سال ۱۹۵۰ م. با عنوان بنیاد نسخ خطی جمهوری شروع به فعالیت کرد.

از سال ۱۹۸۶ با عنوان انستیتوی نسخ خطی فرهنگستان، به کار خود

ادامه داد.

در این مرکز فعالیتهای علمی مختلف دربارهٔ زبان فارسی صورت می‌گیرد:

۱. تهیهٔ کاتالوگ و تصویر نسخ فارسی ـ ج ا (شامل حرف «آ» تا «پ»)، ۱۹۹۴ (به زبان روسی)

۲. کاتالوگ نسخ خطی فارسی در سه جلد (به زبان ترکی آذری)

۳. تصویر و معرفی توصیفی نسخ خطی موجود از آثار جامی در باکو

۴. کاتالوگ کتب فارسی چاپ سنگی و چاپ قدیم (در دست تهیه) شامل حدود ۱۹۵۲ کتاب موجود در انستیتوی مذکور. قدیمی‌ترین کتاب در سال ۱۷۸۳ چاپ شده است.

۵. ترجمه بررسی اسناد تاریخی فارسی مربوط به تاریخ قره‌باغ.

همچنین براساس این کتاب «فرهنگ اصطلاحات فارسی ـ آذربایجانی» در دست تهیه است.

❑

جنت نقی‌اوا، محسن نقی‌اف، نصیب گؤیوش‌اف، اکرم باقروف، مهری محمداوا، نظامی محمدوف و... از همکاران فعال انستیتوی نسخ خطی به شمار می‌روند.

○ **مراکز آموزش عالی:**

زبان فارسی در مراکز آموزش عالی زیر تدریس می‌شود:

۱. دانشگاههای تربیت معلم ـ دانشکدهٔ علوم انسانی ـ باکو، گنجه، نخجوان، لنکران

۲. انستیتوی زبانهای خارجی ـ دورهٔ دو سالهٔ ویژهٔ آموزش زبان فارسی از سال ۱۹۶۰ تاکنون ایجاد شده است و در حال حاضر به روش

غیرانتفاعی فعالیت می‌کند.

۳. دانشگاههای خصوصی (= آزاد) - شامل کالج عالی دیپلماسی (شعبهٔ زبانهای شرقی)، دانشگاه آسیا، دانشگاه سیاسی - اجتماعی، دانشگاه زادگانلار و دانشگاههای خصوصی دیگر. در این دانشگاههای فارسی به عنوان یک زبان خارجی تدریس می‌شود.

۴. آموزشگاهها

□

در جمهوری آذربایجان چند کنگره و کنفرانس دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی تشکیل شده است. به سال ۱۹۶۳ کنفرانس زبان و ادبیات ایران در باکو برگزار شد. در این کنفرانس حدود ۳۵ مقاله قرائت شده، که از آن میان ۱۶ مقاله از استادان آذری بوده است.

در سال ۱۹۷۶ کنفرانس ترجمهٔ متون علمی - فنی از زبانهای شرقی (به ویژه فارسی) به مدت دو روز در باکو برگزار گردید.

در سال ۱۹۷۷ نیز به مناسبت شصتمین سال انقلاب اکتبر کنفرانس بررسی مسائل ادبیات ایران در باکو تشکیل شد. همچنین به سال ۱۹۸۲ کنفرانس علمی شرق‌شناسان اتحاد شوروی برگزار شد.

نقش فرهنگ نویسان و دستور نویسان در آموزش و گسترش زبان فارسی

ادبیات دری از قرن چهارم هجری، در هیأت جریانی نیرومند از شرق ایران آغاز شد، امواج توفندهٔ آن تا اقصیٰ نقاط سرزمین ایران رسید و حتی از حدود و ثغور کشور در گذشت. گسترش شعر و ادب، ایجاد علوم مرتبط با آن را نیز در پی داشت. آثاری که تا اوایل قرن پنجم توسط ادبای ایرانی تألیف یافته، اغلب به زبان عربی است. به ویژه در زمینه علم لغت و

دستورنویسی همهٔ تألیفات به عربی می‌باشد. در زمینه علوم بلاغی کتابهایی چون ترجمان‌البلاغه غایة‌العروضین، کنزالقافیه و خجسته نامه به پارسی نگاشته شده است. اما از میانه سدهٔ پنجم هجری علوم ادبی رواج می‌یابد. از این میان فرهنگ نویسی و دستورنویسی به دلیل نقشی که در آموزش و گسترش زبان فارسی دارد، از اهمیت بیشتر برخود دارند:

کتاب «مقایسه فی لغة‌الفرس» تألیف قطران تبریزی شاعر قرن پنجم از قدیمی‌ترین کتب لغت است. کتاب دیگری که در همین قرن تألیف شده «لغت فرس» اسدی توسی می‌باشد. «این کتاب را اسدی برای آن نوشت تا شاعران معاصر او در ایران و آذربایجان بتوانند مشکلات خود را در لغات پارسی دری بوسیلهٔ آن مرتفع سازند.[1]

«قانون‌الادب» اثر جیش تفلیسی (متوفی به سال ۶۲۹ هـ ق) از کتب لغت قرن هفتم است. کتاب‌القوافی از دیگر تألیفات پارسی جیش تفلیسی به شمار می‌آید. جیش از ادبای بنام آذری تبار بود. در قرن هفتم همچنین ابونصر فراهی لغتنامه‌ای منظوم با عنوان نصاب‌الصبیان تألیف می‌کند. این لغتنامه، که به منظور آموزش زبان فارسی در مدارس و مکتبخانه‌های آن روزگار نوشته شده بود، الگوی کار فرهنگ نویسان دیگر شد.

منظومهٔ «زهرة‌الادب» اثر شکرالله‌بن شمس‌الدین احمد و «نصیب‌الفتیان و نسیب‌البتیان» تألیف حسام‌الدین خویی، هر دو به تقلید از نصاب‌الصبیان به نظم کشیده شده است. این دو اثر در مدارس غرب و شمال غرب ـ به ویژه آذربایجان در شماره کتب درسی جای گرفتند.

اکثر فرهنگهایی که تا قرن ششم نگاشته شده، فرهنگهای توضیحی است. از قرن ششم تألیف فرهنگهای دو زبانی آغاز می‌شود. در این دوره

---

۱. صفا، ذ. **گنجینهٔ سخن**. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۱.

کتب لغت عربی ـ فارسی متعدد زیادی از جمله طرح‌اللغة (جمال‌الدین قرشی)، قاموس‌المحیط و قابوس‌الوسیط (فیروزآبادی) و... تألیف شده است.

تألیف فرهنگهای ترکی به فارسی یا فارسی به ترکی نیز از سدهٔ هفتم هجری شروع شده است. با توجه به نیاز مردم آذربایجان خاصه شعرا و ادبای آن دیار، به فراگیری دشواریهای زبان پارسی اهمیت این فرهنگها بیشتر نمود می‌یابد.

البته حسام‌الدین حسن‌بن عبدالمؤمن خویی از شاعران آذربایجان مؤلف لغتنامه منظوم عربی ـ فارسی «نصیب‌الفتیان و نسیب‌البتیان» در قرن هفتم یک فرهنگ منظوم ترکی به فارسی با عنوان «تحفه حسام» نوشته است. «تحفه حسام» شامل ۲۹۶ بیت می‌باشد.

حسام‌الدین خویی از شاعران دربار چوپانیان و مداح مظفرالدین یولوق ارسلان بود و «نزهت‌الکتاب» را به نام او تمام کرده است. حسام‌الدین در بعضی آثارش «مظفری» تخلص می‌کرد، که این نیز بر گرفته از نام مظفرالدین بود. دیوان اشعار حسام در موزهٔ بریتانیا نگهداری می‌شود. در فرهنگ منظوم «تحفه حسام» از بحرهای مختلف عروضی استفاده شده است. این اثر را می‌توان نخستین گام در عرصهٔ تألیف فرهنگهای ترکی به فارسی دانست. دربارهٔ زندگی حسام‌الدین خویی اطلاعاتی در دست نیست. اما بر ما روشن است که وی نظم کتاب «نصیب‌الفتیان ونسیب‌البتیان» را در سال ۶۴۰ هـ به پایان برده است. این قرن همچنین، دورهٔ پیدایش فرهنگهای فارسی ـ ترکی است. لغتنامهٔ فارسی ـ ترکی «الصحاح‌العجمیه» یا «الصحاح‌العجمیه» اثر هندوشاه نخجوانی از آثار همین دوره به شمار می‌رود.

دربارهٔ مؤلف «صحاح‌العجم»، به اطلاعات ضدو نقیضی بر

می‌خوریم. بسیاری از محققان این کتاب رااز آثار محمدبن هندوشاه نخجوانی معروف به شمس منشی دانسته‌اند. دلیل اصلی این اشتباه تشابه میان نام کتاب شمس منشی (صحاح‌الفرس) و کتاب مذکور بوده است. «صحاح‌الفرس» تألیف محمدبن هندوشاه نخجوانی، که به سعی طاعتی در سال ۱۳۴۱ در تهران منتشر شد. در پی انتشار این کتاب، اشتباه برخی محققان در انتساب «صحاح‌العجم» به محمدبن هندوشاه روشن شد.

در اینجا لازم است به نمونه‌ای از اطلاعات ضد و نقیضی که درباره «صحاح‌العجم» آمده اشاره شود.

دکتر صفا در کتاب «تاریخ ادبیات» صحاح‌العجم را از آثار شمس‌الدین محمدبن هندوشاه نخجوانی ذکر می‌کند.[۱]

وی در «گنجینهٔ سخن» می‌نویسد که: «صحاح‌الفرس» تألیف شمس‌الدین محمدبن هندوشاه‌بن سنجر نخجوانی است.[۲]

چنین به نظر می‌رسد که در نظر مؤلف «صحاح‌العجم» و «صحاح‌الفرس» در واقع یک کتاب است با دو نام. دکتر صفا، حتی پس از نشر «صحاح‌الفرس» هم در چاپهای بعدی تاریخ ادبیات در ایران (و نیز خلاصهٔ آن که بعدها زیر نظر خود وی تلخیص شده است) اشتباه خود را تکرار کرده است.

فخرالدین هندوشاه‌بن سنجربن عبدالله دانشمند، مورخ، فرهنگ‌نویس و شاعر سده‌های هفتم و هشتم هجری است. وی علاوه بر صحاح‌العجم یا الصحاح‌العجمیه، صاحب دیوان اشعار، مؤلف کتبی چون «تجارب‌السلف» (در تاریخ خلفا و وزرای اسلام) و «مواردالعرب»

---

۱. صفا، ذ. ***تاریخ ادبیات ایران***. تهران: فردوس، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۷۶.

۲. **گنجینهٔ سخن**. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۱۵۵ ـ ۱۵۴.

می‌باشد.

در «الصحاح‌العجمیه» معادل ترکی حدود پنج هزار و صدو هفده لغت فارسی داده شده و در هر مدخل مترادفات، مشتقات و... مربوط بـه آن لغت ذکـر شـده است. فـرهنگ «الصـحاح‌العـجمیه» شـامل یک مـقدمهٔ مختصر و فصلی کـوتاه در دسـتور زبـان فـارسی است. مـقدمه و بـخش دستور، به زبان عربی نوشته شده است. از مـقدمه روشـن مـی‌شود کـه هندوشاه این فرهنگ را برای «فـارسی‌آموزان غـیر فـارس» تألیـف کـرده است. بخش لغات‌الصحاح‌العجمیه در دو بخش تـرتیب یـافته است: ۱ ـ اسـمها (فـی‌الاسـما) ۲ ـ افـعال (فـی‌الافـعال) از مـیان نسـخ خـطی مختلف‌الصحاح‌العجمیه، تاکنون سه نسخه شناسایی شده که از این میان یک نسخه در قرن چهاردهم میلادی)، یک نسخه در قرن پانزدهم و نسخه سوم در قرن هجدهم استنساخ شده است.

متأسفانه نسخه‌ای که در قرن چهارده هم کتابت شـده، چـند صـفحه افتادگی دارد. برای همین، نسخهٔ مربوط به سدهٔ پانزدهم به اعتبار قدمت خود اساس کار محققان قرار می‌گیرد.[1]

دربارهٔ وجه تسمیهٔ کتاب نیز باید به مقدمهٔ آن استناد کنیم:

«از آنجایی که به سبک الصحاح‌العربیه است، آن را الصحاح‌العجمیه نامیدم».[2]

فـرهنگ «صـحاح‌الفـرس» در قـرن نـهم تـوسط مـحمدبن هـندوشاه نخجوانی (معروف به شمس منشی) نوشته شده است. صحاح‌الفرس یک

1.СадыгоВа,ч.ӘләскәроВа, Т: фарс ДиәиНи ТәдГиГ ЕдәН АзәРБајчаН АлиМләри. Бакы. Елm, 1990, Слh.70.

2. jeHəgə opaga. cəh. 71 (به نقل از نسخه خطی اثر)

فرهنگ توضیحی می‌باشد که مؤلف در تألیف آن به «صحاح‌اللغة» جوهری نظر داشته است. «صحاح‌الفرس» از بیست و پنج باب، سیصدو سی و یک فصل و دو هزار و سیصد لغت تشکیل شده است. محمد بن هندوشاه این کتاب را به غیاث‌الدین‌بن رشیدالدین از امرای ایلخانی تقدیم کرده است.

«دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب» از دیگر تألیفات شمس‌منشی می‌باشد. «صحاح‌الفرس» با مقابله و تصحیح عبدالعلی طاعتی به سال ۱۳۴۱ در تهران منتشر شد.

بنابه اظهار دکتر صفا «این کتاب را ابن هندوشاه معروف به شمس منشی، از روی لغت فرس اسدی توسی شاعر، تنظیم و آن را تکمیل کرده و به وضع و ترتیب صحاح‌اللغة تألیف جوهری فارابی در آورده است.»[۱]

فرهنگ ابراهیمی یا شرف نامهٔ منیری تألیف قوام‌الدین ابراهیم فارونی (به سال ۸۷۸ هـ) از فرهنگهای چند زبانهٔ سدهٔ نهم به شمار می‌رود. این فرهنگ به زبانهای عربی، فارسی و ترکی تألیف شده است.

همچنین در بعضی منابع از جمله در «ریحانة‌الادب» به لغتنامه‌ای فارسی از وحید تبریزی با عنوان «مفتاح‌البدایع» اشاره شده است.[۲] متأسفانه نسخ خطی این لغتنامه تاکنون به دست نیامده است. وحید تبریزی از علمای قرن دهم آذربایجان می‌باشد و به سال ۹۴۲ هجری در گیلان وفات یافته است.

جریان فرهنگ‌نویسی که از قرن هفتم و هشتم در هندوستان آغاز شده بود، در قرون نهم ودهم با قوت بیشتری ادامه یافت و در قرن یازده هجری

---

۱. صفا، ذ. **گنجینهٔ سخن**. (مذکور)، ص ۱۵۵.

۲. مدرس تبریزی. ***ریحانة‌الادب***. چاپ دوم، ج ۶.

به اوج شکوفایی رسید. «درست است که تا قرن یازدهم هجری چند کتاب... در لغت فارسی تألیف شده بود، اما نهضت واقعی در این باب بیشتر از قرن مذکور به بعد و اکثراً در سرزمین هند و به دست ایرانیان برای تدوین لغات فارسی انجام گرفت. یکی از علل عمدهٔ این امر، توجهی بود که در عهد اکبرشاه به ادب فارسی در دربار مغول هند ایجاد شده بود.»[1]

از قرن یازدهم به بعد فرهنگهای معروفی چون فرهنگ جهانگیری و فرهنگ رشیدی، غیاث‌اللغات، آنندراج، انجمن آرای مجلسی و... تألیف شده است.

ادبای آذربایجان نیز در این نهضت ادبی سهمی بسزا داشتند. علی یوسف شروانی یکی از نویسندگان دربار اکبر شاه بود. وی در اواسط قرن دهم در شروان متولد شده و بعدها به هندوستان مهاجرت کرده است. شروانی مؤلف فرهنگ فارسی «دُرّ دری» است.

وی این لغتنامه را در سال ۱۰۱۸ هجری به نام خسروخان فرزند جهانگیر شاه تمام کرده است. دو نسخه از «دُرّ دری» در دست است که یکی از آنها در کلکتهٔ هند و دیگری در انستیتوی خاورشناسی تاشکند نگهداری می‌شود.

«برهان قاطع» را می‌توان مهمترین فرهنگ فارسی این دوره دانست. این لغتنامه توسط محمدحسین‌بن خلف تبریزی (برهان)، در هندوستان نوشته شده است. تألیف برهان قاطع در سال ۱۰۶۲ هجری به پایان رسیده، مؤلف، آن را به سلطان عبدالله‌بن قطب شاه خلیل‌الله والی حیدرآباد پیشکش کرده است. برهان قاطع نسبت به فرهنگهای فارسی

---

۱. صفا، ذ. **گنجینهٔ سخن**. (مذکور)، همان صفحه.

دیگر که پیش از آن نوشته شده، لغتنامه‌ای کاملتر و معتبرتر به شمار می‌رود.

برهان قاطع مشتمل بر بیش از بیست هزار لغت و مشتقات آنهاست. اگرچه این کتاب در ایران، هند، مصر، ترکیه و... به کرّات منتشر شده، اما معتبرترین و منقح‌ترین چاپ آن به اهتمام دکتر محمد معین (صاحب فرهنگ فارسی معین) در چهار جلد به چاپ رسیده است. برهان قاطع در روند فرهنگ‌نویسی تأثیری شگرف بر جای نهاد و بسیاری از فرهنگ‌نویسان بعدی آن را به عنوان الگوی کار پیش چشم داشته‌اند. از جمله کار مؤلفان لغتنامه‌هایی چون: برهان جامع (میرزا عبداللطیف تبریزی) انجمن آرای ناصری (رضاقلیخان هدایت)، فربودسار (ناظم‌الاطباء نفیسی)، فرهنگ فارسی معین، لغت‌نامه دهخدا و... ملهم از برهان قاطع می‌باشد. حتی فرهنگ‌نویسان اروپا نیز از این کتاب ارزشمند متأثر بوده‌اند.

در سدهٔ یازدهم اگرچه هندوستان کانون فرهنگ‌نویسی فارسی بود، لیکن در نقاط دیگر هم آثار پراکنده‌ای در این زمینه نوشته شد. در این دوره عبدالله اونکوتی متولد روستای اونکوت از توابع شهر گوی چای (اکنون جزو خاک جمهوری آذربایجان می‌باشد.) لغتنامه‌ای با عنوان «تحفة‌الابواب» نگاشته است. سه نسخه خطی از این لغتنامه فارسی در کتابخانه ملی تبریز، انستیتوی خاورشناسی سن‌پترزبورگ و انستیتوی کتب خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان نگهداری می‌شود.

در قرن دوازدهم هجری نیز تداوم نهضت فرهنگ‌نویسی را شاهدیم. مهمترین اثری که در این سده در علم لغت تألیف یافته «قاموس»، اثر فیروزآبادی است.

«قواعد احمدیه» تألیف محمدمهدی تبریزی از فرهنگهای دوزبانهٔ

قرن دوازدهم است. این فرهنگ به سال ۱۱۹۹ هجری به فارسی و ترکی نگاشته شده است. «قواعد احمدیه» در برگیرندهٔ بخشی کوتاه دربارهٔ دستور زبان فارسی می‌باشد.

«ترجمان‌اللغات» اثر محمدیحیی‌بن شفیع‌قزوینی اقتباسی است از قاموس. «مفتاح‌المفاتیح» تألیف محمد رفیع‌بن محمدشفیع‌قزوینی، «مخزن‌الخزائن» تألیف محمد مؤمن‌بن حاجی کریم تبریزی (۱۱۱۹ هجری) و لغتنامهٔ «سماءالاسماء» اثر مهدی قلی صفا پسر علیقلی‌خان پسر قاراچوخاخان از فرهنگهای مشهور قرن دوازدهم‌اند. در اینکه مؤلفان این لغتنامه‌هابه قاموس فیروزآبادی نظر داشته‌اند، جای تردید نیست.

نویسندگان و دانشمندان مختلف، قاموس را ترجمه کرده‌اند و یا شروحی بر آن نگاشته‌اند. مولانا محمدبن حسن شروانی ادیب ودانشمند بزرگ، نخستین مترجم و حاشیه‌نویس «قاموس» می‌باشد. شروانی لغات ترکی بسیاری بر قاموس افزوده است.

لغتنامهٔ «سنگلاخ» اثر میرزا مهدی‌خان استرآبادی، نیز از مهمترین کتب این دوره است. «سنگلاخ» یک فرهنگ ترکی ـ فارسی می‌باشد. یکی از ویژگیهای فارسی پژوهی در قرن دوازدهم، استفاده از زبان ترکی در تحقیقات و پژوهشها می‌باشد.

لغتنامه فارسی «مفتاح‌المعانی» از تألیفات محمودبیگ‌بن فسونی از جمله فرهنگهایی است که در قرن دوازدهم نوشته شده است. فسونی از شاعران آذربایجان است که در زمان سلطنت اکبر شاه به هندوستان رفته و فرهنگ «مفتاح‌المعانی» را نیز همانجا تألیف کرده است. فسونی به سال ۱۲۰۷ هجری در شهر اللهآباد وفات کرده است.

اگرچه بعضی از محققان بر این باورند که نگارش دستور زبان فارسی

از قرن یازدهم هجری آغاز شد،[1] اما نخستین اطلاعات دربارهٔ دستور زبان فارسی در کتاب‌المعجم فی معاییر اشعارالعجم تألیف شمس قیس رازی آمده است. و. آ.کاپرانوف می‌نویسد: «مقدمهٔ لغتنامهٔ ادات‌الفضلای قاضی‌خان بدر محمد دهلوی را که به سال ۱۴۱۹ در هندوستان تألیف شده می‌توان قدیمی‌ترین اثر دربارهٔ دستور زبان فارسی به حساب آورد.»[2]

در حالیکه پیش از ادات‌الفضلاء علاوه بر المعجم در فرهنگ‌الصحاح‌العجمیه تألیف هندوشاه نخجوانی هم فصلی درباره دستور زبان فارسی آمده است. البته فصل دستورالصحاح العجمیه به زبان عربی نوشته شده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب کتاب‌الذریعه دربارهٔ آغاز نگارش دستور زبان چنین می‌نویسد: «قواعد فارسی دری پس از یورش ترکان سلجوقی به ایران نگاشته شد واز میان دستورنویسان ایران شمس‌الدین محمدبن قیس رازی را که در قرن هفتم می‌زیسته، نخستین کس می‌شناسیم.»[3]

برای آموزش دستور زبان فارسی در مدارس آذربایجان، جز اطلاعات مختصری که در فرهنگها و کتب ادبی دیگر همچون «المعجم فی معاییر اشعارالعجم» آمده، هیچ منبع دیگری در دست نبود. از اوایل قرن نوزدهم میلادی، تلاشهایی در عرصهٔ دستورنویسی آغاز می‌شود. این مساعی هم به مرتفع ساختن نیاز فارسی‌آموزان آذربایجانی و قفقازی و

---

۱. خیام پور، ع. **دستور زبان فارسی**. تبریز: ۱۳۴۰، ص ۱۰.

2.Фарс Дилини ТДГиГ ЕДәН Азәрбајҹан Алимләр (مذکور)، Cah.31

۳. شیخ آقابزرگ تهرانی. ***الذریعه***. الجزءالثامن، تهران: ۱۳۲۹، ص ۱۵۵.

هم به افزودن نخستین کتب دستور زبان فارسی به گنجینه علوم ادبی ایران منجر می‌شود.

اگرچه در پی معاهده ترکمانچای، بخش شمالی آذربایجان به خاک روسیه منضم شد، لیکن زبان فارسی تا مدتها در آن منطقه به کار برده می‌شد. عواملی چون وجود آثار ادبی و علمی بسیار به زبان فارسی، قرابت زبانهای فارسی و ترکی آذری، مجاورت فرهنگی و جغرافیایی ایران و جمهوری آذربایجان، ارتباطات تجار، انجام امور دفترخانه‌ها و... فراگیری زبان فارسی را ضروری ساخته بود.

اما تا اوایل قرن نوزدهم میلادی برای تدریس زبان فارسی هنوز دستور زبان معتبری چاپ نشده بود. تا اینکه در سال ۱۸۳۲ کتاب «قانون قدسی» اثر عباسقلی‌آقا بادکوبه‌ای (قدسی) در تفلیس منتشر شد. قانون قدسی به زبان فارسی و دربارهٔ دستورزبان فارسی نوشته شده است. بعدها (۱۸۴۱ م.) ترجمه روسی آن کتاب نیز منتشر شده است. قدسی در مقدمهٔ کتاب، ضمن تعریف از حلاوت و زیبایی زبان فارسی آن را شیرین‌ترین زبان می‌نامد و انگیزهٔ خود را از تألیف کتاب گسترش زبان فارسی در میان اهالی ماورای قفقاز ذکر می‌کند. چه اینکه وی آموختن فارسی را نه تنها لازم حتی واجب می‌داند. «قانون قدسی» و ترجمه روسی آن مدتهای مدید در مدارس ماورای قفقاز و روسیه تدریس می‌شد و در آموزش پارسی نقش مهمی داشت. مؤلف که خود از شاعران برجسته روزگار بود و دارای دیوان شعر فارسی، در قانون قدسی بعضی قواعد دستوری را به شکل منظوم می‌آورد. از آن میان می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

اقسام حروف فارسی بشنو　　　هستی ز سخن اگر تو واقف

پنج است روابط و زواید   تشبیه و عوامل و عواطف[۱]

و یا:

هر آن نقطی که در گفتن شود صرف[۲] ***بدان اسم است یا فعل است یا حرف***

«قانون قدسی» یا زبان فارسی با اشتقاق و اعلال شامل مقدمه و سه مرحله است. همانگونه که پیشتر اشاره شد مؤلف در مقدمه از انگیزه تألیف کتاب سخن می‌گوید.

کتاب «قواعد صرف و نحو زبان فارسی» اثر حاج عبدالکریم ایروانی تبریزی که در نیمه نخست سدهٔ نوزدهم به چاپ رسید در آموزش زبان فارسی نقش بسیار مهمی ایفا کرد. عبدالکریم ایروانی که خود به امر تدریس اشتغال داشت با درک نیاز فارسی‌آموزان به تألیف کتاب مذکور پرداخت. «قواعد صرف و نحو زبان فارسی» شامل مباحثی چون ماهیت و منشأ زبان، علم اصوات، صرف و نحو و... می‌باشد. این کتاب به سال ۱۲۶۲ هجری در تبریز منتشر شده است. ایروانی جز این، کتابی دیگر با عنوان «مختصر عروض» دارد که آن نیز در واقع برای دانش‌آموزان تألیف شده است. مؤلف در موارد مختلف نمونه‌هایی از اشعار رودکی، ناصر خسرو، فردوسی، خاقانی، نظامی، سعدی، حافظ و... می‌آورد. «قواعد صرف و نحو زبان فارسی» در آموزش و گسترش زبان فارسی حائز اهمیت بسیاری است.

از دهۀ هشتاد سدۀ نوزدهم در نتیجۀ مجاهدات و تلاشهای روحانیان و رجال مذهبی قفقاز کتب درسی متعددی درباره زبان فارسی و تاریخ

---

۱. بادکوبه‌ای (قدسی)، ع. ***قانون قدسی***. (زبان فارسی با اشتقاق و اعلال)، دارالطبع تفلیس، ۱۳۴۸، صص ۲۸ - ۲۷.

۲. بادکوبه‌ای (قدسی)، ع. ***قانون قدسی***. (مذکور)، ص ۹.

اسلام تألیف شد. کتاب «مفتاح لسان فارسی» اثر شیخ عبدالسلام آخوندزاده مدرس علوم دینی دارالمعلمین ماورای قفقاز از آن جمله است. «مفتاح لسان فارسی» مشتمل بر سه باب است:

۱ - باب اسم ۲ - باب فعل ۳ - باب قید وادات که هر بابی خود شامل چند فصل می‌باشد. مفتاح لسان فارسی متأثر از کتب قواعد عربی است. با این همه تا اواخر قرن نوزدهم این کتاب در اکثر مدارس آذربایجان و نواحی دیگر قفقاز تدریس می‌شد.

علی‌میرزا نریمان‌اف‌معلم زبانهای ترکی و فارسی مدرسه مسلمانان تفلیس برای تسهیل تدریس زبان فارسی چند کتاب درسی نوشت. «تحفةالصبیان» از آن جمله است. این کتاب شامل هشتاد و هفت صفحه است.

سلطان مجید غنی‌زاده وعلی اسکندر جعفرزاده کتاب «کلید ادبیات» را برای فارسی‌آموزان مدارس روس - تاتار در باکو نوشته‌اند. این کتاب در ایران مصر و هندوستان تجدید چاپ شده است. در اواخر قرن نوزدهم کتاب «اصول جدید لسان فارسی» تألیف صفرعلی بیگ‌اف به طبع رسیده است.

کتب «دستور فارسی» و «رهبر سخن» اثر میرزا محسن ابراهیمی و کتاب «بدرقةالاطفال فی اصول تدریس‌الفارسیه» اثر عباس رازی محمدزاده نیز از دیگر کتابهایی هستند که در این دوره برای آموزش زبان فارسی نوشته شده‌اند. «بدرقةالاطفال فی اصول تدریس‌الفارسیه» در دو جلد می‌باشد که جلد نخست آن سال ۱۹۱۱ و جلد دوم آن سال ۱۹۱۹ در باکو چاپ شده است.

فصل چهارم

کتابهای فارسی موجود در انستیتوی نسخ خطی «فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان»

شمال آذربایجان از سدهٔ ششم هجری، به عنوان یکی از کانونهای ادبی ایران درآمد. در سده‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم هجری نیز شعر و ادب پارسی، دیگر باره در این منطقه مورد توجه قرار می‌گرفت.

در همین دوره متون ادبی بسیاری در شمال آذربایجان استنساخ می‌شود. در نتیجهٔ علاقه روزافزون مردم به ادب پارسی نسخ خطی بسیاری، از نقاط دیگر به کتابخانه‌های قفقاز منتقل شد. اکثر نسخ خطی متون ادب پارسی موجود در انستیتوی کتب خطی فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان و نیز در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های شخصی از آن دوران به یادگار مانده است.

در این میان از آثار بعضی از شاعران و نویسندگان نسخ متعددی وجود دارد.

همانگونه که در یکی از فصول کتاب اشارت رفت، آثار سعدی، جامی

و میرزامهدی‌خان استرآبادی و ... جزو مواد درسی مکتبخانه‌ها و مدارس قدیم شمال آذربایجان بوده است.

ذکر این نکته نیز بایسته است که در دورهٔ حاکمیت فرقهٔ دمکرات بر آذربایجان ایران، نسخ خطی متعددی از کتابخانه‌های تبریز و اردبیل به باکو منتقل شد، به ویژه اینکه کلیه کتابهای خطی کتابخانه مقبرهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی به یغما رفت.

به هر تقدیر انستیتوی کتب خطی فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از مهمترین مراکزی که نسخ فارسی بسیاری در آن نگهداری می‌شود، مورد توجه محققان و پژوهشگران است.

متأسفانه تاکنون فهرستی از نسخ فارسی انستیتوی کتب خطی، در کشورمان منتشر نشده است؛ همین ضرورت، مؤلف را به تهیه فهرستی از نسخ خطی مذکور واداشت.

آیینه اسکندری

تاریخ کتابت: ۱۰۳۶ هـ‌ق، نام کاتب: بابوبن شیخ کانو القریشی، محل کتابت: احمدآباد، تعلیق، آغاز افتاده، قطع: ۲۳cm × ۱۳، ۲۵۸ برگ، شمارهٔ ثبت: Б-۸۰۵

انوار تبریزی، شاه قاسم

انیس العارفین تاریخ کتابت: ۸۸۶ هـ‌ق، شکسته نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۰، ۱۱۷ برگ، شمارهٔ ثبت: Б - ۴۵

اصفهانی، کمال‌الدین

دیوان نستعلیق ریز، تاریخ کاتب: سده ۱۶ میلادی، انجام افتاده، قطع:

۲۸cm × ۱۶ ۳۴۴ برگ، شمارهٔ ثبت: ۲۳۴ ـ ۸۸.

اوحدالدین انوری ابیوردی

دیـوان تـاریخ کـتابت: ۱۰۰۹ هـق، نـام کـاتب: ابـوالحسـن جـرپادگانی، نستعلیق، قطع: ۲۵cm× ۱۴، ۲۱۶ برگ، شمارهٔ ثبت: ۲۱۸ ـ ۸۸.

اوحدالدین انوری ابیوردی

دیوان تاریخ کتابت: ۱۰۱۱ هـق، نستعلیق دارای تـذهیب، قـطع ۲۴cm × ۱۶، ۲۳۱ برگ، شماره ثبت: ۹۸ ـ M.

اوحدالدین انوری ابیوردی

دیوان تاریخ کتابت: ۱۰۶۹ هـق، نام کاتب: مـحمدرضابن مـحمدحسین، نستعلیق، قطع cm ۲۳ × ۱۳، ۳۵۳ برگ، (شماره ثبت: ۸۲۹ ـ Б.

اوحدالدین انوری ابیوردی

دیوان تاریخ کتابت: ۱۲۲۱ هـق، نام کـاتب: احـمدبن قـربانعلی تـبریزی، نستعلیق، قطع cm ۲۱ × ۱۴، ۲۶۲ برگ، شماره ثبت: ۳۰۴۴ ـ Б.

اوحدالدین انوری ابیوردی

دیوان تاریخ کتابت: ۱۲۵۹ هـق، نام کاتب: مـیرمحمدبن مـیرزین‌لعابدین منکری، محل کتابت لنکران، نستعلیق ریز، قطع: ۳۳cm × ۲۱، ۲۶۱ برگ، شماره ثبت: ۱۴۷ ـ D.

استرآبادی، هلالی جغتایی

شاه و درویش

تاریخ کتابت: ۹۸۲ ه‍.ق، نستعلیق ریز، آغاز افتاده، قطع: ۱۷cm × ۱۱، ۵۴ برگ، شماره ثبت: ۴۹ ـ A.

استرآبادی، هلالی جغتایی

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، نستعلیق، قطع: ۱۷cm × ۱۱، ۱۱۶ برگ، شماره ثبت: ۴۱۶ ـ A.

اسیر

دیوان تاریخ کتابت: ۱۰۱۲ ه‍.ق، نام کاتب: ملاعبدالله، نستعلیق، همراه دیوان خاقانی شروانی دریک مجلد، قطع: ۲۲cm × ۱۲، ۱۶۸ برگ، شماره ثبت: ۱۶۶ ـ M.

اسیر

مناظره چشم و رخ تاریخ کتابت: ۱۲۷۲ ه‍.ق، محل کتابت: دره چیچک، شکسته، قطع: ۲۷cm ×۱۱، ۱۲ برگ، شماره ثبت: ۱۲۹ ـ A.

ابن یمین

غزلیات و مقطعات تاریخ کتابت: ۱۰۵۵ ه‍.ق، نام کاتب: خطیب محمدبن جلال‌الدین نوایی، نستعلیق همراه رباعیات خیام در یک مجلد، قطع: ۱۹cm ×۱۲، ۲۶ برگ، شماره ثبت: ۲۶۲۸ ـ Б

ابن یمین

غزلیات و مقطعات تاریخ کتابت: ۱۱۸۷ هـق، نام کاتب: قلی‌بن جامی، نستعلیق، قطع: 21cm × ۱۳، ۶۵ برگ، شماره ثبت: ۱۸۸ ـ Б

افضل محمد، عبدالصمد

تاریخ مکاتبات غلامی (فرامین و نامه‌ها) تاریخ کتابت: ۱۰۶۵ هـق، نام کاتب: محمد قاسم‌بن محمدصالح حسینی، قطع: 24cm× ۱۴، ۲۰۸ برگ شماره ثبت: ۶۴ ـ C

امین اصفهانی

خسرو و شیرین

نستعلیق دارای تذهیب، آغاز افتاده، قطع، 22cm × ۱۳، ۲۴۶ برگ، شماره ثبت: ۳۰۲۱ ـ Б

الکیسی، محمدحسین‌بن علی خان

منشآت

شکسته، انجام افتاده، قطع، 22cm × ۱۵، ۵۶ برگ، شماره ثبت: ۱۹۴۱ ـ Б

احمد اردبیلی، نظام‌الدین‌بن ملا احمد

کتاب الشواهد

تعلیق، انجام افتاده، قطع، 21cm × ۱۵، ۲۷ برگ، شماره ثبت: ۳۵۲ ـ Б

احمدبن تاج‌الدین استرآبادی

آثار احمدی

تاریخ کتابت: ۱۲۰۵ هـ.ق، شکسته نستعلیق، قطع، ۳۵cm × ۲۱، ۱۶۴ برگ، شماره ثبت: ۱۶۴ ـ C.

احمدبن تاج‌الدین استرآبادی

آثار احمدی

تاریخ کتابت: ۱۲۰۶ هـ.ق، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۷cm × ۱۸، ۲۳۴ برگ، شماره ثبت: ۲۳۴ ـ C.

احمدبن تاج‌الدین استرآبادی

آثار احمدی

تاریخ کتابت: ۱۲۵۵ هـ.ق، نام کاتب: کلب‌حسین‌بن اسمعیل، نستعلیق، قطع: ۲۰cm×۱۴، ۱۵۳ برگ، شماره ثبت: ۳۲۱ ـ D.

الاحسایی، مولانا محمدالشیخ احمدبن زین‌الدین

حدیث بساط بزرگ

تاریخ کتابت: ۱۲۶۸ هـ.ق، نام کاتب: علی‌بن محمدالشوشوی، محل کتابت: شوشه، قطع: ۲۱cm × ۱۵، ۱۹۳ برگ (۱۸۷ ـ ۱۹۱)، شماره ثبت: Б ـ ۳۵۳

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

تاریخ نادری

تاریخ کتابت: ۱۱۸۹ هـ.ق، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۵، ۲۲۵ برگ، شماره ثبت: ۲۲۴۲ ـ Б.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

تاریخ نادری

تاریخ کتابت: ۱۲۰۴ هـ‌ق، نستعلیق، قطع: ۳۳cm × ۲۰، ۷۶ برگ، شماره ثبت: ۱۴۴ ـ D.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

انشاء

تاریخ کتابت ۲۰۶ هـ‌ق، نام کاتب: علی‌اصغر هزار جریبی، نستعلیق، قطع: cm ۲۹ × ۱۹، ۵۵ برگ، شماره ثبت: ۱۳۹ ـ M

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

تاریخ نادری

تاریخ کتابت: ۱۲۰۸ هـ‌ق، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۹cm × ۱۲، ۱۴۴ برگ، شماره ثبت: ۳۲۹ ـ C.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

تاریخ نادری

تاریخ کتابت: ۱۲۱۹ هـ‌ق، شکسته نستعلیق، آغاز افتاده، قطع: ۳۳cm × ۲۲، ۱۲۲ برگ شماره ثبت: ۲۵۲ ـ D.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

تاریخ نادری

تاریخ کتابت: ۱۲۲۰ هـ‌ق، نام کاتب: محمدولی‌بن میرزانبی‌بن نوری، شکسته نستعلیق، محل کتابت: آرش، قطع: ۳۳cm × ۲۱، ۱۶۸ برگ،

شماره ثبت: ۶۳ ـ D.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۲۲۴ هـ ق، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۷، ۸۰ برگ، شمارهٔ ثبت: ۶۴۸ ـ Б.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

تاریخ کتابت: ۱۲۲۷ هـق، نستعلیق، قطع: ۲۹cm × ۱۸، ۲۸۰ برگ، شماره ثبت: ۴۳۳ ـ C.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

تاریخ نادری

تاریخ کتابت: ۱۲۴۰ هـق، نام کاتب: خان محمد، نسخ، قطع: ۳۳cm × ۲۰، ۱۱۹ برگ، شماره ثبت: ۱۵۵ ـ D.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۲۴۸ هـق، نام کاتب، آقاسی‌بن صالح قرباغی، شکسته نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۲، ۷۹ برگ، شماره ثبت: ۲۷۲ ـ Б.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۲۵۴ هـ ق، نام کاتب: عباس‌بن ملااسمعیل، محل کتابت:

بروچالی، شکسته تعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۴، ۷۰ برگ، شماره ثبت: ۲۰۷ ـ Б.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۲۶۰ هـ‌ق، نام کاتب: محمدعلی‌بن مشهدی الله‌وردی، محل کتابت: نخجوان، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۶، ۷۷ برگ، شماره ثبت: ۲۹۵۹ ـ Б.

الهروی، احمدعلی

فتح‌نامه و شفانامه

تاریخ کتابت: ۱۲۵۷ هـ‌ق، محل کتابت: مراغه، تعلیق به خط خود مؤلف، قطع: ۱۶cm × ۱۰، ۹۱ برگ، شماره ثبت: ۱۷۶ ـ A.

استرآبادی، میرزامهدی‌خان

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۲۶۶ هـ‌ق، نام کاتب: عبدالرحیم افشاری، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۵، ۷۴ برگ، شماره ثبت: ۳۹۴۸ ـ Б.

بابافغانی

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۰۰۰ هـ‌ق، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۱۵ cm × ۷، ۱۶۵ برگ، شماره ثبت: ۷ ـ M.

بخاری، ناصر

هدایت‌نامه

تاریخ کتابت: ۸۶۴ هق، نام کاتب: حمزه‌بن ابابکر، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۱۶cm × ۱۲، ۳۲ برگ، شماره ثبت: ۲۴۲ ـ A.

البخاری، تنش‌بن میرمحمد

عبدالله‌نامه

تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، نستعلیق، قطع: ۳۶cm × ۲۴، ۳۸۹ برگ، شماره ثبت: ۱۵۷ ـ M.

بیضاوی، ناصرالدین ابوسعیدبن ابوالقاسم

نظام‌التواریخ

تاریخ کتابت: ۱۰۹۳ هق، نام کاتب: محمدرضا، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۹cm × ۱۸، ۵۵ برگ، شماره ثبت: ۱۳۹ ـ M.

بلعمی

ترجمه تاریخ طبری

تاریخ کتابت: سده ۱۸ میلادی، انجام افتاده، نستعلیق، قطع: ۳۴cm × ۲۳، ۵۴۲ برگ، شماره ثبت: ۲۸۲ ـ D.

باذل، محمد رفیع‌خان

حمله حیدری

نام کاتب، ملامحمدصالح‌بن محمدتقی، تاریخ کتابت: سده ۱۸ میلادی، قطع: ۳۰cm × ۲۰، ۳۳۷ برگ، شماره ثبت: ۲۰۶ ـ C.

بهمن میرزابن عباس میرزا

شکرنامه شاهنشاهی

تاریخ کتابت: ۱۲۸۸ هق، نام کاتب: عبدالصمد میرزابن بهمن میرزا، نستعلیق، قطع: ۲۷cm × ۱۸، ۱۲۰ برگ، شماره ثبت: ۲۶۳ ـ M.

بیگدلی، لطفعلی‌بیگ آذر

یوسف و زلیخا

نستعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۱cm × ۱۵، ۳۱ برگ، شماره ثبت: ۱۱۵۴ ـ Б.

بیگدلی، لطفعلی بیگ‌آذر

آتشکده

تاریخ کتابت: ۱۱۶۱ هق، نام کاتب: نظرامان الله‌بن محمدتقی بیگ زنگنه‌ای، تعلیق، قطع: ۳۰cm × ۱۹، ۱۹۶ برگ، شماره ثبت: ۲۰ ـ D.

بیگدلی، لطفعلی بیگ‌آذر

آتشکده

تاریخ کتابت: ۱۲۴۵ هق، نام کاتب: محمدباقربن محمداسمعیل، نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۲۷۸ برگ، شماره ثبت: ۱۰۳ ـ C.

بیگدلی، لطفعلی بیگ‌آذر

آتشکده

تاریخ کتابت: ۱۲۵۱ هق، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۶cm × ۱۸، ۲۳۰ برگ، شماره ثبت: ۲۳۸ ـ M.

بیگدلی، لطفعلی بیگ‌آذر

آتشکده

شکسته دارای تذهیب، قطع: ۲۸cm × ۱۹، ۲۱۱ برگ، شماره ثبت: ۲۴۰ ـ M.

بیدل دهلوی، میرزا عبدالقادر

کلیات

تاریخ کتابت: ۱۲۲۰ هـ‌ق، نام کاتب: محمد لطیف، شکسته نستعلیق، قطع: ۴۱cm × ۲۵، ۴۵۰ برگ، شماره ثبت: ۲۹۴ ـ D.

بیدل دهلوی، میرزا عبدالقادر

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۳۱ هـ‌ق، نام کاتب: ملاعصمت‌بن پهلوان عباد، شکسته، قطع: ۲۱cm × ۱۴، ۲۷۳ برگ، شماره ثبت: ۱۹۲۶ ـ Б.

بیدل دهلوی، میرزا عبدالقادر

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۳۲۱ هـ‌ق، نام کاتب: محی‌الدین بخاری، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۳، ۱۶۳ برگ، شماره ثبت: ۱۴۲ ـ Б.

بیاضی، محمدبن فصیح محمد

شرح نصاب‌الصبیان

تاریخ کتابت: ۱۰۷۹ هـ‌ق، نام کاتب: محمدقاسم محمدرضا، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۲، ۱۱۸ برگ، شماره ثبت: ۱۳۱۳ ـ Б.

بیاضی، محمدبن فصیح محمد

شرح مصناب‌الصبیان

تاریخ کتابت: ۱۲۲۷ هـق، نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۵، ۱۱۵ برگ، شماره ثبت: ۲۹۶۶ ـ Б.

محمد پاشا، محمود

تذکرةالاولیا

تاریخ کتابت: ۸۸۰ هـق، نام کاتب: عبدالواسع بن‌عبدالرحیم تبریزی، نسخ دارای تذهیب، قطع: ۲۶cm × ۱۷، ۶۳۳ برگ، شماره ثبت: ۱۹۸۲ ـ Б.

تسلی

دیوان

آغاز افتاده، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۶، ۶۷ برگ، شماره ثبت: ۷۵۷ ـ Б.

ثنایی، حسین

دیوان قصاید

شکسته نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۴، ۸۱ برگ، شماره ثبت: ۱۹۴۰ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

شرح لمعات

تاریخ کتابت:۸۸۶ هـق، نام کاتب: عبدالحی بن عبدالفتاح، نستعلیق، قطع: ۳۶cm × ۲۵، ۶۸ برگ، شماره ثبت: ۱۵۴ ـ M.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

خردنامه اسکندری
تاریخ کتابت: ۸۸۹ هـ.ق، قطع: ۱۸cm × ۱۲، ۷۳ برگ، شماره ثبت: ۴۰۴ ـ M.

جامی، نورالدین عبدالرحمن
بهارستان
تاریخ کتابت: ۹۰۸ هـ.ق، نام کاتب: عبدالکریم خوارزمی، نستعلیق، دارای تذهیب، قطع: ۱۵cm × ۹، ۱۴۴ برگ، شماره ثبت: ۱۰ ـ M.

جامی، نورالدین عبدالرحمن
ایوان
تاریخ کتابت: ۹۱۸ هـ.ق، نام کاتب: محمودبن نورالدین احمد، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۳cm × ۱۴، ۴۶۲ برگ، شماره ثبت: ۹۳ ـ M.

جامی، نورالدین عبدالرحمن
دیوان
نستعلیق دارای تذهیب، تاریخ کتابت: ۹۳۰ هـ.ق، قطع: ۱۹cm × ۱۰ ۲۲۹ برگ، شماره ثبت: ۵۰ ـ Б.
جامی، نورالدین عبدالرحمن
سبحةالابرار
تاریخ کتابت: ۹۵۳ هـ.ق، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۱۸cm × ۱۰. ۱۳۱ برگ، شماره ثبت: ۱ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

تحفة‌الابرار
تاریخ کتابت: ۹۵۵ هـق، محل کتابت کرمان، نام کاتب: حبیب‌الله‌بن‌علی‌بن حسام، شکسته نستعلیق، قطع: ۱۶cm × ۱۲، ۱۰۲ برگ، شماره ثبت: ۱۲۰ A ـ

جامی، نورالدین عبدالرحمن
تحفة‌الابرار
تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، محل کتابت: تبریز، نستعلیق ریز، انـجام کتاب افتاده، قطع: ۲۷cm × ۱۶، ۶۳ برگ، شماره ثبت: ۲۶۱ ـ M

جامی، نورالدین عبدالرحمن
تحفة‌الامرار
تاریخ کتابت ۹۵۵ هـق، نام کاتب: حبیب‌الله بن‌علی‌بن حسام، محل کتابت: کرمان، شکسته نستعلیق، قطع: ۱۶cm × ۱۲، ۱۰۲ برگ، شماره ثبت: ۱۲۰ A ـ

جامی، نورالدین عبدالرحمن
ترجمه چهل حدیث (حدیث اربعین)، تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، نام کاتب: شهسوار سلطانی، نستعلیق ریز، قطع: ۱۵cm × ۱۰، ۹ برگ، شماره ثبت:۳۶۵ـA
جامی، نورالدین عبدالرحمن
ایوان
تاریخ کتابت: ۹۵۷ هـق، نام کاتب: کمال‌الدین بن‌ابوالقاسم آسترآبـادی، نستعلیق همراه منظومهٔ «سبحة‌الابـرار»، قـطع: ۲۳cm × ۱۴، ۱۴۱ بـرگ،

شماره ثبت: ۲۰۲۳ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

سلسلة الذهب

تاریخ کتابت: ۹۷۵ هـ‌ق، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: 19cm × ۱۰، ۲۳۵ برگ، شماره ثبت: ۳۷ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

سلسلة الذهب

تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، نام کاتب: محمدحسین، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: 20cm × ۱۲، ۲۶۲ برگ، شماره ثبت: ۳۰ ـ M.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

دیوان

تاریخ کتابت: ۹۷۹ هـ‌ق، نام کاتب: حیدرالحسینی، محل کتابت: تبریز نستعلیق زیبا، دارای تذهیب، قطع: 19cm × ۱۱، ۲۵۹ برگ، شماره ثبت: ۱۸ ـ M.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

دیوان

نستعلیق دارای تذهیب، قطع: 23cm × ۱۴، ۱۸۴ برگ، شماره ثبت: ۹۰ ـ M.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

انشاء

تاریخ کتابت: ۹۲۷ هـ‌ق، نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۶، ۶۸ برگ، شماره ثبت: Б ـ ۵۷۳.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

هفت اورنگ

تاریخ کتابت: ۹۸۰ هـ‌ق، نام کاتب: شهاب‌الدین بن‌درویش محمد تاشکندی، محل کتابت: تاشکند، تعلیق، حاوی منظومه‌های سلسلة الذهب، سلامان و ابسال، تحفةالاحرار، سبحةالابرار، لیلی و مجنون، یوسف و زلیخا، خردنامهٔ اسکندری، قطع: ۳۰cm × ۲۰، ۲۵۰ برگ، شماره ثبت: D ـ ۳۴۳.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

سبحةالابرار

تاریخ کتابت: ۹۸۲ هـ‌ق، نام کاتب: حاجی محمدبن کلام الله شوشتری، نستعلیق دارای تذهیب، همراه منظومه شاه و درویش هلالی جغتایی، قطع: ۱۸cm × ۱۲، ۱۳۱ برگ، شماره ثبت: M ـ ۱۷.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۱۸cm × ۱۱، ۱۷۵ برگ، شماره ثبت: M ـ ۱۰۰.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

سلسلةالذهب

تاریخ کتابت: ۱۰۰۴ هق، نام کاتب: محمدصالح بن‌حسن الهروی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع 23cm × ۲۱، ۱۳۲ برگ، شماره ثبت: ۱۶۶۴ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

انشاء

تاریخ کتابت: ۹۲۷ هق، نستعلیق، قطع: 21cm × ۱۶، ۶۸ برگ، شماره ثبت: ۵۷۳ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

هفت اورنگ

تاریخ کتابت: ۱۰۲۰ هق، نستعلیق دارای تذهیب، حاوی منظومه‌های سلسلةالذهب، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، خردنامه‌اسکندری و سلامان و ابسال، قطع: 24cm × ۱۳، ۴۵۰ برگ، شماره ثبت: ۳۴۳ ـ C.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

بهارستان

تاریخ کتابت: ۱۰۲۹ هق، نام کاتب: گلشنی، محل کتابت: ادرند، تعلیق، قطع: 19cm × ۱۳، ۷۳ برگ، شماره ثبت: ۴۶ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

هفت اورنگ

تاریخ کتابت: ۱۰۳۰ هق، نام کاتب: مبارزالدین، نستعلیق، حاوی تحفةالابرار، سبحةالابرار، یوسف و زلیخا، خردنامه اسکندری،

سلسلةالذهب، قطع: ۲۹cm × ۱۷، ۲۹۳ برگ، شماره ثبت: ۳۱۸ ـ C.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

هفت اورنگ

تاریخ کتابت: ۱۰۴۰ هـق، نام کاتب: حسن‌جان، نستعلیق دارای تذهیب، حاوی سلسلةالذهب، سلامان و ابسال، تحفةالاحرار، سبحةالابرار، لیلی و مجنون، قطع:۲۲cm × ۱۱، ۲۴۴ برگ، شماره ثبت: ۲۵۳ ـ M.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

بهارستان

تاریخ کتابت: ۱۰۴۱ هـق، نام کاتب: علی‌بن‌احمد، تعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۳، ۴۹ برگ، شماره ثبت: ۱۴۰ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۰۱۳ هـق، نام کاتب: شرف‌الدین‌بن ملا ابراهیم وندامی، نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۴، ۱۱۱ برگ، شماره ثبت: ۵۱ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۰۷۴ هـق، نام کاتب: شیخ محمدبن‌محمد، نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۲، ۱۴۵ برگ، شماره ثبت: ۸۰ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۰۷۰ هـق، نام کاتب: علی‌بن‌نادرقلی، نستعلیق، قطع: ۲۳cm × ۱۵، ۱۳۰ برگ، شماره ثبت: ۱۶۵۰ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۰۷۰ هـق، نام کاتب: عبدالله ملامحمدقاسم، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۶، ۱۵۲ برگ، شماره ثبت: ۱۴۵ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۰۹۵ هـق، نام کاتب: جان میرزابن جبرائیل، محل کتابت: قودیال، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۰cm × ۱۴، ۱۷۴ برگ، شماره ثبت: ۲۵۷۲ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۱۰۲ هـق، نام کاتب: یعقوب بن‌یحیی، شکسته نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۴، ۱۴۷ برگ، شماره ثبت: ۲۷۶۴ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

نام کاتب: ۱۱۱۸ هـق، نام کاتب: محمدخان شکوی، شکسته نستعلیق، قطع، ۱۰cm × ۱۳، ۱۵۰ برگ، شماره ثبت: ۱۷۶۹ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

رساله معما

تاریخ کتابت: ۱۱۳۶ هـ‌ق، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۵، ۴۰ برگ، شماره ثبت: M_۴۴.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۱۰۲ هـ‌ق، نام کاتب: یعقوب بن‌یحیی، شکسته نستعلیق با ترجمه ترکی، قطع: ۱۹cm × ۱۴، ۱۴۷ برگ، شماره ثبت: Б_۲۷۶۴.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: نورالله تالشی، نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۶، ۱۴۰ برگ، شماره ثبت: Б_۱۲۶۳.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

سلسلةالذهب

تاریخ کتابت: ۱۲۳۹، هـ‌ق، نام کاتب: میرزانورالله بخاری، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۶cm × ۱۵، ۲۱۳ برگ، شماره ثبت: Б_۱۶۵۹.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۱۲۵ هـ‌ق، نام کاتب: محمدصفی خوئی‌بن ملّافضلی، نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۲، ۱۳۵ برگ، شماره ثبت: Б_۴۵۵.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۲۱۸ هـ‌ق، نام کاتب: اسحق‌بن‌محمد چلبی افندی، تعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۹۴ برگ، شماره ثبت: ۱۲۰۱ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۲۶۵ هـ‌ق، نام کاتب: عبدالحکیم بن‌حاجی محمدافندی، محل کتابت: آغداش، تعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۷، ۳۳ برگ، شماره ثبت: ۲۴۰۱ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۷۴ هـ‌ق، نام کاتب: حسین‌بن ملا یوسف قزاخی، محل کتابت: قزاخ، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۶، ۱۹۱ برگ، شماره ثبت: ۶۲۸ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۳۴ هـ‌ق، نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۱۴۴ برگ، شماره ثبت: ۴۰۵ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۳۵ هـ‌ق، شکسته نستعلیق، با ترجمه ترکی، قطع: ۲۱cm

× ۱۷، ۱۸۴ برگ، شماره ثبت: ۱۷۳۴ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

نام کاتب: علی‌قارابن‌نظر، محل کتابت: قزاخ، نستعلیق، با ترجمه ترکی، قطع: ۲۱cm × ۱۴، ۱۳۵ برگ، شماره ثبت: ۴۳۲ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۴۱ هـق، نام کاتب: محمدصادق‌بن شفیع گنجه‌ای، نستعلیق، قطع: ۲۸cm × ۲۰، ۱۰۴ برگ، شماره ثبت: ۸۶ ـ C.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۴۶ هـق، نام کاتب: مصطفی بن‌محمدقاسم، نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۷، ۸۵ برگ، شماره ثبت: ۵۵۵ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۵۰ هـق، نام کاتب: ملااحمدبن‌ابراهیم سراطی، قطع: ۲۱cm × ۱۶، ۱۴۷ برگ، شماره ثبت: ۱۷۰۱ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۵۵ هـق، نام کاتب: کریم‌بن حاجی مرادبیک حاجی بگلی

قاجارا نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۶، ۱۳۹ برگ، شماره ثبت: ۳۶۹ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۵۷ هـ ق، نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۷، ۱۶۹ برگ، شماره ثبت: ۱۸۹۵ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۵۷ هـ ق، شکستکه نستعلیق، با ترجمه ترکی، قطع: ۲۲cm × ۱۶، ۱۳۹ برگ، شماره ثبت: ۸۲۴ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۵۹ هـ ق، نام کاتب: عبدالارباب بیک‌بن‌میرزا جلیل بیک، شکسته نستعلیق، با ترجمه ترکی، قطع: ۲۰cm × ۱۶، ۱۵۹ برگ، شماره ثبت: ۳۳۰ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۶۲ هـ ق، نام کاتب: ابراهیم قراباغی، نستعلیق ریز، قطع: ۲۱cm × ۱۳، ۱۴۷ برگ، شماره ثبت: ۵۰۹ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا
تاریخ کتابت: ۱۲۶۳ هـ‌ق، نام کاتب: مصطفی بن‌محمد محل کتابت: قوتقاشین، شکسته نستعلیق، ترجمه ترکی، قطع: ۲۳cm × ۱۸، ۱۸۹ برگ، شماره ثبت: ۱۳۵۹ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن
یوسف و زلیخا
تاریخ کتابت: ۱۲۶۴ هـ‌ق، نام کاتب: الله‌وردی بن‌محمدقلعه‌او، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۷، ۱۴۷ برگ، شماره ثبت: ۸۷۷ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن
یوسف و زلیخا
تاریخ کتابت: ۱۲۷۴ هـ‌ق، نام کاتب: حسین‌بن‌ملایوسف قزاخی، محل کتابت: قزاخ، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۶، ۱۹۱ برگ، شماره ثبت: ۶۲۸ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن
یوسف و زلیخا
تاریخ کتابت: ۱۲۷۷ هـ‌ق، نام کاتب: عمر، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۱۶۷ برگ، شماره ثبت: ۲۹۳۲ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن
یوسف و زلیخا
تاریخ کتابت: ۱۲۸۹ هـ‌ق، نام کاتب: عثمان‌بن ملاسیدلگوی، محل کتابت:

لکی، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۱cm ، ۱۷، ۱۷۴ برگ، شماره ثبت: ۱۹۹۵
ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۷۷ هـق، نام کاتب: عمر، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۱۶۷ برگ، شمارهٔ ثبت: ۲۹۳۲ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۲۷۶ هـق، نام کاتب: اسمعیل‌بن‌کاظم افندی‌هاپوتی، شکسته‌نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۶، ۱۰۸ برگ، شماره ثبت: ۲۳۹۲ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۸۹ هـق، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۷، ۲۷ برگ، شماره ثبت: ۷۳۹ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۹۵ هـق، نام کاتب: اسرافیل بن‌ملامحمد، تعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۶، ۱۵۴ برگ، شماره ثبت: ۵۶۴ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

یوسف و زلیخا
تاریخ کتابت: ۱۳۱۷ هـ‌ق، نام کاتب: محمدبن‌ملانوری، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۲cm ۱۷، ۴۲ برگ، شماره ثبت: ۱۹۲۸ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن
یوسف و زلیخا
نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۰cm × ۱۲، ۱۰۱ برگ، شماره ثبت: ۶۷ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن
یوسف و زلیخا
نام کاتب: ابراهیم بن‌حسن قراباغی، نستعلیق ریزدارای دومینیاتور، قطع: ۲۱cm × ۱۳، ۱۵۲ برگ، شماره ثبت: ۶۴۹ ـ Б.
جامی، نورالدین عبدالرحمن
یوسف و زلیخا
نام کاتب: امامقلی بن صندوک، نستعلیق، قطع: ۱۸cm × ۱۰، ۱۵۹ برگ، شماره ثبت: ۳۶۷ ـ A.

جامی، نورالدین عبدالرحمن
انشاء
نستعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۰cm × ۱۶، ۶۸ برگ، شماره ثبت: ۷ ـ Б.
جامی، نورالدین عبدالرحمن
انشاء
نستعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۲cm × ۱۸، ۴۳ برگ، شماره ثبت: ۲۵۸۲ ـ

Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

انشاء

تاریخ کتابت: ۱۳۰۴ هـ‌ق، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۷، ۵۶ برگ، شماره ثبت: ۲۱۹۴ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

انشاء

نستعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۱cm × ۱۶، ۷۱ برگ، شماره ثبت: ۶۳۹ ـ Б.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

نفحات‌الانس

تعلیق، آغاز و انجام افتاده، قطع: ۲۰cm × ۱۶، ۳۷۱ برگ، شماره ثبت: ۳۶۶ ـ Б.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

تاریخ کتابت ۹۰۵ هـ‌ق، نام کاتب: محمدعلی بن‌احمد، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۲cm × ۱۴، ۱۹۸ برگ، شماره ثبت: ۵۴۸ ـ Б.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

تاریخ کتابت: ۹۲۳ هـ‌ق، نام کاتب: عبدالسلام، نستعلیق، قطع: ۲۱cm ×

۱۲، ۱۴۳ برگ، شماره ثبت: ۲۴۹۷ ـ Б.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

تاریخ کتابت: ۹۵۶ هـ‌ق، نام کاتب: محمدحسین بن حاجی محمدهروی، نستعلیق ریزدارای تذهیب، قطع: ۲۳cm ۱۴، ۱۸۹ برگ، شماره ثبت: ۸۳۹ ـ Б.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

تاریخ کتابت: ۹۹۲ هـ‌ق، نام کاتب: یاری هروی، نستعلیق ریزداری تذهیب و شش مجلس، قطع: ۲۲cm × ۱۴، ۱۸۸ برگ، شماره ثبت: ۱۶۵ ـ M.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۲cm × ۱۴، ۲۰۱ برگ، شماره ثبت: ۶۸ ـ M.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

شکسته نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۴، ۱۰۳ برگ، شماره ثبت: ۲۷۴۴ ـ Б.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

نام کاتب: احمدالحسنی، شکسته ریزداری تذهیب، قطع: ۲۱cm × ۱۲، ۱۱۴ برگ، شماره ثبت: ۴۳۰ ـ Б.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

نستعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۱cm × ۱۲، ۲۲۳ برگ، شماره ثبت: ۴۴۲ ـ Б.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

تعلیق دارای تذهیب، قطع: ۱۶cm × ۱۰، ۱۷۹ برگ، شماره ثبت: ۲۱۷ ـ A.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

تعلیق، آغاز و انجام افتاده، قطع: ۲۲cm × ۱۷، ۷۰ برگ، شماره ثبت: ۱۱۳۴ ـ Б.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۹ میلادی، نستعلیق، قطع: ۱۷cm × ۱۰، ۱۲۹ برگ، شماره ثبت: ۳۳ ـ A.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۶۲ هـ‌ق، شکسته، قطع: 21cm × ۱۵، ۱۲۸ برگ، شماره ثبت: ۱۲۵۶ ـ Б.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

محل کتابت: همدان، شکسته نستعلیق مجدول، قطع: 21cm × ۱۳، ۲۱۰ برگ، شماره ثبت: ۳۰۴۰ ـ Б.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۵۹ هـ‌ق، نام کاتب: محمدحسن ملایری، محل کتابت: تبریز نستعلیق، قطع: 20cm × ۱۳، ۲۶۰ برگ، شماره ثبت: ۶۲ ـ Б.

حسین‌بن محمدالحسینی

رساله معما

تاریخ کتابت: ۱۱۲۷ هـ‌ق، نام کاتب: نورمحمد، محل کتابت: آغداش آذربایجان نسخ، قطع: 20cm × ۱۵، ۶۵ برگ، شماره ثبت: ۴۴ ـ M.

حنفی، محمدداراشکوه

سفینة‌الاولیا

تاریخ کتابت: ۱۲۱۷ هـ‌ق، نام کاتب: ازبک خواجه، تعلیق، قطع: 25cm × ۱۵، ۱۰۰ برگ، شمارهٔ ثبت: ۲۵۹ ـ C.

حدیث‌المؤمن

تاریخ کتابت: ۱۲۶۱ هـ‌ق، قطع: ۲۱cm × ۱۵، ۷۴ برگ (۱ ـ ۴۸)، شماره ثبت: Б ـ ۵۹۴۳.

حسینی اردستانی، میرمعزالدین محمدبن‌ظهیرالدین

حدیث بساط کوچک

تاریخ کتابت: ۱۲۶۸ هـ‌ق، نام کاتب: علی‌بن‌محمد الشوشوی، محل کتابت: شوشه، قطع: ۲۱cm × ۱۵، ۱۹۳ برگ (۱۸۵ ـ ۱۸۶)، شماره ثبت: Б ـ ۳۵۳.

حاذق

یوسف و زلیخا

تاریخ کتابت: ۱۲۷۰ هـ‌ق، شکسته نستعلیق، دارای بیست میناتور، قطع: ۲۱cm × ۱۳، ۱۷۸ برگ، شماره ثبت: M ـ ۵۱.

الحسینی، محمود

رساله در علم قوافی

تاریخ کتابت: ۱۳۲۲ هـ‌ق، نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۳، ۲۰ برگ، شماره ثبت: A ـ ۴۳۵.

خاقانی شروانی، افضل‌الدین ابراهیم‌بن‌علی‌نجار

کلیات

تاریخ کتابت: سده ۱۵ میلادی، دارای مهر تملک از رضاقلی‌میرزا فرزند بهمن میرزا، حاوی قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و منظومه تحفة‌العراقین، قطع: ۴۲۵ برگ، شماره ثبت: A ـ ۱.

خجندی، کمال

دیوان (در حواشی همراه دیوان امیرخسرو دهلوی) تاریخ کتابت: ۸۴۰ هـ‌ق، قطع: ۲۵cm × ۱۶، ۱۹۴ برگ، شماره ثبت: ۱۳۸ ـ M.

خجندی، کمال

دیوان

تاریخ کتابت: ۸۷۸ هـ‌ق، نام کاتب: سلطانعلی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۲cm × ۱۵، ۲۸۲ برگ، شماره ثبت: ۷۷ ـ M.

خجندی، کمال

تاریخ کتابت: ۹۰۲ هـ‌ق، نام کاتب: عبدالرشید، نستعلیق، دارای تذهیب، آغاز افتاده، قطع: ۱۸cm × ۱۲، ۲۷۴ برگ، شماره ثبت: ۲۶۶ ـ A.

خجندی، کمال

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۱۵cm × ۱۷، ۱۹۵ برگ،

خواندمیر، غیاث‌الدین بن‌همام‌الدین محمد

حبیب‌السیرافی اخبار افرادالبشر جلد سوم و چهارم

تاریخ کتابت: ۹۷۶ هـ‌ق، محل کتابت: هرات، قطع: ۲۴cm × ۱۷، ۴۶۸ برگ، شماره ثبت: ۲۵۶۴ ـ Б.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن‌همام‌الدین محمد
حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر مجلدیکم
تاریخ کتابت: ۹۹۸ هـق، قطع: ۲۶cm × ۱۸، ۴۱۷ برگ، شماره ثبت: ۸۰۱ - C.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن‌همام‌الدین محمد
حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر جلد سوم
تاریخ کتابت: شعبان سال ۱۰۱۲ هـق، قطع: ۲۹cm × ۱۸، ۳۸۴ برگ
شماره ثبت: ۲۱۹ ـ C.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن‌همام‌الدین
حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر (مجلد سوم)
تاریخ کتابت: ۱۰۶۷ هـق، نام کاتب: بدرخان بن مرادخان بیک، تعلیق، قطع: ۳۰cm × ۱۸، ۱۶۹ برگ، شماره ثبت: ۶۸ ـ D.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن‌همام‌الدین
حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر (مجلدسوم)
تاریخ کتابت: ۱۰۱۲ هق، نام کاتب: احمد رشتی، نستعلیق، قطع: ۲۹cm × ۱۷، ۳۷۹ برگ، شماره ثبت: ۲۱۹ ـ C.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن‌همام‌الدین محمد
حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر
نام کاتب: عبدالله، تاریخ کتابت: ۱۱۱۵ هـق، قطع: ۲۶/۵cm × ۱۷/۵، ۴۶۶ برگ، شماره ثبت: ۳۴۴ ـ M.

خواجوی کرمانی

همای و همایون

تاریخ کتابت: ۸۱۸ هـ ق، نام کاتب: احمدبن محمدالحسینی نسخ، آغاز افتاده، قطع: ۲۱ cm × ۱۴، ۱۰۰ برگ، شماره ثبت: ۶۳ ـ M.

خواجوی کرمانی

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۵ میلادی، نستعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۲ cm × ۱۳، ۱۷۷ برگ، شماره ثبت: ۱۷۳ ـ M.

خواند میر

نامهٔ نامی

تاریخ کتابت: ۹۷۶ هـ.ق، نام کاتب: اکبر جامی، نستعلیق، قطع: ۲۵cm × ۱۸، ۱۱۷ برگ، شمارهٔ ثبت: ۲۰۹ ـ M.

خیام نیشابوری، عمر

رباعیات

تاریخ کتابت: ۱۰۳۷ هـ.ق، نام کاتب: مصطفی، نستعلیق ریز، قطع: ۲۱cm × ۱۴، ۴۵ برگ، شمارهٔ ثبت: ۲۸۳۶ ـ Б.

خیام نیشابوری، عمر

رباعیات

تاریخ کتابت: ۱۳۰۷ هـ.ق، نام کاتب: ملایعقوب‌بن جامی محمود نخوی، نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۳، ۵۸ برگ، شماره ثبت: ۱۳۷۵ ـ Б.

خیام نیشابوری، عمر

رباعیات

تاریخ کتابت: اواخر سدهٔ ۱۸ میلادی، نستعلیق، قطع: 14cm × ۱۰، ۵۹ برگ، شماره ثبت: ۳۶۳ ـ A.

خاقانی شروانی

کلیات

تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، قطع: 29cm × ۱۹، ۴۳۰ برگ، شماره ثبت: ۲۴۷ ـ M.

خاقانی شروانی

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۰۱۲ هـ.ق، نام کاتب: ملاعبدالله، نستعلیق، قطع: 22cm × ۱۱، ۱۲۸ برگ، شمارهٔ ثبت: ۱۶۶ ـ M.

خاقانی شروانی

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، نستعلیق، قطع: 21cm × ۱۱، ۵۴۱ برگ، شماره ثبت: ۲۴۲ ـ M.

خاقانی شروانی

دیوان

شکسته نستعلیق، دارای مهر تملک آقا عبدالله شروانی، قطع: 25cm × ۱۳، ۱۴۴ برگ، شماره ثبت: ۱۲۴ ـ C.

خاقانی شروانی

تحفةالعراقین

تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، نستعلیق ریز، قطع: ۲۰cm × ۱۲، ۸۴ برگ، شماره ثبت: ۲۰۳ ـ M.

خاقانی شروانی

تحفةالعراقین

تاریخ کتابت: ۱۰۹۵ هـ.ق، نام کاتب: محمدبن مولانا طالب محمد باقرخوشنویس کسمایی، نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۲، ۱۵۱ برگ، شماره ثبت: ۳۲۳۲ ـ Б.

خاقانی شروانی

تحفةالعراقین

تاریخ کتابت: ۱۲۳۰ هـ.ق، نام کاتب: شیخ علی، نستعلیق، آغاز افتاده، قطع: ۲۴cm × ۱۵، ۹۷ برگ، شماره ثبت: ۲۰۲ ـ M.

خاقانی شروانی

تحفةالعراقین

تاریخ کتابت: ۱۲۴۰ هـ.ق، نام کاتب: سیداحمدبن سیدحسین کربلایی، محل کتابت: لاهیجان، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۲، ۷۰ برگ، شماره ثبت: ۱۹۷ ـ Б.

خراسانی، عبدالواحد

ارشادالعلوم

تاریخ کتابت: ۱۲۶۶ هـ.ق، نستعلیق همراه «نصایح» و «تهذیب الاخلاق عباسقلی آقاقدسی»، قطع: ۱۷cm × ۱۲، ۳۹ برگ، شماره ثبت: ۱۵۳ ـ A.

فتحعلی شاه‌قاجار

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۹ میلادی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۴۲cm × ۲۵، ۹۶ برگ، شماره ثبت: ۱۵۸ ـ M.

الچشتی، عبدالله‌الخویشکی

بحرالفراست (شرح دیوان خواجه حافظ شیرازی)

تاریخ کتابت: ۱۲۱۹ هـ.ق، محل کتابت: کشمیر، نستعلیق، دارای تذهیب، قطع: ۲۲cm × ۱۴، ۳۶۲ برگ، شماره ثبت: ۱۷۵ ـ M.

دهلوی، امیرخسرو

دیوان

تاریخ کتابت: ۸۴۰ هـ.ق، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۵ cm × ۱۶، ۳۶۳ برگ، شماره ثبت: ۱۳۸ ـ M.

دهلوی، امیرخسرو

خمسه (حاوی مطلع الانوار، شیرین و خسرو، مجنون و لیلی، هشت بهشت آیینه‌اسکندری)

تاریخ کتابت: ۹۸۵ هـ.ق، نام کاتب: خلیل بن‌درویش محمد جامی،

نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۳cm × ۱۷، ۳۴۶ برگ، شماره ثبت: ۲۴۸ ـ M.

دهلوی، حسن

دیوان

تاریخ کتابت: ۹۶۲ هـ.ق، نستعلیق، آغاز افتاده، قطع: ۱۷cm × ۱۱، ۲۱۳ برگ، شماره ثبت: ۴۴۱ ـ A.

دهلوی، حسن

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۰cm × ۱۲، ۲۰۸ برگ، شماره ثبت: ۵۲ ـ M.

دده مغلوی، شاهدی ابراهیم

تحفه شاهدی

تاریخ کتابت: ۱۱۸۷ هـ.ق

نام کاتب: احمدبن حاجی عبدالرحمن، محل کتابت: چخماز آذربایجان، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۲۶ برگ، شماره ثبت: ۷۸۰ ـ Б.

داستان سیف‌الملوک

تاریخ کتابت: ۱۲۳۰ هـ.ق، نام کاتب: عبدالغنی بن‌ملامحمدعلی، تعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۶، ۳۵ برگ، شماره ثبت: ۱۱۳۷ ـ Б.

داستان سیف‌الملوک

تاریخ کتابت: ۱۲۷۷ هـ.ق، نام کاتب، محمدبن عبدالله، محل کتابت:

حمزه‌لو، شکسته تعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۲۴ برگ، شمارهٔ ثبت: ۱۷۰۷ ـ Б.

داستان نوش‌آفرین و گلتاج

تاریخ کتابت: ۱۲۴۵ هـ.ق، نام کاتب: اسدالله‌بن آقاهادی، شکسته نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۱cm × ۱۵، ۹۹ برگ، شماره ثبت: ۳۳ ـ M.

دامغانی، منوچهر

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۶۰ هـ.ق، شکسته، محل کتابت: تهران، قطع: ۱۷cm × ۱۰، ۱۳۸ برگ، شماره ثبت: ۲۴۶ ـ A.

رحمتی تبریزی

دیوان

آغاز افتاده، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۱، ۸۱ برگ، شماره ثبت: ۱۴۳ ـ Б.

رشتی، وحدت آقاحسین

شیخ صنعان

تاریخ کتابت، ۱۲۰۹ هـ.ق، محل کتابت: حاجی طرخان، نام کاتب: حاجی عبدالله شروانی، شکسته نستعلیق همراه «خزان و بهار»، قطع: ۳۰ cm × ۱۶، ۷۷ برگ، شماره ثبت: ۸ ـ D.

رشتی، وحدت آقاحسین

شیخ صنعان

تاریخ کتابت: ۱۲۳۳ هـ.ق، نام کاتب، عبدالعظیم بن حاجی علی، شکسته ریز دارای مینیاتور و تذهیب، قطع: ۱۸cm × ۱۲، ۱۲۱ برگ، شماره ثبت: A - ۳۹۲.

رامی شرف‌الدین حسن‌بن‌محمد

انیس العشاق

تاریخ کتابت: ۱۲۹۶ هـ.ق، نام کاتب: تقی‌بن‌کربلایی صفر، شکسته نستعلیق، قطع: ۱۷cm × ۱۱، ۵۷ برگ، شماره ثبت: A-۳۹۹.

رامی شرف‌الدین حسن‌بن‌محمد

انیس العشاق

نستعلیق به همراه کتاب «حقایق الحدایق» رامی، برخی از برگها افتاده، قطع: ۱۹cm × ۱۴، ۲۴ برگ، شماره ثبت: Б - ۱۳۷۳.

رضا قلی‌بن‌میرزاجمال

قراباغ‌نامه

شکسته، قطع: ۲۶cm × ۲۱، ۸۱ برگ، شماره ثبت: Б - ۴۷۰.

رازی، امین‌احمد

تذکرهٔ هفت اقلیم

تاریخ کتابت: ۱۰۷۵ هـ.ق، نام کاتب: محمدطاهر بن‌محمدقاسم تربت جامی، تعلیق، قطع: ۳۲cm × ۲۲، ۳۹۹ برگ، شماره ثبت: M - ۲۷۳.

الرازی، فخرالدین ابوعبدالله‌محمدبن‌عمر

حدایق الانوارفی حقایق الاسرار
تاریخ کتابت: ۱۰۸۰ هـ.ق، قطع: ۳۴cm × ۲۲، ۶۰ برگ، شماره ثبت: ۹۵۳ـ D.

روملو، حسن‌بیگ

احسن التواریخ
تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۲۱۴ برگ، شمارهٔ ثبت: ۱۶۹۶ ـ Б

رشیدی تبریزی، یاراحمدبن‌حسین

رباعیات
تاریخ کتابت: ۱۱۵ هـ.ق، نام کاتب: خطیب محمدامین بن‌جلال‌الدین، نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۳، ۳۸ برگ، شماره ثبت: ۲۶۲۸ ـ Б.

الرازی، بهاءالدوله‌میرقوام‌الدین قاسم نوربخش

خلاصةالتجارب (طب)
تاریخ کتابت: ۱۲۰۸ هـ.ق، محل کتابت: مراغه، نام کاتب، محمدبن‌شیخ‌اسد، قطع: ۲۹cm × ۲۰، ۲۱۸ برگ،
شماره ثبت: ۶۸۸ ـ C.

رامی تبریزی، شرف‌الدین حسن‌بن‌محمد

انیس العشاق
تاریخ کتابت: رمضان سال ۱۲۱۹ هـ.ق، قطع: ۲۱cm × ۱۵، ۹۹ برگ، (۴۴ـ ۶۹)، شماره ثبت: ۵۹۷۳ ـ Б.

رامی تبریزی، شرف‌الدین حسن‌بن‌محمد

انیس العشاق
تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، قطع: ۲۰cm × ۱۴، ۳۹ برگ، شمارهٔ ثبت: ۱۳۷۳ ـ Б.

رامی تبریزی، شرف‌الدین حسن‌بن‌محمد
انیس العشاق
تاریخ کتابت: ۱۲۲۸ هـ.ق، قطع: ۲۰cm × ۱۴، ۸۶ برگ، شماره ثبت: ۲۵۶ ـ Б.

رامی، شرف‌الدین حسن‌بن‌محمد
انیس‌العشاق
تاریخ کتابت: ۱۲۱۹ هـ.ق، محل کتابت: مراغه، نام کاتب: احمدبن خان گلدی، تعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۴، ۴۰ برگ، شماره ثبت: ۲۵۶ ـ Б.

رامی، شرف‌الدین حسن‌بن‌محمد
حقایق الحدایق
تاریخ کتابت: ۱۲۲۸ هـ.ق، نام کاتب: احمدبن‌خان گلدی، نسخ، قطع: ۲۱cm ، ۱۴، ۲۱ برگ، شماره ثبت: ۲۵۶ ـ Б.
زلالی خوانساری
محمود و ایاز
تاریخ کتابت: ۱۰۸۴ هـ.ق، نستعلیق، قطع: ۱۸cm × ۱۱، ۱۴۲ برگ، شماره ثبت: ۳۶ ـ A.

زلالی خوانساری

محمود و ایاز

تاریخ کتابت: ۱۲۱۵ هـ.ق، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۵، ۱۹۵ برگ، شماره ثبت: ۲۲۵ ـ Б.

زنوزی فنا، میرزا عبدالرسول

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۵۸ هـ.ق، نام کاتب: محمدحسین صبوری، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۴، ۱۳۲ برگ، شماره ثبت: ۲۵۰ ـ Б.

الزواری، علی‌بن‌حسن

مجمع‌الهدا

تاریخ کتابت: ۱۲۴۶ هـ.ق، شکسته نستعلیق، قطع: ۳۵cm × ۱۸، ۴۵۶ برگ، شماره ثبت: ۲۱۳ ـ D

سعدی شیرازی

منتخب بوستان

تاریخ کتابت: ۸۹۹ هـ.ق، نام کاتب: سلطانعلی مشهدی، محل کتابت: هرات، نستعلیق، ریز دارای تذهیب وسه مجلس، قطع: ۲۱cm × ۱۴، ۲۱ برگ، شماره ثبت: ۱۱۳ ـ M.

سعدی شیرازی

گلستان

تاریخ کتابت: ۹۶۳ هـ.ق، نام کاتب: عبدالعزیز، نستعلیق، قطع: ۲۳cm ×

۱۴، ۷۷ برگ، شماره ثبت: ۳۰۳۸ ـ Б.

سعدی شیرازی

گلستان

تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، نام کاتب: میرعلی، نستعلیق ریزدارای تذهیب، قطع: ۲۶cm × ۱۷، ۴۸ برگ،
شماره ثبت: ۱۹۷ ـ M.

سعدی شیرازی

بوستان

تاریخ کتابت: ۹۶۳ هـ.ق، نام کاتب: عبدالعزیز، نستعلیق با گلستان در یک مجلد، قطع: ۲۳cm × ۱۴، ۱۰۳ برگ، شماره ثبت: ۳۰۳۸ ـ Б.

سعدی شیرازی

کلیات

تاریخ کتابت: ۱۰۱۵ هـ.ق، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۵cm × ۱۴، ۲۲۳ برگ، شماره ثبت: ۳۷ ـ C.

سعدی شیرازی

بوستان

تاریخ کتابت: ۱۰۳۲ هـ.ق، نام کاتب: شیخ محمد، نستعلیق، قطع: ۱۷cm × ۱۲، ۱۷۷ برگ، شماره ثبت: ۲۰ ـ A.

سعدی شیرازی

بوستان

تاریخ کتابت: ۱۱۹۰ هـ.ق، نام کاتب: محمد اسمعیل شیرازی، محل کتابت: شیراز، نستعلیق، نسخه حاضر به درخواست میرزا عبدالرحیم شروانی کتابت شده است. قطع: ۲۰cm × ۱۷، ۱۵۱ برگ، شماره ثبت: Б - ۷۸۱.

سعدی شیرازی

بوستان

تاریخ کتابت: ۱۲۲۰ هـ.ق، نام کاتب: کاظم بن کربلایی مرتضی قلی دربندی نستعلیق، برگ، آغاز افتاده، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۲۲۲ برگ، شماره ثبت: ۶۱۹ - Б.

سعدی شیرازی

اشعار

تاریخ کتابت: ۱۲۳۲ هـ.ق، شکسته، قطع: ۱۱cm × ۷، ۲۰ برگ، شماره ثبت: ۶۰۸ - A.

سعدی شیرازی

بوستان

تاریخ کتابت: ۱۲۳۹ هـ.ق، نام کاتب: عبدالرحیم‌بن‌ملاامامعلی، نستعلیق، قطع: ۱۲cm × ۱۶، ۲۱۳ برگ، شماره ثبت: ۲۵۵۰ - Б.

سعدی شیرازی

کلیات

تاریخ کتابت: ۱۲۴۲ هـ.ق، نام کاتب: علی‌بن‌نصرالله، قطع: ۲۴cm × ۱۹، ۲۶۷ برگ، شماره ثبت: D ـ ۴۸.

سعدی شیرازی

کلیات

تاریخ کتابت: ۱۲۴۸ هـ.ق، نام کاتب: یعقوب‌بن‌ابوالحسن، نستعلیق دارای تذهیب، محل کتابت: آشتیان، قطع: ۲۷cm × ۱۷، ۲۸۳ برگ، شماره ثبت: C ـ ۱۶۶.

سعدی شیرازی

کلیات

تاریخ کتابت: ۱۲۴۹ هـ.ق، نام کاتب: محمدکریم بن محمدابراهیم، شکسته‌نستعلیق، قطع: ۱۸cm × ۱۰، ۳۲۰ برگ، شماره ثبت: A ـ ۳۱۲.

سعدی شیرازی

کلیات

تاریخ کتابت: ۱۲۵۴ هـ.ق، نستعلیق دارای تذهیب، جلد روغنی، قطع: ۲۳cm × ۱۵، ۴۴۹ برگ، شماره ثبت: M ـ ۸۸.

سعدی شیرازی

کلیات

تاریخ کتابت: ۱۲۷۲ هـ.ق، نستعلیق ریزداری تذهیب، قطع: ۲۴cm × ۱۶،

۲۴۲ برگ، شماره ثبت: ۹۴ ـ M.

سعدی شیرازی

گلستان

تاریخ کتابت: ۱۳۱۸ هـ.ق، نام کاتب: اسمعیل بن‌مشهدی محمدجعفر میلانی، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۷، ۷۲ برگ، شماره ثبت: ۲۸۲۸ ـ Б.

سعدی شیرازی

گلستان

نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۸، ۱۲۸ برگ، شماره ثبت: ۲۹۸۲ ـ Б.

سعدی شیرازی

گلستان

تعلیق، دارای تذهیب همراه «بوستان» و «دیوان حافظ شیرازی»، قطع: ۱۷cm × ۱۰، ۱۲۳ برگ، شماره ثبت: ۲۵ ـ A.

سعدی شیرازی

گلستان

نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۳cm × ۱۴، ۴۵ برگ، شماره ثبت: ۸۳۷ ـ Б.

سعدی شیرازی

گلستان

نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۸۰ برگ، شماره ثبت: ۳۰۲ ـ Б.

سعدی شیرازی

گلستان

نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۷۶ برگ، شماره ثبت: ۱۳۵۲ ـ Б.

سعدی شیرازی

گلستان

نام کاتب: سراج‌الدین، نستعلیق، قطع: ۱۸cm × ۱۴، ۱۰۰ برگ، شماره ثبت: ۲۵۲ ـ A.

سعدی شیرازی

کلیات

تاریخ کتابت: ۱۲۳۵ هـ.ق، محل کتابت: تبریز، نستعلیق دارای عناوین مذهب، قطع: ۲۸cm × ۱۸، ۳۸ برگ، شماره ثبت: ۱۴۴ ـ C.

سعدی شیرازی

بوستان

تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، نستعلیق، دارای ده مینیاتور، آغاز افتاده، قطع: ۲۱cm × ۱۳، ۹۸ برگ، شماره ثبت: ۱۲۲ ـ M.

سعدی شیرازی

بوستان

تاریخ کتابت: سده ۱۸ میلادی، نستعلیق، دارای تذهیب، قطع: ۲۴cm ×

۱۵، ۷۷ برگ، شماره ثبت: ۲۳ ـ C.

سعدی شیرازی

گلستان

تاریخ کتابت: ۱۲۴۱ هـ.ق، نام کاتب: علی‌بن‌احمدابونصر، شکسته همراه بوستان، انجام افتاده، قطع: ۲۷cm × ۱۷، ۳۴ برگ، شماره ثبت: ۱۵۲ ـ C.

سعدی شیرازی

گلستان

تاریخ کتابت: ۱۲۵۹ هـ.ق، نام کاتب: مصطفی بن‌محمد بـومی، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۶، ۱۲۳ برگ، شماره ثبت: ۱۲۶۱ ـ Б.

سعدی شیرازی

گلستان

تاریخ کتابت: ۱۲۷۰ هـ.ق، نام کاتب: حسین‌بن‌ملایوسف قزافی، نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۵، ۱۴۷ برگ، شماره ثبت: ۴۴۴ ـ Б.

سعدی شیرازی

گلستان

تاریخ کتابت: ۱۲۷۰ هـ.ق، نام کاتب: محمدبن عبدالله‌اصفهانی، نستعلیق ریزدارای تذهیب، قطع: ۲۲cm × ۱۴، ۱۱۱ برگ،

شماره ثبت: ۱۱۰ ـ M

سعدی شیرازی

بوستان

تاریخ کتابت: ۱۲۶۰ هـ.ق، نستعلیق، قطع: ۲۳cm ، ۱۶، ۱۱۴ برگ،

شماره ثبت: ۲۵۷۰ ـ Б

سعدی شیرازی

بوستان

تاریخ کتابت: ۱۲۸۰ هـ.ق، نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۸، ۱۸۳ برگ،

شماره ثبت: ۱۹۱۵ ـ Б

سعدی شیرازی

بوستان

نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۷، ۲۵۷ برگ، شماره ثبت: ۲۴۰۸ ه Б

سعدی شیرازی

بوستان

شکسته نستعلیق، انجام افتاده، با ترجمه ترکی، قطع: ۲۲cm × ۱۸، ۳۸ برگ، شماره ثبت: ۱۸۵۴ ـ Б.

سعدی شیرازی

بوستان

نستعلیق، آغاز و انجام افتاده، قطع: ۲۱cm × ۱۸، ۱۵۷ برگ، شماره ثبت: ۲۸۱۲ ـ Б.

سعدی شیرازی

بوستان

نام کاتب: عبدالحکیم بن حاجی محمدافندی دیلمی، نستعلیق، قطع: ۲۳cm ×۱۷، ۱۸۹ برگ، شماره ثبت: ۲۵۹۳ ـ Б.

سلمان ساوجی

دیوان

تاریخ کتابت: ۸۱۷ ه.ق، نام کاتب: احمدبن‌محمدالحسینی، نستعلیق، همراه «همای و همایون» خواجوی کرمانی در یک مجلد، قطع: ۲۱cm × ۱۴، ۱۹۹ برگ، شماره ثبت: ۸۳ ـ M.

سلمان ساوجی

دیوان

تاریخ کتابت: ۸۳۷ ه.ق، نام کاتب: روح‌اللهبن علی‌بن عماد، نستعلیق، قطع: ۲۸cm × ۱۷، ۴۲۱ برگ، شماره ثبت: ۲۱۴ ـ M.

سمرقندی، دولتشاه

تذکرةالشعرا

تاریخ کتابت: ۹۹۰ ه.ق، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۲cm × ۱۳، ۲۰۴ برگ، شماره ثبت: ۷۳ ـ M.

سمرقندی، دولتشاه

تذکرةالشعرا

تاریخ کتابت: ۱۰۱۸ ه.ق، نام کاتب: مجدالدین بن‌علاءالدین، محل کتابت: دزفول نستعلیق، قطع: ۲۴cm × ۱۶، ۲۴۰ برگ، شماره ثبت: ۱۰۸ ـ M.

سمرقندی، دولتشاه

تذکرةالشعراء

تاریخ کتابت: ۱۰۳۵ هـ.ق، نام کاتب: سعدالدین‌بن‌نورالله لنگرودی، محل کتابت: لنگرود، نستعلیق، قطع: ۲۳cm × ۱۴، ۲۰۱ برگ، شماره ثبت: ۱۱۶ ـ M.

سنجر

دیوان

شکسته، همراه دیوان فصیحی، قطع: ۲۳cm × ۱۳، ۷۸ برگ، شماره ثبت: ۳۱۴ ـ Б.

سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدودبن‌آدم

حدیقةالحقیقه و شریعه الطریقه

تاریخ کتابت: ۱۰۳۳ هـ.ق، نام کاتب: مظفرالدین حسین‌الحسینی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع، ۲۲cm × ۱۳، ۱۹۱ برگ، شماره ثبت: ۱۹۰ ـ M.

ساغری، زین‌العابدین بن‌صادق

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۵۱ هـ.ق، نستعلیق همراه کتاب «قانون قدسی» عباسقلی آقاقدسی، قطع: ۲۳cm × ۱۷، ۸۲ برگ، شماره ثبت: ۵۶۲ ـ Б.

سنایی غزنوی، ابوالمجد، مجدودبن‌آدم

دیوان

نسخ، آغاز افتاده، قطع: ۱۷cm × ۱۱، ۷۶ برگ، شماره ثبت: ۱۱۸ ـ A.

سرابی، میرزا محمدرحیم

حقیرنامه

تاریخ کتابت: سده ۱۹ میلادی، قطع: ۲۷cm × ۱۷، ۵۸ برگ، به خط خود مؤلف، شماره ثبت: ۷۱۶۶ ـ Б.

سیدنعمت‌الله

دیوان

تعلیق، قطع: ۱۵cm × ۱۰، ۳۴۲ برگ، شماره ثبت: ۵۲۵ ـ H.

سیدعلی‌بن‌کاظم بیک

جواهر نامه‌لنکران

تاریخ کتابت: ۱۲۸۶ هـ.ق، به خط خود مؤلف، قطع: ۲۲cm × ۱۷، ۴۷ برگ، شماره ثبت: ۳۰۴۹ ـ Б.

سبزواری، امیرشاهی

دیوان

تاریخ کتابت: ۸۴۰ هـ.ق، نستعلیق همراه دیوان امیرخسرو دهلوی در حواشی، دارای تذهیب، قطع: ۲۵cm × ۱۶، ۲۴ برگ، شماره ثبت: ۱۳۸ ـ M.

سبزواری، میرشاهی

دیوان

تاریخ کتابت: ۹۸۱ هـ.ق، محل کتابت: قزوین، نام کاتب: محمدحسین فیروزبخت نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۳cm × ۱۷، ۵۰ برگ، شماره

ثبت: ۲۶۰ ـ M.

شریف تبریزی

تاریخ کتابت: سده ۱۸ میلادی، نستعلیق، قطع: ۱۵cm × ۸، ۶۱ برگ، شماره ثبت: ۹۹ ـ A.

شریف اصفهانی، محمد

خزان و بهار

تاریخ کتابت: ۱۲۰۹ ه.ق، نام کاتب: حاجی عبدالله شروانی، محل کتابت: حاجی طرخان، شکسته نستعلیق، قطع: ۳۰cm × ۱۶، ۱۳۱ برگ، شماره ثبت: ۸ ـ D.

شبستری، شیخ محمود

گلشن راز

تاریخ کتابت: سده ۱۴ میلادی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۱cm ۱۳، ۴۳ برگ، شماره ثبت: ۲۱۵ ـ M.

شبستری، شیخ محمود

گلشن راز

نام کاتب: اسداللهافشار، شکسته نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۲، ۴۲ برگ، شماره ثبت: ۱۲ ـ Б.

شریف اصفهانی، محمد

خزان و بهار

تاریخ کتابت: ۱۲۳۳ هـ.ق، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۵، ۱۲۸ برگ، شماره ثبت: ۱۴۶۱ ـ Б.

شریف اصفهانی، محمد

خزان و بهار

تاریخ کتابت: ۱۲۴۱ هـ.ق، نام کاتب: محمدصادق شروری، نسخ، قطع: ۲۱cm × ۱۶، ۱۳۲ برگ، شماره ثبت: ۱۳۲۹ ـ Б.

شریف اصفهانی، محمد

خزان و بهار

تاریخ کتابت: ۱۲۵۰ هـ.ق، نام کاتب: علی‌اکبربن حاجی محمد، نستعلیق، قطع: ۲۶cm × ۱۷، ۹۸ برگ، شماره ثبت: ۱۲۵۹ ـ Б.

شیخ فیضی‌بن شیخ‌مبارک مشهور به فیضی

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۳، ۱۴۷ برگ، شماره ثبت: ۱۸۱ ـ M.

شیخ صفی‌الدین اردبیلی

مناقب

ثلث، قطع: ۱۷cm × ۱۳، ۲۱۵ برگ، شماره ثبت: ۲۵۳ ـ A.

شبستری، ابواسحق ابراهیم‌بن عبدالله

انبیاءنامه

نستعلیق در دو جلد، قطع: ۳۱cm × ۲۱، ۲۲۹ + ۲۹۸ برگ، شماره ثبت:

.D ـ ۴۴۸ .D ـ ۴۴۹

شروانی، سیدعظیم

اشعار فارسی

تاریخ کتابت: ۱۳۱۱ هـ.ق، نام کاتب: نجفقلی بن‌حاجی ایمان شـروانـی، شکسته، قطع: ۱۷cm × ۱۰، ۲۶ برگ، شماره ثبت: ۱۷۷ ـ A.

صائب تبریزی، میرزامحمدعلی

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۰۸۸ هـ.ق، نام کاتب: حسن‌بن‌حیدرشیرازی، محل کتابت: نطنز نستعلیق، قطع: ۲۷cm × ۱۵، ۳۰۶ برگ، شماره ثبت: ۲۳۲ ـ M.

صائب تبریزی، میرزا محمدعلی

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۰۹۰ هـ.ق، نام کاتب: محمدحسین شماخیلی، نستعلیق، آغاز افتاده، قطع: ۳۰cm × ۱۷، ۱۴۲ برگ، شماره ثبت: ۱۳۵ ـ M.

ضیایی، عیسی‌بن‌حاجی محمدرحیم

تذکرهٔ ضیایی

به خط خود مؤلف ـ نستعلیق و نسخ، قطع: ۳۴cm × ۲۱، ۳۵۶ بـرگ، شمارهٔ ثبت: ۲۶۹ ـ D.

طیب خراسانی، میرعلی نقی

خلاصة‌الطب

تاریخ کتابت: سده ۱۸ میلادی، قطع: ۲۰cm × ۱۴، ۳۴ برگ، شماره ثبت: ۵۵۳۸ ـ Б.

طالب

دیوان

نستعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۰cm × ۱۲، ۱۶۰ برگ، شماره ثبت: ۲۳۵۱ ـ Б.

طایر، میرزاابوالحسن

دیوان

شکسته، قطع: ۲۰cm × ۱۲، ۲۱۸ برگ، شماره ثبت: ۳۶ ـ M.

ظهوری

کلیات

تاریخ کتابت: ۱۰۶۰ هـ.ق، نام کاتب: قاسم دیوانه، شکسته نستعلیق همراه دیوان سنایی، قطع: ۲۵cm × ۱۴، ۲۰۱ برگ، شماره ثبت: ۲۱۱ ـ M.

عطارنیشابوری، فریدالدین محمد

اسرارنامه

تاریخ کتابت: ۹۰۵ هـ.ق، نام کاتب: محمد عاجزی، نستعلیق، قطع: ۲۴cm × ۱۷، ۹۶ برگ، شماره ثبت: ۱۷۷ ـ M.

عطارنیشابوری، فریدالدین بن محمد

منطق‌الطیر

تاریخ کتابت: ۹۰۶ هـ.ق، نام کاتب: محمد عاجزی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۴cm × ۱۷، ۲۳۴ برگ، شماره ثبت: ۱۷۷ ـ M.

عطارنیشابوری، فریدالدین بن محمد

تذکرةالاولیا

تاریخ کتابت: ۱۰۱۳ هـ.ق، نام کاتب: عبدالغنی الرافعی حسامی، نسخ، قطع: ۲۴cm × ۱۷، ۱۸۱ برگ، شماره ثبت: ۱۵ ـ C.

عطارنیشابوری، فریدالدین بن محمد

منطق‌الطیر

تاریخ کتابت: ۱۰۵۴ هـ.ق، نسخ، قطع: ۱۹cm × ۱۰، ۱۵۰ برگ، شماره ثبت: ۱۴ ـ Б.

عطارنیشابوری، فریدالدین بن محمد

منطق‌الطیر

تاریخ کتابت: ۱۲۵۲ هـ.ق، محل کتابت: یزد، شکسته، قطع: ۲۱cm × ۱۲، ۹۹ برگ، شماره ثبت: ۵۱۰ ـ Б.

عطارنیشابوری، فریدالدین بن محمد

پندنامه

تاریخ کتابت: ۱۲۶۷ هـ.ق، نام کاتب: عبدالغنی بن حاجی محمدقاری زاده، نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۸، ۱۳ برگ، شماره ثبت: ۷۳۳ ـ Б.

عطارنیشابوری، فریدالدین بن محمد

وصلت نامه

نستعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۱cm × ۱۵، ۵۳ برگ، شماره ثبت: ۱۸۵۰ ـ Б.

عطارنیشابوری، فریدالدین بن محمد

الهی نامه

تاریخ کتابت: سده ۱۹ میلادی، نسخ، قطع: ۱۷cm × ۱۲، ۲۸۳ برگ، شماره ثبت: ۳ ـ A.

عبدی بیک شیرازی، علی‌زین‌العابدین

منظومه‌های جوهرالفرد، مظهرالاسرار، خزائن الملکوت، انوار تجلی، لیلی و مجنون هفت اختر، آئینه سکندری، تاریخ کتابت: ۹۸۴ هـ.ق، نستعلیق به خط خود مؤلف، قطع: ۲۲cm × ۱۴، ۷۰۷ برگ، شماره ثبت: ۱۷۱ ـ M.

عارفی

گوی و چوگان

تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، نستعلیق ریزدارای تذهیب، قطع: ۲۰cm × ۱۲، ۴۴ برگ، شماره ثبت: ۱۰۹ ـ M.

عارفی

گوی و چوگان

تاریخ کتابت: ۱۲۸۷ هـ.ق، نام کاتب: عبدالصمدمیرزابن بهمن میرزا، محل

کتابت: شوشا نستعلیق، آغاز افتاده، قطع: ۱۷cm × ۱۱، ۴۷ برگ، شماره ثبت: ۳۷۴ ـ A.

عارفی

گوی و چوگان

نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۱۸cm × ۱۰، ۲۷ برگ، شماره ثبت: ۵۶۷ ـ A.

عاملی، بهاءالدین محمدبن حسین

نان و حلوا

تاریخ کتابت: ۱۲۰۷ ه.ق، شکسته نستعلیق، همراه صحت و مرض محمد فضولی، قطع: ۲۰cm × ۱۴، ۱۶ برگ، شماره ثبت: ۲۲۹۵ ـ Б.

عاملی، بهاءالدین محمدبن‌حسین

شیروشکر

تاریخ کتابت: ۱۲۵۳ ه.ق، نستعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۳، ۵ برگ، شماره ثبت: ۱۸۲۹ ـ Б.

عرفی شیرازی

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۰۰۷ ه.ق، تعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۳، ۱۷۸ برگ، شماره ثبت: ۷۴۳ ـ Б.

عرفی شیرازی

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۰۲۹ هـ.ق، نام کاتب: رضاجرپادگانی، نستعلیق، مجدول، آغاز افتاده، قطع: ۱۵cm × ۶، ۱۶۴ برگ، شماره ثبت: ۸ ـ A.

عرفی شیرازی

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۰۸۰ هـ.ق، نام کاتب: ساراجائی خان، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۴cm × ۱۳، ۳۵۵ برگ، شماره ثبت: ۸۷۱ ـ Б.

عرفی شیرازی

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۱۱۴ هـ.ق، نام کاتب: احمدبن عبدالصمدشکوی، نستعلیق، قطع: ۲۴cm × ۱۴، ۱۵۷ برگ، شماره ثبت: ۳۶ ـ C.

عرفی شیرازی

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، نستعلیق ریزداری تذهیب، قطع: ۲۱cm × ۱۲، ۲۶۶ برگ، شماره ثبت: ۱۹۱ ـ M.

عصار تبریزی

مهر و مشتری

تاریخ کتابت: ۱۰۴۲ هـ.ق، نستعلیق مجدول، قطع: ۲۰cm × ۱۲، ۱۶۳ برگ، شماره ثبت: ۱۱۷ ـ Б.

عصار تبریزی

مهر و مشتری

تاریخ کتابت: ۱۱۳۹ هـ.ق، محل کتابت: پطرزبورگ، نام کاتب: میرزا محمد، قطع: ۲۵cm × ۱۶، ۱۵۱ برگ، شماره ثبت: ۲۱۰ ـ M.

علامی، ابوالفضل بن مبارک

اکبرنامه

نسخ، قطع: ۳۱cm × ۱۵، ۳۴۱ برگ، شماره ثبت: ۱۲۰ ـ D.

عاشق اصفهانی، میرزا محمد

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۵۰ هـ.ق، نام کاتب: نورعلی بن کربلایی فتحعلی ایروانی، محل کتابت: ایروان نستعلیق، قطع: ۲۳cm × ۱۶، ۱۴۲ برگ، شماره ثبت: ۸۶۹ ـ Б.

عبدالوهاب بن محمدالحسینی

شرح دیوان خاقانی

نستعلیق، آغاز و انجام افتاده، قطع: ۲۵cm × ۱۸، ۲۵۶ برگ، شماره ثبت: ۲۲۴ ـ M.

الغفاری، احمدبن محمدقاضی احمد

نگارستان

تعلیق، آغاز افتاده، قطع: ۲۵cm × ۱۴، ۳۳۰ برگ، شماره ثبت: ۲۵۴ ـ C.

فاریابی، ظهیرالدین

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۶ میلادی، نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۲، ۱۱۴ برگ، شماره ثبت: ۲۶۳ ـ A.

فاریابی، ظهیرالدین

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۸ میلادی، قطع: ۱۴cm × ۱۲، ۱۳۰ برگ، شماره ثبت: ۳۶۸ ـ A.

فاریابی، ظهیرالدین

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۲۱ هـ.ق، نام کاتب: احمدبن‌قربانعلی تبریزی، قطع: ۲۱cm × ۱۴، ۹۵ برگ، شماره ثبت: ۳۰۴۴ ـ Б.

فاریابی، ظهیرالدین

دیوان

نستعلیق، قطع: ۲۲cm × ۱۴، ۱۳۸ برگ، شماره ثبت: ۱۸۷۰ ـ Б.

فصیحی

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۰۴۴ هـ.ق، نام کاتب: محمدعبدالعزیز، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۱۵cm × ۸، ۵۵ برگ، شماره ثبت: ۳۸۲ ـ A.

فیاض

دیوان

تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، آغاز و انجام افتاده، قطع: ۲۵cm × ۱۴، ۱۹۲ برگ، شماره ثبت: ۴۵ ـ C.

فضل‌الله‌بن‌عبدالله

المعجم فی‌تواریخ ملوک‌العجم

تاریخ کتابت: ۱۲۵۱ هـ.ق، شکسته، قطع: ۱۸cm × ۱۱، ۱۶۱ برگ، شماره ثبت: ۲۸۰ ـ A.

فراهی، ابونصر

نصاب الصبیان

تاریخ کتابت: ۱۰۱۷ هـ.ق، نام کاتب: ابراهیم بن‌محمد، نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۳، ۷۵ برگ، شماره ثبت: ۶ ـ Б.

فراهی، ابونصر

نصاب‌الصبیان

تاریخ کتابت: ۱۰۷۰ هـ.ق، نام کاتب: ملاعلی‌بن‌نظرقلی، نسخ، قطع: ۲۲cm × ۱۶، ۳۰ برگ، شماره ثبت: ۲۸۰۸ ـ Б.

فضولی، محمد

صحت و مرض (روح‌نامه)

تاریخ کتابت: ۱۲۰۷ هـ.ق، نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۵، ۲۲ برگ، شماره ثبت: ۲۲۹۵ ـ Б.

فیاضی

نل و دمن

تاریخ کتابت: ۱۲۰۰ هـ.ق، نستعلیق، آغاز افتاده، قطع: ۲۲cm × ۱۲، ۱۳۸ برگ، شماره ثبت: ۱۱۲ ـ M.

فتاح نیشابوری

حُسن و دل

نام کاتب: منصور، تاریخ کتابت: شوال ۱۰۷۱ هـ.ق، نستعلیق، قطع: ۱۷cm × ۱۰، ۶۶ برگ، شماره ثبت: ۲۲۶ ـ A.

فراهی هروی، معین‌الدین محمدمسکین

حدایق الحقایق فی کشف الاسرارالدقایق

تاریخ کتابت: جمادی‌الثانی ۱۱۳۱ هـ.ق، قطع: ۳۳cm × ۲۱، ۱۳ برگ، شماره ثبت: ۵۳۸ ـ D.

فردوسی توسی، ابوالقاسم

شاهنامه

تاریخ کتابت: ۱۰۴۳ هـ.ق، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۳۶cm × ۲۱، ۵۶۰ برگ، شماره ثبت: ۱۵۱ ـ M.

فردوسی توسی، ابوالقاسم

شاهنامه

نستعلیق دارای تذهیب انجام افتاده، قطع: ۳۰cm × ۱۸، ۶۳۱ برگ، شماره ثبت: ۵۳ ـ D.

فردوسی توسی، ابوالقاسم

شاهنامه

تاریخ کتابت: ۱۲۸۰ هـ.ق، محل کتابت: شوشا، نستعلیق، قطع: ۳۵cm × ۲۱، ۵۶۷ برگ، شماره ثبت: ۲۱۴ ـ D.

قدسی، عباسقلی آقا

گلستان ارم

شکسته نستعلیق، قطع: ۲۳cm × ۱۸، ۷۵ برگ، شماره ثبت: ۲۲۶۸ ـ Б.

قدسی، عباسقلی آقا

گلستان ارم

تاریخ کتابت: ۱۲۶۰ هـ.ق، نام کاتب: کریم شکیلی، تعلیق، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۱۵۲ برگ، شماره ثبت: ۲۲۳۶ ـ Б.

قاآنی شیرازی، میرزاحبیب

کلیات

تاریخ کتابت: ۱۲۷۷ هـ.ق، نام کاتب: کربلایی میرزاحسین بابابن‌کربلایی کاظم شروانی نستعلیق، همراه کتاب «پریشان» قاآنی، قطع: ۳۰cm × ۱۹، ۲۰۱ برگ، شماره ثبت: ۳۱۳ ـ C.

قاآنی شیرازی، میرزاحبیب

دیوان

محل کتابت: تهران، قطع: ۳۶cm × ۲۳، ۱۸۱ برگ، شماره ثبت: ۲۴۷ ـ D.

قدسی، محمدجان

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۰۷۹ هـ.ق، نام کاتب: نظام، نستعلیق ریز، قطع: ۲۲cm × ۱۲، ۱۴۹ برگ، شماره ثبت: ۱۲۶ ـ M.

قاجار، میرزامحمود

گلشن محمود

تاریخ کتابت: ۱۲۳۶ هـ.ق، نستعلیق به خط خود مؤلف، قطع: ۲۶cm × ۱۶، ۷۷ برگ، شماره ثبت: ۲۶۲ ـ M.

قصص الانبیاء

تاریخ کتابت: ۱۲۴۶ هـ.ق، نام کاتب: شفیع‌بن ملامحمدرسول، شکسته نستعلیق، محل کتابت: خزی (باکو)، قطع: ۲۱cm × ۱۷، ۱۵۲ برگ، شماره ثبت: ۶۳۱ ـ Б.

قاجار، بهمن‌میرزا

تذکره محمدشاهی

تاریخ کتابت: ۱۲۴۸ هـ.ق، نام کاتب: محمدحسین تبریزی، محل کتابت: اردبیل نستعلیق ریزدارای تعلیق، قطع: ۱۸cm × ۱۰، ۲۸۷ برگ، شماره ثبت: ۲۴ ـ M.

قراباغی، محمدرفیع بن دوست‌محمد

مشرب العطشان (شرح انشای جامی)

تاریخ کتابت: ۱۲۵۳ هـ.ق، نام کاتب: موسی بن پیری تبریزی، نستعلیق،

قطع: ۲۱cm × ۱۴، ۶۱ برگ، شماره ثبت: ۲۰۱۶ ـ Б.

قراباغی، محمدرفیع بن دوست‌محمد

مشرب العطشان (شرح انشای جامی)

نام کاتب: کریم، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۷، ۱۶۶ برگ، شماره ثبت: ۲۰۷۸ ـ Б.

کوثری

خسرو و شیرین

تاریخ کتابت: ۱۲۴۵ هـ.ق، نام کاتب: محمدعلی بن محمدابراهیم، شکسته، قطع: ۲۰cm × ۱۴، ۱۴۳ برگ، شماره ثبت: ۲۹ ـ M.

کوثری

خسرو و شیرین

تاریخ کتابت: ۱۳۲۱ هـ.ق، نام کاتب: میرابراهیم بن‌میرمحسن نواب، قطع: ۲۲cm × ۱۴، ۱۴۵ برگ، شماره ثبت: ۷۴ ـ M.

کسایی، علی‌بن حمزه

قصص الانبیاء

تعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۷cm × ۱۷، ۱۹۶ برگ، شماره ثبت: ۳۳۱ ـ C.

کلیم کاشانی، ابوطالب همدانی

دیوان

نستعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۱cm × ۱۱، ۲۵۰ برگ، شماره ثبت: ۱۶۴ ـ M.

کاتبی نیشابوری

دیوان

تاریخ کتابت: ۹۰۰ هـ.ق، نام کاتب: غیاث‌الدین کاتب القاسمی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۴cm × ۱۵، ۱۷۰ برگ،

کاتبی نیشابوری

مجمع‌البحرین

تاریخ کتابت: ۹۰۰ هـ.ق، نام کاتب: غیاث‌الدین کاتب القاسمی، نستعلیق انجام افتاده، قطع: ۲۴cm × ۱۵، ۴۴ برگ، شماره ثبت: ۹۸ـ M.

کاتبی نیشابوری

مجمع‌البحرین

نستعلیق مجدون، قطع: ۱۸cm × ۱۰، ۴۱ برگ، شماره ثبت: ۲۴۹۰ـ A.

کاتبی نیشابوری

ده باب

نستعلیق، قطع: ۱۸cm × ۱۰، ۳۶ برگ، شماره ثبت: ۲۴۹ـ A.

مهستی گنجه‌ای و امیداحمد

رباعیات

تاریخ کتابت: ۹۰۰ هـ.ق، نستعلیق، قطع: ۱۶cm × ۸، ۱۲۳ برگ، شماره ثبت: ۹ـ M.

مجالس العشاق

تاریخ کتابت: ۹۸۲ هـ.ق، نام کاتب: رمضان بن‌شمس‌الدین الحسامی،

نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۳cm × ۱۶، ۱۳۷ برگ، شماره ثبت: ۷۴۶ـ Б.

میرخواند، محمدبن خاوند شاه

روضة‌الصفا

تاریخ کتابت: ۱۰۱۱ هـ.ق، نام کاتب: محمدبن درویش محمدالحسینی، نسخ قطع: ۳۷ cm × ۲۰، ۳۱۹ برگ، شماره ثبت: ۳۴۳ـD.

منصورنامه (تاریخ)

تاریخ کتابت: ۱۰۳۰ هـ.ق، نسخ، قطع: ۲۵cm × ۱۶، ۲۳۹ برگ، شماره ثبت: ۲۲۳ـC.

محمدمراد بن عبدالرحمن

ترجمه آثارالبلاد

تاریخ کتابت: ۱۰۹۷ هـ.ق، نستعلیق، قطع: ۲۵cm × ۱۶، ۳۷۷ برگ، شماره ثبت: ۲۲۶ـM.

المستوفی القزوینی، حمدالله‌بن ابوبکربن‌حمد

نزهت القلوب

تاریخ کتابت: ۱۱۲۰ هـ.ق، نام کاتب: شیخ ابوسعید بن‌شمس‌الدین محمد، نستعلیق، قطع: ۲۹cm × ۲۰، ۲۰۶ برگ، شماره ثبت: ۴۰۱ـC.

مجذوب تبریزی

شاهراه نجات

تاریخ کتابت: ۱۱۸۲ هـ.ق، نام کاتب: محمد، نستعلیق ریزداری تذهیب و

مینیاتور، قطع: ۲۸cm × ۱۶، ۶۶ برگ، شماره ثبت: ۲۳۹ ـ M.

مکتبی

لیلی و مجنون

تاریخ کتابت: ۱۲۱۴ هـ.ق، نام کاتب: زرشکی شیرازی، شکسته، قطع: ۱۴cm × ۸، ۷۵ برگ، شماره ثبت: ۱۵۷ ـ A.

مکتبی

لیلی و مجنون

تاریخ کتابت: ۱۳۰۴ هـ.ق، نام کاتب: نجف‌قلی بن مشهدی حمیدشروانی، محل کتابت: شماخی، نستعلیق همراه سوز و گدازوعی، قطع: ۲۰cm × ۱۷، ۳۹ برگ، شماره ثبت: ۲۳۲۹ ـ Б.

منصور

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۲۲ هـ.ق، نام کاتب: عبدالوهاب رشتی، شکسته نستعلیق، آغاز افتاده، قطع: ۱۸cm × ۱۱، ۷۷ برگ، شماره ثبت: ۲۲۹ ـ A.

محمدصادق مروزی

تاریخ جهان آرا

تاریخ کتابت: ۱۲۴۴ هـ.ق، نستعلیق ریزدارای تذهیب، قطع: ۴۱cm × ۲۶، ۲۵۶ برگ، شماره ثبت: ۲۸۱ ـ D.

محمدصادق مروزی

تاریخ جهان آرا

تاریخ کتابت: ۱۲۴۴ هـ.ق، نستعلیق ریز دارای تذهیب، قطع: ۲۵ × ۴۰cm، ۲۴۶ برگ، شماره ثبت: ۳۵۹ـD.

منشی، اسکندربیگ

تاریخ عالم آرای عباسی

تاریخ کتابت: ۱۲۵۸ هـ.ق، نستعلیق، آغاز افتاده، قطع: ۲۵ cm × ۱۷، ۳۰۹ برگ، شماره ثبت: ۱۲۹ـc.

المفتی‌البلخی، سلطان محمدبن درویش محمد

مجمع‌الغرائب

تاریخ کتابت: ۱۲۶۶ هـ.ق، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۵ cm × ۱۵، ۱۲۹ برگ، شماره ثبت: ۲۷۵ ـ c.

معتمدالدوله

منشآت

تاریخ کتابت: ۱۲۶۷ هـ.ق،

نام کاتب: حاجی میرزا محمد هادی، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۰ cm × ۱۳، ۱۵۸ برگ، شماره ثبت: ۴۵۳ ـ Б.

مشتاق

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۶۴ هـ.ق، نستعلیق، آغاز افتاده،

قطع: ۲۲ × ۱۵ cm، ۱۰۸ برگ،
شماره ثبت: Б ـ ۸۲۷

مسیح

دیوان
تاریخ کتابت: سده ۱۸ میلادی، نستعلیق، قطع: ۳۲ × ۱۷ cm، ۹۱ برگ،
شماره ثبت: M ـ ۱۴۴.

مجمر

دیوان
نستعلیق، قطع: ۱۸ × ۱۲ cm، ۱۴۱ برگ، شماره ثبت: M ـ ۱۵.

میرزا جمال قراباغی

تاریخ قاراباغ
شکسته نستعلیق، قطع ۲۳ × ۱۸ cm، ۷۶ برگ.

مغربی: شیخ محمد شیرین

دیوان
شکسته نستعلیق، قطع: ۱۸cm × ۱۳، ۷۶ برگ، شمارهٔ ثبت: A ـ ۵۷۷.

مغربی: شیخ محمد شیرین

دیوان
نام کاتب: علی‌بن اسمعیل حیدالهاشمی، نستعلیق، قطع: ۱۹ × ۱۲، ۶۲ برگ، شماره ثبت: Б ۲۹۸۰.

میر قاری گیلانی

مطالب‌العشاق

تاریخ کتابت: سده ۱۸ میلادی، نام کاتب: نصرالله قاسمی، نستعلیق، قطع: cm ۲۲ × ۱۱، ۶۷ برگ، شماره ثبت: ۷۲ ـ M.

میرخواند، محمدبن خاوند شاه

روضة‌الصفا (مجلد دوم)

تاریخ کتابت: ۹۸۸ هـ.ق، نسخ، دارای تذهیب، قطع: cm ۳۳ × ۲۱، ۳۳۷ برگ، شماره ثبت: ۳۱۳ ـ D.

میرخواند، محمدبن خاوند شاه

روضة‌الصفا (مجلد چهارم)

تاریخ کتابت: ۱۰۲۶ هـ.ق، نام کاتب: سید قاسم‌بن محمدالحسینی، نستعلیق، قطع: cm ۳۴ × ۲۳، ۲۳۳ برگ، شماره ثبت: ۳۱۱ ـ D.

میرخواند، محمدبن خاوند شاه

روضة‌الصفا

تاریخ کتابت: ۱۰۲۹ هـ.ق، نام کاتب: محمد عبدالحی، تعلیق، قطع: cm ۳۴ × ۳۰، ۱۳۲ برگ، شماره ثبت: ۲۰۱ ـ D.

میرخواند، محمدبن خاوند شاه

روضة‌الصفا (مجلدات ۱ و ۲)

تاریخ کتابت: ۱۰۲۳ ـ ۱۰۳۲ هـ.ق، نسخ، قطع: cm ۳۷ × ۲۲، ۵۰۱ برگ، شماره ثبت: ۲۴۵ ـ D.

میرخواند، محمدبن خاوند شاه

روضةالصفا

تاریخ کتابت: ۱۰۲۳ ه.ق، نام کاتب: محمدتقی‌بن سلطان محمودبن قاسم بونصری، محل کتابت: مشهد، تعلیق، قطع: cm ۳۴ × ۲۲، ۳۰۴ برگ، شماره ثبت: ۳۱۰ ـ D.

میرخواند، محمدبن خاوند شاه

روضةالصفا

تاریخ کتابت: ۱۰۵۷ ه.ق، نام کاتب: محمد باقربن خلیل‌الله، تعلیق، قطع: cm ۲۹ × ۱۹، ۴۸۲ برگ، شماره ثبت: ۳۶ ـ D.

میرخواند، محمدبن خاوند شاه

روضةالصفا

تاریخ کتابت: ۱۰۷۳ ه.ق، نام کاتب: ولی‌بن محمدبن محمد علی یزدی، محل کتابت: بخارا، تعلیق، قطع: cm ۲۳ × ۱۳، ۳۰۰ برگ، شماره ثبت: ۸۴۱ ـ Б.

میرخواند، محمدبن خاوند شاه

روضةالصفا

تاریخ کتابت: ۱۲۰۶ ه.ق، نام کاتب: حسن الکوهی التفرشی، شکسته نستعلیق، قطع: cm ۳۰ × ۲۰، ۱۳۹ برگ، شماره ثبت ۲۹۹ ـ c.

میرزا کاظم

ترسل

تاریخ کتابت: ۱۲۵۴ه.ق، شکسته نستعلیق، قطع: cm ۲۰ × ۱۵، ۲۲ برگ، شماره ثبت: ۲۴۶۸ ـ Б.

میرزا شاهسوار

مراسلات و محاسبات

تاریخ کتابت: ۱۲۷۶ ه.ق، نام کاتب: محمد گیلانی، شکسته نستعلیق، قطع: cm ۲۲ × ۱۸، ۴۴ برگ، شماره ثبت: ۲۱۱۹ ـ Б.

محمدبن یحییبن علی لاهیجی

مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز

تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، آغاز افتاده، تعلیق، قطع: cm ۱۸ × ۱۲، ۴۱۶ برگ، شماره ثبت: ۳۰۱ ـ A.

محمدبن عثمابن لامعی

منشآت

نستعلیق (ترکی و فارسی)، قطع: cm ۱۹ × ۱۲، ۱۷۱ برگ، شماره ثبت: ۴۲۵ ـ A.

محتشم کاشانی

خطبهٔ حسینیه

نستعلیق، قطع: cm ۱۸ × ۱۴، ۹۵ برگ، شماره ثبت: ۳۵ ـ Б.

محتشم کاشانی

دوازده بند

تاریخ کتابت: ۱۲۵۱ هـ.ق، نام کاتب: احمدبن علی، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۴ cm × ۱۲، ۹۵ برگ، شماره ثبت: ۲۴۲۴ ـ Б.

مسعود سعد سلمان

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۰۴۲ هـ.ق، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: ۲۱ cm × ۱۲، ۲۳۷ برگ، شماره ثبت: ۵۳ ـ M.

نظامی گنجه‌ای

خمسه (حاوی مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، هفت پیکر و اسکندرنامه)

تاریخ کتابت: هفت پیکر سده ۱۶ میلادی، مابقی سده ۱۸ ـ ۱۹ میلادی، نستعلیق، دارای عنوان و ۴۳ مجلس، قطع: ۳۳ cm × ۲۲، ۳۰۷ برگ، شماره ثبت: ۱۵۶ ـ M.

نظامی گنجوی

خمسه (حاوی مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه)

تاریخ کتابت: ۱۰۲۶ هـ.ق، قطع: ۳۱ cm × ۱۷، ۲۲۴ برگ، شماره ثبت: ۲۰۱ ـ c.

نظامی گنجه‌ای

خمسه (حاوی اسکندرنامه، مخزن‌الاسرار، هفت پیکر، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون)

تاریخ کتابت: ۱۱۹۶ هـ.ق، نستعلیق، قطع ۲۳cm × ۲۰، شماره ثبت: ۳۴۹ ـ D.

نظامی گنجه‌ای

خمسه (حاوی مخزن‌الاسرار، هفت پیکر، خسرو و شیرین و اسکندرنامه)
تاریخ کتابت: ۱۰۴۶ هـ.ق، نام کاتب: دوست محمدبن درویش محمد، نستعلیق، دارای عنوان و تذهیب و یازده مجلس، قطع: ۲۱ cm × ۱۸، ۴۰۹ برگ، شماره ثبت: ۲۰۷ ـ m.

نظامی گنجه‌ای

خلاصهٔ خمسه
نام کاتب: عبدالحسین‌بن علی، تاریخ کتابت: ۱۰۵۱ هـ.ق، نستعلیق، قطع: ۱۶ cm × ۱۰، ۳۴ برگ،شماره ثبت: ۱۱۶ ـ A.

نظامی گنجه‌ای

حاوی خسرو و شیرین، هفت پیکر، لیلی و مجنون
نستعلیق دارای ۲۴ مجلس، قطع: ۲۹ cm × ۲۰، ۱۹۸ برگ، شماره ثبت: ۱۳۰ ـ M.

نظامی گنجه‌ای

مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون
شکسته نستعلیق، انجام افتاده، قطع: ۲۳ cm × ۱۷، ۱۱۳ برگ، شماره ثبت: ۱۲۰۰ ـ Б.

نظامی گنجه‌ای

دیوان
نستعلیق دارای تذهیب ، آغاز و انجام افتاده، قطع: ۱۷ cm × ۹، ۸۳ برگ،

شماره ثبت: ۱۱ ـ M.

نواب قره‌باغی، میرمحسن

بحرالحزن

تاریخ کتابت: ۱۲۸۱ ه.ق، محل کتابت: شوشا، به خط خود مؤلف، قطع: cm ۳۴ × ۲۱، ۷۲ برگ، شماره ثبت: ۱۴۷ ـ M.

نواب قره باغی، میرمحسن

کنزالمحسن

تاریخ کتابت: ۱۲۸۱ ه.ق، به خط خود مؤلف، محل کتابت: شوشا، قطع: cm ۳۴ × ۲۱، ۷۲ برگ، شماره ثبت: ۱۴۷ ـ M.

نواب قره باغی، میر محسن

کشف‌الحقیقه

تاریخ کتابت: ۱۳۱۳ ه.ق، به خط خود مؤلف، قطع: ۲۳cm × ۱۶، ۱۲۰ برگ، شماره ثبت: ۲۹۰۴ ـ Б.

نواب قره‌باغی، میر محسن

کشف‌الحقیقه

تاریخ کتابت: ۱۳۱۳ ـ ۱۳۱۹ ه.ق، به خط خود مؤلف دارای دو مینیاتور قطع: cm ۲۳ × ۱۵، ۱۲۸ برگ، شماره ثبت: ۸۶۳ ـ Б.

نواب قره‌باغی، میر محسن

نوالانوار

تاریخ کتابت: ۱۳۱۶ ه.ق، به خط خود مؤلف، تعلیق، قطع: cm ۲۲ × ۱۵، ۸۶ برگ، شماره ثبت: ۱۲۱۲ ـ Б.

نواب قره‌باغی، میر محسن

ضیاءالانوار

تاریخ کتابت: ۱۳۱۸ ه.ق، به خط خود مؤلف، قـطع: cm ۲۳ × ۱۵، ۵۹ برگ، شماره ثبت: ۲۹۲۹ ـ Б.

نواب قره‌باغی، میر محسن

پند نامه

تاریخ کتابت: ۱۳۲۴ ه.ق، به خط خود مؤلف، تعلیق، قطع: cm ۲۲ × ۱۶، ۳۴ برگ، شماره ثبت: ۱۲۴۰ ـ Б.

ناصری

محفل آرا

تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، نستعلیق، قطع: cm ۲۲ × ۱۴، ۵۱۴ برگ، شماره ثبت: ۱۸۴ ـ M.

نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق

خسرو و شیرین

تاریخ کتابت: ۱۲۰۱ ه.ق، نستعلیق دارای ۱۷ مینیاتور و تذهیب، قطع: cm ۱۵ × ۹، ۱۶۷ برگ، شماره ثبت: ۲ ـ M.

نشاط اصفهانی، میرزا عبدالوهاب

دیوان

شکسته نستعلیق، انجام افتاده، قطع: cm ۲۰ × ۱۳، ۵ برگ، شماره ثبت: Б - ۲۸۴۸.

نجیب اصفهانی

دیوان

نستعلیق،

قطع: cm ۲۱ × ۱۵، ۱۴۸ برگ، شماره ثبت: Б - ۱۶۸۷.

نخشبی، ضیاءالدین

طوطی نامه

تاریخ کتابت: ۹۴۱ هـ.ق، نستعلیق، قطع: cm ۲۲ × ۱۴، ۱۶۲ برگ، شماره ثبت: M - ۸۲.

نخشبی، ضیاءالدین

طوطی نامه

تاریخ کتابت: ۱۱۸۹ هـ.ق، نام کاتب: محمد رجب‌بن محمد صادق، تعلیق، قطع: cm ۲۷ × ۱۶، ۲۵۰ برگ، شماره ثبت: M - ۳۳۳.

نعیم

قصاید

نستعلیق، قطع: cm ۲۰ × ۱۲، ۱۵۱ برگ، شماره ثبت: Б - ۵۷.

نورعلیشاه اصفهانی

دیوان

تاریخ کتابت: ۱۲۲۲ هـ.ق، شکسته نستعلیق، قطع: ۱۴ cm × ۱۰، ۱۲۷ برگ، شماره ثبت: ۳۱۱ ـ A.

وحید، تبریزی

جمع مختصر

تاریخ کتابت: ۱۱۱۴ هـق، آغاز و انجام افتاده، نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۴، ۲۰ برگ، شماره ثبت: ۲۳۰۴ ـ Б.

وحید، تبریزی

جمع مختصر

تاریخ کتابت ۱۱۲۵ هـق، نام کاتب: قربانعلی، تعلیق، قطع: ۲۰cm × ۱۴، ۲۷ برگ، شماره ثبت: ۴۳۳ ـ A.

وحید، تبریزی

جمع مختصر

تاریخ کتابت: ۱۱۳۶ هـق، نام کاتب: نورمحمد، محل کتابت: آغداش (آذربایجان)،نستعلیق و نسخ، قطع: ۲۰cm × ۱۵، ۳۰ برگ، شماره ثبت: ۴۴ ـ M.

وحید، تبریزی

جمع مختصر

تاریخ کتابت: ۱۲۲۷ هـق، نام کاتب: احمد بن خانگلدی، نسخ، قطع:

۲۱cm × ۱۴، ۱۹ برگ شماره ثبت: ۲۵۶ ـ Б.

وحید، تبریزی

جمع مختصر

نستعلیق، قطع: ۱۹cm × ۱۵، ۱۹ برگ، شماره ثبت: ۴۶ ـ M.

وحشی بافقی، کمال‌الدین

خلدبرین

تاریخ کتابت: ۱۰۳۳ هـ.ق، قطع: ۲۱ cm × ۱۲، ۱۳۰ برگ، (۴۵ ـ ۶۶)، شماره ثبت: ۱۸۳۶ ـ Б.

وحشی بافقی، کمال‌الدین

کلیات (حاوی منظومه‌های ناظر و منظور، خلدبرین و قصاید)

تاریخ کتابت: سده ۱۷ میلادی، نستعلیق دارای چهار مینیاتور، قطع: cm ۲۱ × ۱۱، ۱۳۰ برگ، شماره ثبت: ۱۸۳۶ ـ Б.

و طواط، رشیدالدین محمدبن محمدبن عبدالجلیل

حدایق‌السحر فی محاسن‌الشعر

تاریخ کتابت: ۱۳۴۰ هـ.ق، قطع: ۲۰ cm × ۱۳، ۹۰ برگ، شماره ثبت: ۲۵۲۳ ـ Б.

وامق و عذرا

نستعلیق، قطع: ۲۱ cm × ۱۳، ۱۹۵ برگ، شماره ثبت: ۷۸۴ ـ Б.

وقفنامه گوهر آغا دختر ابراهیم خان قراباغی

تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۹ میلادی، ثلث نستعلیق، قطع: ۲۳ cm × ۱۵، ۱۲ برگ، شماره ثبت: ۵۹۰ ـ Б.

واعظ کاشفی، حسین‌بن علی

لباب‌المعنوی فی انتخاب‌المثنوی

تاریخ کتابت: ۱۱۱۵ هـ.ق، تعلیق، قطع: ۲۳ cm × ۱۳، ۳۲۶ برگ، شماره ثبت: ۱۷۷ ـ Б.

واعظ کاشفی، حسین‌بن علی

روضة‌الشهدا

تاریخ کتابت: ۱۱۹۶ هـ.ق، نام کاتب: محمد صالح‌بن محمد یار شروانی، شکسته نستعلیق، قطع: ۲۱ cm × ۱۷، ۵۷ برگ، شماره ثبت: ۲۸۴۶ ـ Б.

واعظ کاشفی، حسین‌بن علی

انوار سهیلی

تاریخ کتابت: ۱۲۳۶ هـ.ق، نام کاتب: محمد علی خضری، نستعلیق، دارای تذهیب، قطع: ۲۰ cm × ۱۳، ۳۰۹ برگ، شماره ثبت: ۱۳۵ ـ Б.

واعظ کاشفی، حسین‌بن علی

روضة‌الشهدا

تاریخ کتابت: ۱۲۴۰ هـ.ق، شکسته نستعلیق و نسخ، قطع: ۳۴ cm × ۲۱، ۲۱۷ برگ، شماره ثبت: ۱۷۲ ـ D.

واصفی، زین‌الدین محمودبن عبدالجلیل

بدایع‌المنابع

تاریخ کتابت: ۱۲۴۲ هـ.ق، نام کاتب: سید عبدالله خوارزمی، نستعلیق، قطع: cm ۲۶ × ۱۴، ۳۷۳ برگ، شماره ثبت: ۱۷۶ ـ M.

مولوی، جلال‌الدین رومی

مثنوی معنوی

تاریخ کتابت: ۸۹۶ هـ.ق، نام کاتب: یعقوب‌بن‌بهاءالدین بن‌حاجی حسن، نستعلیق، قطع: ۲۵cm × ۱۷، ۲۸۳ برگ، شمارهٔ ثبت: ۱۳۳ ـ C.

هاتفی

تیمور نامه

تاریخ کتابت: ۹۲۱ هـ.ق، نام کاتب: سلطان علی، نستعلیق دارای تذهیب، قطع: cm ۱۹ × ۱۳، ۱۹۰ برگ، شماره ثبت: ۱۶ ـ M.

هاتفی

تیمور نامه

تاریخ کتابت: ۹۵۷ هـ.ق، نستعلیق ریز دارای تذهیب، قطع: cm ۲۴ × ۱۶، ۱۳۷ برگ، شماره ثبت: ۱۸۲ ـ M.

هاتفی

خسرو و شیرین

تاریخ کتابت: ۱۲۴۰ هـ.ق، نام کاتب: محمد شفیع‌بن استاد صادق معمار، نستعلیق، قطع: cm ۲۰ × ۱۸، ۸۲ برگ، شماره ثبت: ۸۶ ـ c.

همایون

دیوان

نستعلیق، قطع: cm ۱۹ × ۱۲، ۹۴ برگ، شماره ثبت: ۵ ـ Б.

یزدي، شرف‌الدین علی

ظفر نامه

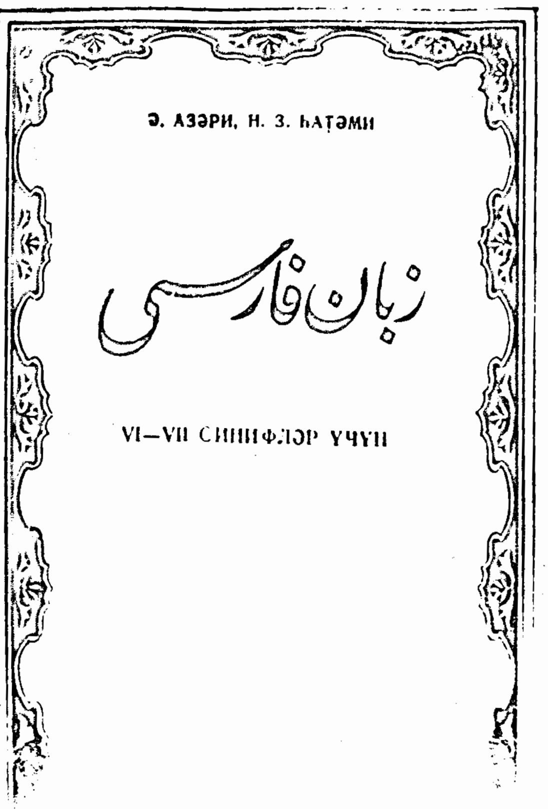
تاریخ کتابت: ۱۲۳۴ هـ.ق، نام کاتب: محمد یوسف سمرقندی، محل کتابت: خوقند، نستعلیق، قطع: cm ۳۰ × ۲۱، ۳۵۵ برگ، شماره ثبت: ۱۳۷ ـ M.

○ منابع:

- آذربایجان غرللری، باکو: ۱۹۹۱
- آقابزرگ تهرانی. الذریعه‌الی تصانیف‌الشیعه، تهران: ۱۳۲۹.
- اسدی توسی. لغت فرس، تهران: ۱۳۳۲.
- بادکوبه‌ای (قدسی) قانون قدسی. دارالطبع تفلیس، ۱۳۴۸ ق.
- تربیت، م.ع. دانشمندان آذربایجان، تبریز: فردوسی، [بی‌تا].
- توفیق، ر. اسلوب آموزش زبان فارسی در کلاس پنجم، (رسالهٔ کارشناسی ارشد)، باکو: ۱۹۷۲.
- حافظ ابرو. زبدة‌التواریخ (نسخه خطی)، تهران: کتابخانهٔ ملک، شماره: ۴۱۴۳ ـ ۴۱۶۶
- خاقانی شروانی. دیوان اشعار (به تصحیح دکتر سجادی) تهران: ۱۳۳۸.
- خاقانی شروانی. گزیدهٔ اشعار (به کوشش دکتر سجادی)، تهران: حبیبی، ۱۳۷۰.
- خیام پور، دستور زبان فارسی ـ تبریز، ۱۳۴۰.
- زنجانی، ب. احوال و آثار و شرح مخزن‌الاسرار نظامی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- سیدوف، تاریخچهٔ تکامل اندیشهٔ آموزشی در آذربایجان. باکو: ۱۹۵۸.
- صادق اوا ـ علی‌اصغر اوا. فارسی پژوهان آذربایجان باکو، ۱۹۹۰ (به ترکی آذری).
- صفا، ذ. تاریخ ادبیات در ایران، تهران : فردوسی.
- صفا، ذ. گنجینهٔ سخن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- عبدالله‌اف، آ. فرازهایی از تاریخ آموزش زبان آذری. باکو: ۱۹۶۶.
- عوفی، م. لباب‌الالباب (به سعی براون)، تهران: ۱۳۶۱.
- فضولی، م. حدیقة‌السعدا، تهران: الهدیٰ، ۱۳۷۳.

- کسایی، ن. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- مازی اوغلو، ح. فضولی - حافظ. آنکارا: ۱۹۵۹ (ترکی استانبولی).
- مدرس تبریزی، ریحانةالادب، چ ۲، ج ۶.
- میرزایف، ع. دانشگاه دولتی آذربایجان در طول ۵۰ سال (به زبان روسی) باکو، ۱۹۶۹.
- ناصر خسرو. سفرنامه. (به تصحیح دکتر دبیر سیاقی)، تهران: زوار ۱۳۷۳ (چ ۷).
- نظامی گنجوی. خسرو و شیرین. تهران: توس، ۱۳۶۶.
- نظامی گنجوی. خسرو و شیرین، تهران: توس، ۱۳۶۶.
- نفیسی، س. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی. تهران: فروغی، ۱۳۴۴.
- هیأت، ج. سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی، تهران: نو، ۱۳۶۶

○ علائم



آدمک نان قندی

(Фарсча [illegible])

(VI—VIII синиф шакирдлəри үчүн)

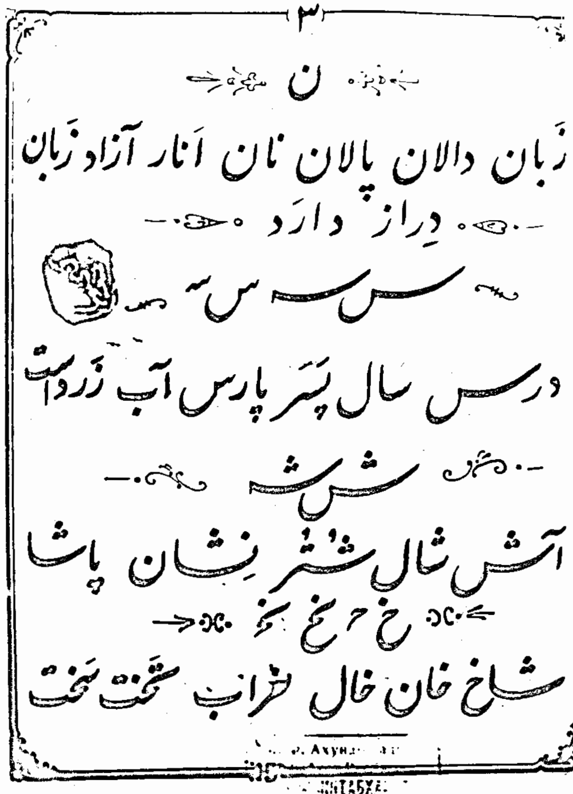


[illegible]
Дөвлəт тəдрис педагожи əдəбијјаты нəшријјаты
Бакы — 1963

تدریس فارسی در پنجاب
(پاکستان)

محمد سلیم مظهر / عبدالغفور ملک

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
نخستین مجمع بین‌المللی استادان زبان فارسی
۱۳۷۴



دیدار

(حکایاتی چند بزبان فارسی)

(برای کلاسهای ۱۱—۹ دبیرستانها)



باکو—۱۹۶۱

اصول جدید

لسان فارسی

حصهٔ اول

برای فارسی آموزان تألیف شده است

اثر

صفرعلی بیک ولی بیکوف

از معلمین مدرسهٔ [illegible]

شهر بادکوبه فی ۱۸ ماه صفر المظفر سنه ۱۳۱۵ اسلامی

با اجازهٔ سینزور در ۱۹ ماه دکابر

سال ۱۸۹۶ مسیحی مطبوع شده

در شهر بادکوبه در چاپخانهٔ دیموروف قیمت ۶ کوپیک

دستور پارسی

سال سیم

برای شاگردان کلاس (اول)

اثر

میرزا محسن

معلم ادبیات مدرسهٔ « سعادت »

تاریخ تالیف ماه سنتیابر

۱۹۰۹ م

سنه

۱۳۲۷ ه

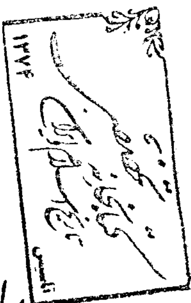
برادران اوروج اوفلارك مطبعه سنده چاپ اولوندی

زبان فارسی

IV–V СИНИФЛӘР ҮЧҮН

БАКЫ — АЗӘРТӘДРИСНӘШР — 1961

محمد آقا سلطانوف و راغبه آخوندوا



برای کلاس سوم

معارف - ۱۹۷۱

